صفحه ۱

فرهیختگان

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رادیو مضمون:
روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۴۸۱۴
سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
۲۵ رجب ۱۴۴۵
۶ فوریه ۲۰۲۴
شماره ۴۰۷۶

شهادت امام موسی‌کاظم(ع) را تسلیت می‌گوییم

www.Fdn.ir | Tue | 6 Feb 2024 | vol.15 | No. 4076 | 16 Pages

رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از فرماندهان ارتش از اهمیت حضور مردم و نقش شتاب‌دهنده خواص گفتند

مردم‌سالاری دینی؛ ضامن امنیت و قدرت ملی

درس زلزله اقتصادی ترکیه «با دقت بخوانید»

چرا سیاستگذار ایرانی باید ماجرای تورم ترکیه را پیگیری کند

۱۶

فیلم «آسمان غرب» ما را به جهان علی‌اکبر شیرودی و نیروی هوایی ارتش می‌برد
دنیای دفاع از مردم با دست‌های خالی

تو آسمون‌ها دنبالت می‌گشتیم

طرح: آرش فروغی | فرهیختگان

مبارزان انقلابی در نشست اخیر «دانشگاه، خانه گفت‌وگو» از ابعاد پیروزی انقلاب گفتند

دانشگاه؛ شنونده روایت روزهای انقلاب

۴,۵

صهیونیست‌ها طی بمباران ۱۲۰ روزه چه بلایی بر سر باریکه غزه آوردند؟

کروکی غزه پساجنگ

۲

فعالان محیط‌زیستی معتقدند برخی شنزارهای خوزستان نیازی به مالچ‌پاشی ندارند

مالچ‌پاشی بوسه مرگ به کرخه

۷

رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از فرماندهان ارتش
از اهمیت حضور مردم و نقش شتاب‌دهنده خواص گفتند

مردم‌سالاری دینی ضامن امنیت و قدرت ملی

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، بیعت شماری از همافران با امام خمینی(ره) را در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷، «شتاب‌دهنده» انقلاب خواندند و با تبیین نقش شتاب‌دهندگی خواص- به معنای مجموعه‌ها و عناصری که با شناخت و تشخیص صحیح و شجاعانه و به موقع اقدام می‌کنند- افزودند: «خواص در ایجاد شتاب لازم برای تحقق اهداف انقلاب، وظایف سنگینی برعهده دارند.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین حضور هر چه پرشورتر مردم در انتخابات ۱۱ اسفند را تضمین‌کننده اقتدار و امنیت ملی برشمردند و تاکید کردند: «به فضل الهی مردم در راهپیمایی سراسری ۲۲ بهمن، شرکت گسترده و پرشوری خواهند داشت و با دفاع از انقلاب، وفاداری خود به امام خمینی را برجسته خواهند کرد.» فرمانده کل قوا، حادثه شگفت‌انگیز بیعت جمعی از همافران و کارکنان نیروی هوایی با امام خمینی را در ۱۹ بهمن ۴۵ سال قبل، دارای عبرت‌ها و درس‌های پایان‌ناپذیری دانستند و افزودند: «نیروی هوایی با از خودگذشتگی و با آن کار مخلصانه و شجاعانه، در پیوستن به انقلاب پیشگام شد و در روزهای بعد با مقاومت در مقابل حمله گارد شاه به مرکز نیروی هوایی در تهران، مردم و جوانان را به شوق و امید آورد و به خیابان کشاند و در پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن، نقش بسیار مهم «شتاب‌دهنده» را ایفا کرد.» رهبر انقلاب با اشاره به تشکیل جهاد خودکفایی در نیروی هوایی چند ماه بعد از پیروزی انقلاب، افزودند: «همان روحیه اقتدار و شجاعت و قدرت روحی باعث شد نیروی هوایی در تشکیل جهاد خودکفایی هم پیشگام و شتاب‌دهنده شود.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیروی هوایی دوره طاغوت را از لحاظ فرماندهی، سیاستگذاری و تجهیزات، کاملا در اختیار و تحت امر آمریکایی‌ها برشمردند و افزودند: «عناصر مومن و انقلابی با جهاد خودکفایی، نیروی هوایی را از مالکیت آمریکا خارج و کاملا به نیرویی ایرانی تبدیل کردند و پیش برندگی و قدرت تحول‌آفرینی خود را نشان دادند.» ایشان، برخورداری از عناصر و مجموعه‌های شتاب‌دهنده را نیاز مستمر انقلاب‌ها و حرکات عظیم و هدف‌دار اجتماعی خواندند و گفتند: «براساس تجربیات تاریخی، حرکات بزرگ به تدریج دچار رکود و کندی و سستی و حتی بازگشت به عقب می‌شوند که جلوگیری از ابتلای به این آفت مخرب، نیاز به فعالیت شتاب‌دهنده‌ها دارد.» رهبر انقلاب برخی جاذبه‌های درونی انقلاب اسلامی از جمله مبارزه با ظلم و ظالم، ایستادگی در مقابل قلدرهای جهانی، توجه به دنیای مردم و آینده کشور و درعین حال توجه کامل به معنویت و مراسم و مناسک عبادی را باعث رویش‌های جدید و جایگزینی ریزش‌ها خواندند و گفتند: «با وجود این جاذبه‌های ذاتی، انقلاب و کشور نیازمند وجود شتاب‌دهنده‌هایی است تا در کارهای بزرگ دچار کندی و سستی و نشویم.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، خواص را شتاب‌دهندگان حقیقی برشمردند و در نکته‌ای مهم گفتند: «منظور از خواص، صرف نام و نشان‌دار بودن نیست؛ بلکه خواص کسانی هستند که در همه قشرها و صنوف ملت، با فکر و شناخت و قدرت تشخیص عمل می‌کنند و بدون تبعیت از جو و فضاسازی‌ها، با قدرت و شجاعانه و به هنگام، به وظایف خود عمل می‌کنند.» ایشان افزودند: «هر کس در میان دانشگاهیان، دانشجویان، سیاسیون، روحانیون، بازاریان، مطبوعاتی‌ها، نظامیان و هر قشر دیگر با فهم مسائل و شناخت جبهه‌بندی دوست و دشمن عمل می‌کند، جزء خواص محسوب می‌شود.» رهبر انقلاب وظیفه و نقش‌آفرینی خواص در موارد حساس را سنگین خواندند و گفتند: «خواص باید جهت عمومی حرکت جامعه را حفظ کنند و نگذارند این حرکت دچار انحراف شود که اگر از این وظیفه غفلت شود، حوادثی پیش خواهد آمد که ضربه‌های تاریخی به همراه می‌آورد.» ایشان تردید و تعلل یا خیانت و تبانی برخی خواص در جنگ صفین را نمونه‌ای از غفلت‌های خسارت‌بار تاریخ اسلام دانستند و خاطرنشان کردند: «در تاریخ اسلام موارد زیادی وجود دارد که خواص و اهل تشخیص در لحظه لازم به خاطر تردید، تامل، تنبلی و در مواردی خیانت، حضور بهنگام نداشتند و این غفلت آنها، روی دیگران و جمعیت تابع جو نیز آثار منفی داشته است.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر اینکه جبهه دشمن برای خواص برنامه خاص دارد، افزودند: «هدف دشمن این است که خواص با گرفتار شدن به تردید و تعلل و جذب شدن به چرب و شیرین دنیا، در بزنگاه‌ها و مواقع حساس، کار لازم و نقش شتاب‌دهندگی خود را انجام ندهند.» ایشان وظیفه خواص در مقابل این نقشه را جهاد تبیین و خنثی کردن تردیدافکنی و شک‌آفرینی بدخواهان دانستند و گفتند: «در قرآن کریم، نمونه‌ای از نقش‌آفرینی یک مرد مومن بیان شده است که در مقابل توطئه برای قتل سه پیغمبر الهی، با شجاعت و صراحت مردم را به پیروی از پیامبران دعوت و با صدای بلند ایمان خود را بیان می‌کند.»

رهبر انقلاب، وظیفه خواص را بیان صریح حقایق و پرهیز از دوپهلوگویی و بیان سخنان تردیدآمیز دانستند و افزودند: «امروز یک میدان جدی برای نقش‌آفرینی خواص دنیای اسلام اعم از علما، دانشمندان، سیاسیون و مطبوعاتی‌ها، موضوع غزه است.» ایشان با اشاره به رقم خوردن فجایع انسانی در غزه با پشتیبانی آمریکا از رژیم صهیونیستی، تبیین این حقیقت برای ایجاد مطالبه عمومی ملت‌های مسلمان از دولت‌هایشان برای ضربه قاطع به رژیم صهیونیستی را وظیفه مهم خواص خواندند و گفتند: «ضربه قاطع به معنی وارد جنگ شدن با رژیم صهیونیستی نیست، بلکه به معنی قطع رابطه اقتصادی با رژیم صهیونیستی است.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر اینکه ملت‌ها توان به خط کردن دولت‌ها و وادار کردن آنها به قطع حمایت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی را دارند، گفتند: «با وجود اینکه این رژیم ظالم و گرگ صفت اینگونه به جان زن و کودک و بیمار افتاده و بیست و چند هزار نفر را به قتل رسانده است اما برخی کشورهای اسلامی باز هم به آن کمک اقتصادی می‌کنند و حتی شنیده می‌شود بعضی از آنها سلاح هم به رژیم صهیونیستی می‌دهند.» ایشان درباره مسائل مهم داخلی نیز، انتخابات اسفندماه را میدانی دانستند که خواص می‌توانند در آن نقش ایفا کنند. رهبر انقلاب اسلامی با تاکید بر اینکه انتخابات هرچه پر شورتر برگزار شود، قدرت ملی و امنیت ملی بیشتر نمایان و تامین می‌شود، افزودند: «با حضور مردم در صحنه و مشاهده قدرت نظام و کشور، تهدید دشمن خنثی می‌شود؛ چراکه قدرت و اقتدار ملی، امنیت ملی به وجود می‌آورد.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به نزدیک بودند ۲۲ بهمن و سالروز پیروزی انقلاب، گفتند: «همچنان‌که مردم در ۴۵ سال گذشته حتی بدون یک نوبت تعطیلی در همه شهرها و روستاها به خیابان‌ها آمده و با سر دادن شعار، از انقلاب خود دفاع، و تبعیت و بیعت‌شان را با امام بزرگوار اعلام کرده‌اند، امسال نیز ان‌شاءالله مردم عزیز در راهپیمایی ۲۲ بهمن که نشانه اقتدار ملی است به‌صورت پر شور شرکت خواهند کرد.»

در ابتدای این دیدار، امیر سرتیپ حمید واحدی، فرمانده نیروی هوایی ارتش با اشاره به تعهد نیروی هوایی به راه و مکتب شهیدانی چون بابایی و ستاری، گزارشی از برنامه‌ها و دستاوردهای یک سال گذشته این نیرو بیان کرد.

در اولین نشست از سلسله نشست‌های علمی تبیینی ویژه دهه مبارک فجر مطرح شد

«منطقه‌گرایی»؛ الگوی نوین جنبش‌های مقاومت

کیهان برزگر
مدیر گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد

گفتمان «نه شرقی نه غربی» امام خمینی(ره)، میراثی از یک الگوی پیشرفته سیاست خارجی است که در روند زمان توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی در قالب «منطقه‌گرایی» و ظهور یک «ایران قوی» منطق استراتژیک یافته، زیباسازی شده و با محیط ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک منطقه غرب‌آسیا سازگار شده است. اولین نشست از سلسله نشست‌های علمی تبیینی ویژه دهه مبارک فجر با عنوان جمهوری اسلامی و مساله وفاداری به سیاست نه شرقی و نه غربی انقلاب اسلامی؛ آری یا خیر؟ با سخنرانی دکتر کیهان برزگر عضو هیات علمی و مدیرگروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد با حضور بیش از ۵۰۰ نفر از اساتید به صورت حضوری و مجازی در تاریخ ۱۴ بهمن ماه ۱۴۰۲ توسط مرکز فرهنگی دانشگاهی امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی برگزار شد. در این نشست علمی تبیینی دکتر برزگر بحث خود را در سه زمینه ارائه کرد و سپس به پرسش‌های اساتید پاسخ داد. متن کامل سخنرانی این استاد روابط بین‌الملل به شرح زیر است.

نخست، ارائه گفتمان نوین

الگوی سیاست خارجی «نه شرقی نه غربی» یک الگوی پیشرفته سیاست خارجی است که توسط امام خمینی(ره) به‌منظور تمرکز بر یک رویکرد مستقل سیاست خارجی، فراتر از ایدئولوژی‌های سلطه‌محور غربی و شرقی در زمان خود مطرح و عملیاتی شد. این الگو در روند زمان و با هدف سازگاری با محیط ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک منطقه غرب‌آسیا و نظم جهانی توسط رهبر انقلاب در قالب «منطقه‌گرایی» و ظهور یک «ایران قوی» زیباسازی شد و اکنون به عنوان الگویی نوین برای جنبش‌های مقاومت و ضداستکباری به‌منظور اخراج بیگانگان از محیط امنیتی ایران در منطقه غرب‌آسیا جنبه راهبردی یافته و همزمان توجه قدرت‌های بزرگ غربی و شرقی را به خود جلب کرده است. گفتمان سلطه‌محور غالب در زمان وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در میان ملت‌ها و دولت‌های منطقه غرب‌آسیا این بود که نزدیکی و ائتلاف با غرب ملاک رشد و توسعه همه جانبه کشورها به حساب می‌آید. به‌واقع، غرب از خرابه‌های بعد از جنگ جهانی دوم جایگاه و موقعیت خود را در قالب تاسیس و تثبیت نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و نهادهای تابعه آن (جنبه سیاسی)، ائتلاف نظامی ناتو (جنبه نظامی) و صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی (مکانیسم پولی مبادلاتی دلار و وابستگی مالی) و ایدئولوژی لیبرال- دموکراسی (جنبه هویتی و فرهنگی) تقویت کرده بود. همچنین غرب با طرح جریان «استعمارزدایی» در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی در مسیر یکدست کردن جهان برآمد، چون باور عمومی این بود که نیروهای ملی برآمده از خیزش‌های ملی و مردمی (به‌ویژه در منطقه غرب آسیا) درنهایت به سمت غرب گرایش می‌یابند. از این طریق غرب تلاش کرد تا تضادهای موجود در مارکسیسم و نظام کمونیسم را به سود خود رقم بزند. گفتمان غالب دوم در زمان بروز انقلاب اسلامی، نظام سلطه‌محور کمونیستی شرق به رهبری شوروی بود که بر پایه اندیشه‌های مارکسیسم و اقتصاد اشتراکی بنا شده بود. در این گفتمان نشانی از معنویت و هستی‌شناسی ارزشی نبود و ناکارآمدی شیوه حکمرانی در این گفتمان سبب شد تا غرب با بهره‌برداری از نارسایی‌های سیاسی و اقتصادی نظام سوسیالیستی شوروی در مبارزه طولانی دوران جنگ سرد بر این گفتمان پیروز شود و ایدئولوژی «لیبرال- دموکراسی» را به جریان بینادین و بر سیاست جهانی سلطه مطلق یابد. این زمانی بود که فرانسیس فوکویاما یکی از اندیشمندان غربی، نظریه «پایان تاریخ» را مطرح کرد که معنای آن این بود که ایدئولوژی لیبرال- دموکراسی غربی بر ایدئولوژی و گفتمان رقیب کمونیسم پیروز شده و دنیا به سمت یکدست شدن یا همان جهانی شدن با رهبری آمریکا و غرب پیش می‌رود، غافل از اینکه گفتمان رقیب جدید در قالب تمدن اسلامی به رهبری ایران در حال شکل‌گیری و بسترسازی برای به چالش کشیدن نظام سلطه در حال تکامل است. به‌واقع، انقلاب اسلامی ایران بر مبنای نفی سلطه غرب و استکبار جهانی در شرایطی ظهور کرد و پیروز شد که کشورهای جهان به نوعی به یکی از این دو گفتمان غالب وابسته بودند و الگوی سیاست خارجی و روابط بین‌المللی خود را بر مبنای تنظیم روابط نزدیک و قرار گرفتن در بلوک‌بندی این دو گفتمان ساماندهی می‌کردند. در آن زمان باور رژیم گذشته ایران هم این بود که نزدیکی با غرب ملاک رشد و توسعه همه جانبه کشور خواهد بود، براساس این باور که غرب صاحب اصلی تکنولوژی و سرمایه در جهان است. در این شرایط، گفتمان «نه شرقی، نه غربی» به‌منظور نفی سلطه غرب و شرق، از سوی امام خمینی(ره) مطرح و در شیوه حکمرانی سیاست داخلی و سیاست خارجی کشور عملیاتی شد. هدف اصلی این گفتمان دستیابی به روندهای مستقل سیاسی و اقتصادی و هویت‌بخشی به تمدن ایرانی- اسلامی بود.

دوم، سیاست «نه شرقی، نه غربی» در روند زمان

در روند زمان و در بستر تکامل جمهوری اسلامی منطق این گفتمان نوین به موازات جنبه‌های ارزشی، توسط رهبر انقلاب جنبه واقع‌گرایانه و استراتژیک گرفت و اکنون در قالب «منطقه‌گرایی» به عنوان نقطه اصلی تولید قدرت ملی در سیاست خارجی کشورمان تجلی یافته است. بر این مبنا، گسترش و تقویت روابط با کشورهای اسلامی منطقه به عنوان حلقه اول حفظ امنیت و تامین منافع ژئوپلیتیک ایران در تمرکز اجرای سیاست خارجی قرار گرفت. در رژیم سابق و حتی برخی از دولت‌های بعد از انقلاب، تصور سنتی تامین منافع از طریق برقراری روابط نزدیک با غرب همچنان یک رویکرد غالب در گفتمان سیاست خارجی کشورمان بود. براساس این الگوی فکری، تنها با برقراری روابط مسالمت‌آمیز و بهبود روابط با غرب می‌توان قدرت ملی ایران را افزایش و به تبع آن نفوذ منطقه‌ای ایران را گسترش داد. اما بر مبنای رویکرد منطقه‌گرایی در سیاست خارجی، تنها با افزایش نقش و نفوذ در منطقه است که قدرت‌های بزرگ به اهمیت استراتژیک ایران در سیاست منطقه‌ای و جهانی پی می‌برند و به سمت ایران می‌آیند. یعنی معادله ایران- غرب- منطقه به معادله ایران- منطقه- غرب/شرق تغییر جهت داد. به عبارت دیگر منطقه، شروع سیاست خارجی ایران می‌شود، امری که در دولت‌های قبلی تا حدود زیادی از آن غفلت شد.

واقعیت این است که نظام سلطه بدون تقابل و مبارزه حاضر به پذیرش قدرت و جایگاه واقعی و تمدنی ایران براساس اصل ضرورت توازن قوا در منطقه نبوده و نیست. به‌واقع، جنگ تحمیلی جنگ نظام سلطه غربی و شرقی با هدف جلوگیری از گسترش گفتمان انقلاب اسلامی و ایجاد مانع از سرایت روندهای مستقل سیاسی- امنیتی از ایران به سایر کشورهای منطقه بود که به نوعی تحت سلطه سیاسی- امنیتی و اقتصادی غرب و شرق قرار داشتند. در محور این الگوی تکامل یافته گفتمان «نه شرقی نه غربی»، اصل حفظ امنیت و بقای کشور با هر روش ممکن قرار داشت. تجربه جنگ تحمیلی، ایران را به سمت تشکیل «محور مقاومت» سوق داد که در ابتدا با رویکردهای ایدئولوژیک نیروهای سیاسی طرفدار ایران برای دفاع از سرزمین‌های خود در برابر نظام سلطه در لبنان و با تاسیس حزب‌الله لبنان آغاز شد. همزمان با تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای از جمله جنگ‌های آمریکا در افغانستان، عراق و بحران‌های سوریه و یمن که منجر به نزدیکی دشمن و نظام سلطه به حلقه امنیتی ایران شد، محور مقاومت جنبه استراتژیک و شبکه‌ای هم پیدا کرد. در درون این شکل از مبارزه با نظام سلطه و متحدان وابسته منطقه‌ای آن، قدرتی عظیم شکل گرفت. این قدرت در مقاومت سوریه در برابر نظام سلطه، سرکوب تکفیری‌ها در عراق، مقاومت یمنی‌ها در جنگ با رژیم‌های محافظه‌کار عربی و اکنون در جنگ غزه کارآمدی خود را به خوبی نشان داده است. حمله یمنی‌ها به اهداف آمریکایی- انگلیسی و صهیونیستی در دریای سرخ با هدف حمایت از مردم غزه صورت می‌گیرد. مقاومت حزب‌الله توان عمده ارتش اسرائیل را در جبهه شمالی زمین‌گیر کرده است و مقاومت عراقی با حمله به اهداف و پایگاه‌های آمریکایی برای خروج و مانع شدن از حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی در کشتار مردم بی‌گناه غزه، وارد عمل شده است. بی‌تردید این مقاومت شبکه‌ای با هیچ‌یک از شیوه‌های جنگ کلاسیک غربی و با بمباران‌ها متوقف نمی‌شود. اساسا این نوع مقاومت الگوی بازدارندگی و شیوه جنگ‌ها را به ضرر نظام سلطه تغییر داده است.

تفکر استراتژیک رهبر انقلاب در تقویت ژئوپلیتیک محور مقاومت با مرکزیت ایران یک حلقه امنیتی قوی برای حفظ بقای کشور به وجود آورد و امروز نوعی «بازدارندگی هوشمند» که به‌واقع برآمده از همان «اتکا به خود»، «تولید قدرت ملی» و عدم وابستگی به شرق و غرب بوده، پدید آمده است. پیشرفت‌های ایران در صنایع هسته‌ای، دفاعی- موشکی، و هوا و فضا و ماهواره‌ای و... همگی در راستای همان بازدارندگی هوشمند است که در قالب کلان استراتژیک، جمهوری اسلامی ایران را در زمره مهم‌ترین قدرت منطقه و ظهور به عنوان یک قدرت جهانی نمایش می‌دهد. پیروی از گفتمان «نه شرقی، نه غربی» نشان داد که ایران می‌تواند بدون وابستگی و با تکیه بر خود به حیات خود ادامه داده و به زمینه‌های پیشرفت در حوزه‌های کلان سیاست برسد. البته ناگفته نماند که پیروزی این گفتمان نیاز به پیشبرد و اجرای شیوه مناسب حکمرانی اقتصادی در کشور دارد که اکنون به عنوان پاشنه‌آشیل این گفتمان با وجود تحریم‌های ظالمانه و در کنار آن، سوءمدیریت منابع اقتصادی در رده‌های میانی بروکراسی اقتصادی از انرژی کشور کاسته است. فراموش نکنیم کشورمان برای رفع تحریم‌های غربی و ایجاد فضای تنفسی برای رشد اقتصادی حاضر به مذاکره روی برنامه هسته‌ای خود شد، که البته نظام سلطه همان را هم نپذیرفت و درنهایت از برجام خارج شد و به این لحاظ ماهیت واقعی خود را در جلوگیری از توسعه گفتمان تمدن‌ساز ایرانی- اسلامی با هر روش ممکن نشان داد. به عبارت دیگر، غرب هیچ‌گاه حاضر به پایان دادن کامل تحریم‌های اقتصادی بدون توقف گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و جهان به عنوان یک رقیب جدی نبود، چون مطمئن بود ترکیب قدرت اقتصادی با بازدارندگی امنیتی به عیار قدرت ایران به شدت می‌افزاید.

سوم، آینده سیاست «نه شرقی، نه غربی»

تجربه تاریخ انقلاب‌های جهان و روابط بین‌الملل گویاست که روند جابه‌جایی گفتمان‌ها یک سیکل چند دهه‌ای دارد و تنها در روند زمان تکامل یافته و خود را با توجه به تحولات محیط ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی سازگار می‌کند. گفتمان «نه شرقی، نه غربی» هم از این قاعده مستثنی نیست و مطمئنا با توجه به جدیت گفتمان رقیب برای جلوگیری از پیروزی آن در مسیر اخلال‌هایی ایجاد می‌کند. اینجاست که موضوع عقلانیت استراتژیک، صبر، مقاومت و جسارت برای پیشبرد این روند معنا پیدا می‌کند. بعضی‌ها این بحث را مطرح می‌کنند که گرایش ایران به شرق یعنی چین و روسیه به نوعی عدول از این گفتمان است و ایران اکنون به جای غرب به شرق متکی شده است. بر همین مبنا، الگوی «هم شرقی و هم غربی» را به عنوان مدل جایگزین در شرایط دشوار اقتصادی کنونی مطرح می‌کنند. به نظر تحقق چنین الگویی هیچ منطق استراتژیکی ندارد. چون ارزش استراتژیک کشورمان در مستقل بودن در محیط برتر ژئوپلیتیک خود در منطقه غرب‌آسیا است. روابط اقتصادی با چین و روسیه ایدئولوژیک محور نیست و تنها جنبه توسعه‌ای و اقتصادی دارد. بر همین مبناست که صحبت از هیچ‌گونه ائتلاف نظامی ایران با این کشورها علیه طرف سوم نیست. جنگ اوکراین هرچند فرصت‌های ژئوپلیتیک زیادی برای ایران فراهم کرد، اما کشورمان به عنوان یک قدرت مستقل منطقه‌ای جنگ را محکوم و نقش خود در این جنگ را صرفا با اندیشه کلان استراتژیک استفاده از فرصت‌های سیاسی و اقتصادی این جنگ کرد. همان کاری که عربستان سعودی و ترکیه به عنوان دو متحد سنتی غرب کردند. در جنگ غزه، تاکنون هوشمندی راهبردی رهبر انقلاب مانع از گسترش جنگ به سرتاسر منطقه در قالب جنگ دولت‌ها گردیده است. این هوشمندی ناشی از برجستگی و قدرت «بازدارندگی ترکیبی» کشورمان در دفع تهدیدات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی است که درنتیجه عملیاتی کردن الگوی ایران قوی و شبکه اتصالی- راهبردی محور مقاومت پدید آمده است. نقطه «تعادل» در حفظ این نوع بازدارندگی پیوست مداوم به گفتمان «نه شرقی، نه غربی» و تقویت قدرت ملی و به تبع تقویت نیروهای متحد، دوست و شریک کشورمان در قالب محور مقاومت در منطقه بحران‌خیز غرب‌آسیاست. نقش ثبات‌ساز ایران بر ارزش دیپلماسی منطقه‌ای ایران در برابر دیپلماسی قدرت‌های بزرگ می‌افزاید. با افزایش اهمیت نقش استراتژیک ایران در حوزه‌های کلان سیاست خارجی و امنیت منطقه‌ای و جهانی، کشورهای روسیه، چین، و کشورهای عربی منطقه که خود از نظام سلطه غربی به ستوه آمده‌اند، به سمت ایران و تقویت روابط با ایران در قالب همکاری‌های منطقه‌ای گرایش پیدا می‌کنند. خلاصه بحثم اینکه نخست، در تقابل گفتمان‌های سلطه‌محور غربی و شرقی، گفتمان پیشروی «نه شرقی، نه غربی»، قادر به نمایش الگوی جدیدی از مستقل بودن به جهان غیرغربی بعد از پایان جنگ سرد گردید. دوم، این گفتمان در روند زمان تکامل یافته و با محیط ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک تحولات منطقه‌ای و جهانی سازگار گردیده و به شکل جدیدی مطرح شده است. و سوم، لازمه تثبیت این گفتمان با محوریت منطقه‌گرایی و ایران قوی، ساماندهی اقتصاد کشور با مدیریت صحیح منابع ملی برای پشتیبانی از تمدن نوین اسلامی در حال ظهور با محوریت کشورمان است.

پرسش‌ها: از پرسش‌هایی که در این نشست مطرح شدند این بود که روند منطقه‌گرایی مثبت بوده یا منفی؟ به این معنا که ما بیشتر منطقه‌گرایی را در ارتباط با گروه‌های مقاومت تعریف کرده‌ایم یا منطقه‌گرایی را با ارتباط سازنده با دولت‌های منطقه تعریف می‌کنیم؟

در پاسخ به پرسش اول دکتر برزگر به موضوع انتقال مفهومی منطقه‌گرایی از مفهوم «ادغام اقتصادی» در شکل سنتی آن به مفهوم نوین «زنجیره اتصال منطقه‌ای کالاها» با توجه به برتری ژئوپلیتیک کشورمان در نقطه تمرکز اتصال زیر سیستم‌های مختلف منطقه آسیا و اروپا اشاره کرد. او توضیح داد که چگونه همه کشورها و قدرت‌های نوظهور در این مناطق همچون چین، هند، روسیه، عربستان سعودی، ترکیه و... برای انتقال منطقه‌ای کالاها به عبور از ایران نیاز دارند. همچنین از نظر این استاد روابط بین‌الملل، ایران برای قوی شدن و نقش ثبات‌ساز نیاز دارد همزمان با دولت‌ها و گروه‌های مقاومت ارتباط داشته باشد و البته در روند زمان به نوعی از هوشمندی دیپلماتیک برسد که بتواند بین این دو جنبه سیاست منطقه‌ای خود تعادل برقرار کند. هدف استراتژیک در اینجا در نگه داشتن قدرت‌های خارجی در امورات سیاسی- امنیتی منطقه است، چون آنها فضای تنفسی و سیاسی ایران را به هر حال محدود می‌کنند. قدرت‌های خارجی باید یاد بگیرند که منافع خود را از طریق قدرت‌های منطقه‌ای دنبال کنند، نه اینکه همانند گذشته مستقلا و بدون مشورت با کشورهای منطقه در امورات منطقه‌ای دخالت کنند. نتیجه این نوع دخالت‌ها جز بی‌ثباتی و تنش‌های قومی در درون کشورها و بین کشورها نبوده است.

پرسش دوم اینکه عربستان با تاسیس آرامکو و سایر برنامه‌های اقتصادی خود به سمت پیشرفت اقتصادی حرکت می‌کند و علاوه بر حل مشکلات داخلی به قدرت سیاسی نیز دست خواهد یافت. آیا الگوی عربستان این شبهه را ایجاد نمی‌کند که ایران در مسیر نادرستی حرکت می‌کند؟

دکتر برزگر در پاسخ به پرسش دوم گفت ایران به عنوان یک کشور تمدن‌ساز و مدعی شکل‌دهی نظم منطقه‌ای و جهانی با گفتمان ویژه خود کاملا با عربستان سعودی فرق دارد. جبر تاریخی ملت ایران را در این مسیر قرار داده است. ضمن اینکه اساسا نمی‌توان مسائل کلان استراتژیک را به موضوعات مربوط به پیشرفت اقتصادی تقلیل داد. به‌طور طبیعی رشد و توسعه اقتصادی در شرایط برقراری امنیت کامل در ذهن زمامداران اولویت می‌یابد. البته در شرایط نبود بحران می‌توان همزمان هر دو را پیگیری کرد. دلیل اصلی از سرگیری روابط سعودی‌ها با ایران این بود که با برقراری امنیت و ثبات در منطقه به‌ویژه خروج از باتلاق جنگ یمن به توسعه اقتصادی خود بپردازند. البته در این روند، خود عربستان به دنبال متنوع‌سازی روابط خارجی خود و نزدیکی با چین و روسیه در یک قالب توسعه‌ای به منظور تعادل در روابط با غرب است. جالب است بدانیم عربستان و ترکیه، یعنی دو متحد غرب، از تحریم‌های غرب علیه روسیه به دلیل جنگ اوکراین حمایت نکردند و تنها به فکر تامین منافع ژئوپلیتیک و نقش‌سازی خود در این جنگ بوده‌اند.

صهیونیست‌ها طی بمباران ۱۲۰ روزه چه بلایی بر سر باریکه غزه آوردند؟

کروکی غزه پس‌جنگ

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

بعد از چهار ماه شکست مداوم نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی از نیروهای مقاومت در خطوط نبرد و گرفتن تاوان این شکست‌ها از زنان و کودکان بی‌گناه اسرائیل به این درک رسیده است که چاره‌ای جز عقب‌نشینی و مذاکره با نیروهای مقاومت ندارد. ترک تدریجی باریکه غزه و بازگشت مردم به خانه‌هایشان نشانه‌هایی است که پایان جنگ را نوید می‌دهند. جنگ تمام می‌شود اما همه چیز به حالت عادی بازنمی‌گردد. ویرانی‌های گسترده ناشی از بمباران غزه و تصویر غزه پس از جنگ به این آسانی‌ها قابل ترمیم نیست. در ادامه تصاویری را مرور می‌کنیم که نشان می‌دهد چگونه جنگ می‌تواند رویای زندگی را بر سر مردم خراب کند.

دانشگاه اسلامی غزه

دانشگاه اسلامی غزه یک موسسه آموزش عالی مستقل در فلسطین است که تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی فلسطین فعالیت می‌کند. این دانشگاه در سال ۱۹۷۸ تاسیس شده و عضو اتحادیه دانشگاه‌های عربی بود. ۲۰ هزار دانشجوی دختر و پسر در این دانشگاه در رشته‌های مختلف تحصیل می‌کردند.

مسجد الخالدی غزه

مسجد الخالدی یا مسجد حاج یونس عبدالعزیز الخالدی، مسجدی در نوار غزه در ساحل شمال دریای غزه، دریای جبالیه است. سنگ بنای آن تحت حمایت اسماعیل هنیه گذاشته شد. این مسجد با طراحی معماری الهام‌گرفته از دوران عثمانی شناخته می‌شود و شامل یک حیاط بزرگ بود که تقریبا ۵۰۰ نمازگزار را در خود جای دهد. این مسجد همچنین یک حیاط بیرونی داشت که همین تعداد نمازگزار را در خود جای دهد و بالای آن دو مناره و یک گنبد بزرگ قرار داشته است. برخی آمارها از تخریب بیش از ۵۰ مسجد توسط رژیم صهیونیستی در ۴ ماه اخیر خبر می‌دهد.

اردوگاه جبالیا

اردوگاه آوارگان جبالیا (به عربی: مخیم جبالیا) پس از جنگ ۱۹۴۸ در شمال نوار غزه، جنوب شهر جبالیا ساخته شد و در ابتدا ۳۵ هزار نفر جمعیت داشت. در سال ۲۰۲۳ مورد هجوم اسرائیل قرار گرفت و حدود ۵۰ نفر کشته شدند. این اردوگاه در استان غزه شمالی و در نزدیکی مرز اسرائیل قرار می‌گیرد و ۱٫۴ کیلومترمربع مساحت دارد. اردوگاه جبالیا یکی از متراکم‌ترین مناطق کره زمین است.

نخستین انتفاضه فلسطین در دسامبر ۱۹۸۷ از این اردوگاه آغاز شد. پیش از بسته‌شدن نوار غزه به دلیل درگرفتن انتفاضه الاقصی در سپتامبر ۲۰۰۰ بیشتر اهالی اردوگاه در اسرائیل یا مزارع کشاورزی بیت لاهیا کار می‌کردند. تعدادی از اهالی نیز فروشگاه‌های کوچکی در داخل اردوگاه دارند.

اردوگاه آوارگان الشاطی

حملات اسرائیل چندین بار اردوگاه آوارگان شاطی را که به کمپ ساحلی نیز معروف است، هدف قرار داده است و ۹۰۰۰۰ ساکن آن را که در زمینی به وسعت ۰٫۵۲ کیلومتر مربع (۰٫۲ مایل مربع) زندگی می‌کنند، وحشت‌زده کرده است. در ۹ اکتبر، حملات اسرائیل مسجد یاسین را ویران کرد، یکی از حداقل ۱۱ مسجدی که از ۷ اکتبر تخریب شده است. الشاطی در سال ۱۹۴۸ برای حدود ۲۳۰۰۰ فلسطینی که در جریان جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ از شهرهای یافا، لود و بئرشبه و همچنین روستاهای اطراف آن فرار کردند یا توسط نظامیان صهیونیست بیرون رانده شدند، تاسیس شد. در سال ۱۹۷۱، مقامات اسرائیلی بیش از ۲۰۰۰ پناهگاه را به منظور تعریض جاده‌ها به دلایل امنیتی تخریب کردند. حدود ۸۰۰۰ پناهجو مجبور به ترک کمپ به پروژه مسکونی در نزدیکی شیخ رضوان در شهر غزه شدند.

خان یونس

خان یونس بزرگ‌ترین محله غزه از نظر مساحت با ۱۰۸ کیلومتر مربع (۴۲ مایل مربع) است و ۴۳۰۰۰۰ نفر در آن زندگی می‌کنند. در مرکز آن اردوگاه پناهندگان خان یونس قرار دارد که حدود ۹۰۰۰۰ نفر در آن زندگی می‌کنند. ارتش اسرائیل با وجود دستور به مردم غزه برای حرکت به سمت جنوب، به حملات خود به خان یونس و سایر مناطق جنوبی ادامه داده است. هزاران فلسطینی در چادرهای محقر در جنوب غزه تجمع کرده‌اند و بسیاری از آنها بدون آب و غذا هستند.

محله رفح

رفح نام شهری مرزی در نوار غزه و مرکز استان رفح و نزدیک مصر است. رفح جنوبی‌ترین ناحیه غزه با حدود ۲۷۵۰۰۰ نفر جمعیت است. رفح همچنین نام گذرگاهی با مصر است که در آنجا قرار دارد. گذرگاه رفح دسترسی جنوبی نوار غزه و تقاطع رفح در نقطه مرزی با مصر است که همچنین به عنوان خط فیلادلفیا شناخته می‌شود. گذرگاه رفح به مرز میان غزه و مصر گفته می‌شود. دولت مصر، گذرگاه رفح را در سال ۲۰۰۷، زمانی که حماس کنترل غزه را به‌دست گرفت بست.

محله الزهرا

مدینه الزهرا در سال ۱۹۹۸ میلادی در کنار شهرک نتزاریم با تصمیم یاسر عرفات و با هدف جلوگیری از گسترش شهرک نتزاریم تاسیس شد. این شهرک از غرب با دریای مدیترانه همسایه است، از شرق توسط شهر المغرقه، از جنوب توسط دره غزه، و از شمال توسط شهرک نتزاریم احاطه شده است. ساخت این محله با حدود ۳۰ برج آغاز شده و محله مدرنی محسوب می‌شد. برج‌ها و ویلاها و خیابان‌های آسفالت عریض از ویژگی‌های آن بود. مناطق غربی و جنوبی آن تحت سلطه زمین‌های کشاورزی قرار داشت. از محله الزهرا اکنون چیز به جز تلی از خاک باقی نمانده است.

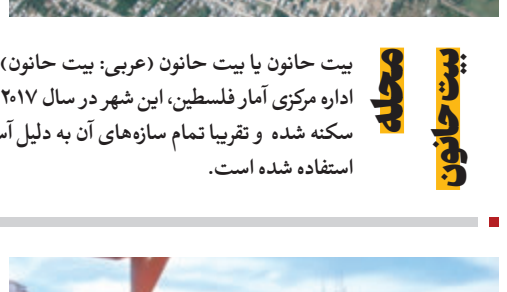

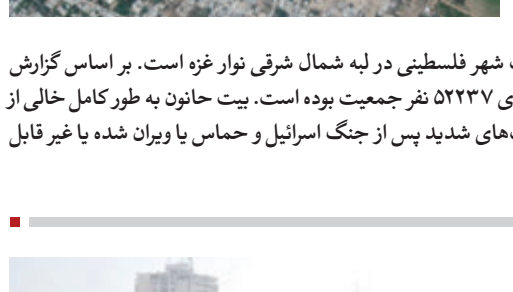

محله بیت حانون

بیت حانون یا بیت حانون (عربی: بیت حانون) یک شهر فلسطینی در لبه شمال شرقی نوار غزه است. بر اساس گزارش اداره مرکزی آمار فلسطین، این شهر در سال ۲۰۱۷ دارای ۵۲۲۳۷ نفر جمعیت بوده است. بیت حانون به طور کامل خالی از سکنه شده و تقریبا تمام سازه‌های آن به دلیل آسیب‌های شدید پس از جنگ اسرائیل و حماس یا ویران شده یا غیر قابل استفاده شده است.

شهر غزه بافت قدیمی

شهر قدیمی بخش اصلی هسته غزه را تشکیل می‌دهد. تقریبا به دو ربع تقسیم می‌شود. محله شمالی دراج (همچنین به عنوان محله مسلمانان شناخته می‌شود) و محله زیتون جنوبی (که محله‌های یهودی و مسیحی را در خود جای داده است). بیشتر بناها مربوط به دوران عثمانی هستند و برخی نیز روی سازه‌های قبلی ساخته شده‌اند. بخش باستانی شهر قدیمی حدود ۱٫۶ کیلومتر مربع (۰٫۶۲ مایل مربع) است. هفت دروازه تاریخی برای شهر قدیم وجود داشت: باب عسقلان، باب الدروم، باب البحر، باب مرناس، باب البلدیه، باب الخلیل و باب المنتر. بازار طلا (قیصریه)، مسجد سیدهاشم که قدیمی‌ترین مسجد غزه محسوب می‌شود، کلیسای سنت پورفریوس، مسجد کاتب الولایه و حمام السمره (حمام سامری) در این بخش باریکه غزه قرار دارند.

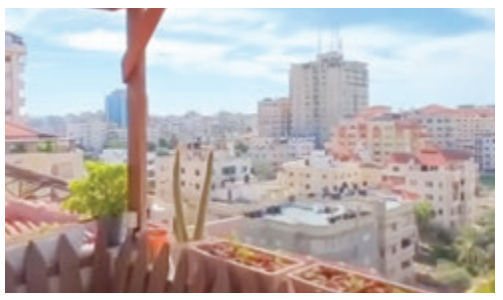

محله ریمال

این محله که در امتداد خط ساحلی قرار دارد، مرفه‌ترین محله غزه به حساب می‌آمد. خیابان اصلی که از غزه می‌گذرد، خیابان ریمال به بخش‌های ریمال جنوبی و ریمال شمالی تقسیم می‌شود. این محله محل چندین وزارتخانه دولتی است و در طول جنگ جاری ۲۰۲۳ اسرائیل و حماس به شدت آسیب دیده است.

این محله بیشتر خط ساحلی شهر غزه و بیشتر منطقه بین خط ساحلی و شهر قدیمی را دربرمی‌گیرد. پس از ساخت محله، مرکز فعالیت تجاری از شهر قدیمی به ریمال تغییر مکان یافت. ریمال شامل کاخ فرمانداری، باشگاه ساحلی سازمان ملل، مرکز فلسطینی حقوق بشر، بیمارستان اصلی الشفاء و شورای قانونگذاری فلسطین است.

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

برای ثبت‌نام و ارائه مستندات به جشنواره دانشجوی نمونه تا پایان بهمن‌ماه فرصت دارید

چگونه دانشجوی نمونه دانشگاه آزاد شویم؟

فرهیختگان
دانشگاه
سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲ | شماره ۴۰۷۶ | WWW.FDN.IR

مبارزان انقلابی در نشست اخیر «دانشگاه، خانه گفت‌وگو» از ابعاد مختلف پیروزی انقلاب اسلامی گفتند

دانشگاه؛ شنونده روایت روزهای انقلاب

«فرهیختگان» محصولات کاربردی و جدید شرکت‌های دانش‌بنیان را معرفی می‌کند

جلوه اقتدار علمی در تولیدات دانش‌بنیان ایرانی

برای ثبت‌نام و ارائه مستندات به جشنواره دانشجوی نمونه تا پایان بهمن‌ماه فرصت دارید

چگونه دانشجوی نمونه دانشگاه آزاد شویم؟

سارا طاهری
خبرنگار گروه دانشگاه

جشنواره نمونه کشوری یکی از مهم‌ترین جشنواره‌هایی است که سالانه برگزار می‌شود و بین دانشجویان نیز طرفداران زیادی دارد. در سال‌های اخیر هم شاهد رقابت شدید دانشگاه‌ها و برنامه‌ریزی‌های جامعی برای کسب سهم بیشتری از مدال‌های این جشنواره هستیم و همین مساله، اهمیت این جشنواره را نشان می‌دهد. بر همین اساس فرزاد جهان‌بین، معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد، شیوه‌نامه انتخاب دانشجویان نمونه دانشگاه آزاد اسلامی را ابلاغ کرد. شیوه‌نامه‌ای که در آن به شرایط شرکت‌کنندگان، نحوه امتیازدهی، نحوه انتخاب دانشجویان نمونه استان، بررسی پرونده و مستندات دانشجویان نمونه و زمان و نحوه ارسال مدارک دانشجویان نمونه برگزیده و... پرداخته شده که در ادامه به آن پرداخته‌ایم.

دانشجوی نمونه کیست؟

دانشجوی نمونه فردی است که به لحاظ ویژگی‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی بالاترین امتیاز را به دست آورد. دانشجوی نمونه در این جشنواره، در سطح واحد و کشوری انتخاب و معرفی می‌شود. ابتدا پرونده آن دسته از دانشجویان واحد که در میان شرکت‌کنندگان دانشگاه محل تحصیل خود، بالاترین امتیاز را در زمینه‌های مختلف در گروه آموزشی و مقطع تحصیلی مشخص کسب کرده‌اند، برای بررسی و رقابت به استان مربوطه ارسال می‌شود تا در صورتی که بالاترین امتیاز را در بین دانشجویان منتخب واحدهای دانشگاهی استان برحسب مقطع و گروه آموزشی کسب کند به عنوان دانشجوی نمونه استان معرفی شوند. پس از این مرحله مدارک دانشجویان نمونه استانی که برای رقابت در سطح کشور، بالاترین امتیاز در گروه تخصصی و مقطع تحصیلی خود را کسب کرده باشند، برای بررسی به معاونت فرهنگی و دانشجویی سازمان مرکزی ارسال می‌شود و سپس مدارک منتخبان پس از بررسی در کمیته مرکزی، برای رقابت در سطح کشور به وزارتین ارسال می‌شود.

برای شرکت در جشنواره نمونه کشوری چه شرایطی لازم است؟

شرکت در رقابت در مدت سنوات مجاز کاردانی پیوسته و ناپیوسته ۴ نیمسال، کارشناسی پیوسته ۸ نیمسال، کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی ارشد ناپیوسته ۴ نیمسال، کارشناسی ارشد پیوسته ۱۲ نیمسال، دکتری حرفه‌ای پزشکی ۱۴ نیمسال، دندانپزشکی و داروسازی ۱۲ نیمسال و دامپزشکی ۱۲ نیمسال، دکتری تخصصی پیوسته ۱۲ نیمسال، دکتری تخصصی ۸ نیمسال، دکتری تخصصی بالینی ۸ نیمسال است. دانشجویانی که قبل از فراخوان جشنواره دانش‌آموخته می‌شوند، می‌توانند در اولین فراخوان بعدی در همان گروه مقطع شرکت کنند. نکته مهم اینکه دانشجو باید در مقطع مورد تقاضا حداقل یک بار به عنوان دانشجو انتخاب شده باشد. دانشجو در هر مقطع تحصیلی صرفا یک بار می‌تواند به عنوان دانشجوی نمونه انتخاب شود.

شیوه امتیازدهی چگونه است؟

حداقل امتیاز برای ورود به رقابت در سطح کشور برای دانشجویان مقاطع دکتری عمومی/حرفه‌ای، کارشناسی ارشد پیوسته و دکتری تخصصی PH.D، بالینی و پیوسته، حداقل ۷۵ امتیاز، برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته حداقل ۷۰ امتیاز و برای دانشجویان مقطع کاردانی و کارشناسی (پیوسته و ناپیوسته) حداقل ۶۵ امتیاز است.

امتیاز آموزشی چگونه محاسبه می‌شود؟

امتیاز آموزشی و شاخص‌های آن برای دانشجویان نمونه شامل موارد معدل، دستیاری آموزشی، المپیادهای علمی، زبان دوم و رتبه‌های علمی است که به هر کدام جداگانه پرداخته‌ایم.

معدل: ضریب معدل برای مقاطع کاردانی، کارشناسی و دکتری عمومی/حرفه‌ای، کارشناسی ارشد پیوسته ۰٫۶ و برای مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری ۱٫۲ است. معدل برای آن دسته از دانشجویان مقطع دکتری تخصصی PH.D پژوهش محور که هنوز موفق به دفاع از رساله نشده‌اند، براساس نمره ارزیابی پژوهشی محاسبه خواهد شد.

دستیاری آموزشی: به دستیاران آموزشی به ازای هر نیمسال دستیاری در هر واحد درسی نظری ۰٫۳ و در هر واحد درسی عملی ۰٫۴ (تا سقف ۵ امتیاز در کل مقطع تحصیلی) تعلق می‌گیرد. نکته مهم اینکه دانشجویان مقطع دکتری که به عنوان مدرس حق‌التدریس در واحد محل تحصیل فعالیت می‌کنند، از امتیاز این بند بهره‌مند می‌شوند.

المپیادهای علمی: به دارندگان مدال طلا، نقره و برنز در هر یک از مراحل انفرادی و گروهی طبق جدول شماره ۱ امتیاز تعلق می‌گیرد.

زبان دوم: در صورتی که دانشجو بیش از یک مدرک معتبر زبان ارائه کند، امتیاز بالاتر با ضریب ۱٫۲ برای او محاسبه می‌شود. به مدارک معتبر سایر زبان‌ها به عنوان زبان دوم براساس سطح مدرک ارائه شده و به تشخیص کارگروه موسسه، حداکثر ۲ امتیاز تعلق می‌گیرد.

رتبه‌های علمی: به کسب رتبه ۱ الی ۳ در میان هم‌رشته هم‌ورودی‌ها در مقطع قبلی دانشگاهی، ۲ امتیاز تعلق می‌گیرد. دارنده سه رتبه برتر آزمون‌های ورودی دانشگاه در میان ورودی‌های هر رشته، مقطع برای مقاطع کاردانی، کارشناسی و دکتری عمومی/حرفه‌ای، کارشناسی ارشد پیوسته و دکتری تخصصی پیوسته و رتبه اول برای مقاطع تحصیلات تکمیلی در میان پذیرفته‌شدگان براساس رشته و ورودی، ۲ امتیاز دریافت می‌کند. به دانش‌آموختگی زودتر از موعد در مقطع قبلی دانشگاهی با حداقل معدل کل ۱۶ در مقطع گذرانده شده، به ازای هر نیمسال زودتر از سنوات معمول، ۳ امتیاز تعلق می‌گیرد.

شاخص‌های امتیاز پژوهشی و نحوه محاسبه آن چگونه است؟

همچنین شاخص‌های بخش پژوهشی و نیز توزیع امتیازات برای هر شاخص شامل موارد مقاله (حداکثر ۶۵ درصد کل امتیاز پژوهشی)، طرح پژوهشی (حداکثر ۱۰ درصد)، تالیف و تصنیف کتاب (حداکثر ۱۰ درصد)، ترجمه و گردآوری کتاب (حداکثر ۵ درصد)، مسابقات و جشنواره‌های علمی (حداکثر ۱۰ درصد) است. امتیاز مقاله در رشته‌های گروه علوم انسانی تا سقف ۷۵ درصد در نظر گرفته می‌شود.

مقاله: درخصوص مقاله باید گفت مقاله‌های کنفرانسی صرفا در صورت چاپ از امتیاز برخوردار خواهند بود. نکته دیگر اینکه گواهی ارائه مقاله در کنفرانس‌های بین‌المللی الزامی است و در صورت عدم ارائه آن، امتیازی تعلق نمی‌گیرد. جدول شماره ۲

طرح پژوهشی: این شاخص، شامل اجرا و همکاری در طرح‌های ملی، پژوهش‌های کاربردی و طرح‌های پژوهشی دانشگاهی است. همچنین امتیازآوری از طرح پژوهشی، مانع از کسب امتیاز در بخش جشنواره در صورت انتخاب طرح نخواهد بود اما در صورتی که طرح در بیش از یک جشنواره رتبه‌ای کسب کند صرفا امتیاز یک جشنواره یعنی بالاترین مقام کسب شده محاسبه می‌شود.

تصنیف، تالیف، ترجمه و گردآوری کتاب: امتیاز کتب تصنیفی، تالیفی، ترجمه و گردآوری به این صورت است که برای نویسنده یا نویسندگان تصنیف.

مسابقات و جشنواره علمی: به کسب عناوین در مسابقات و جشنواره‌های علمی. پژوهشی کشوری مورد تایید وزارتین از قبیل خوارزمی، رازی، فارابی و همچنین جشنواره‌های علمی پژوهشی مورد تایید شورای مدیریت حوزه‌های علمیه، براساس جدول شماره ۳ امتیاز تعلق می‌گیرد.

مقام	امتیاز
مقام اول	۸
مقام دوم	۵
مقام سوم	۳

امتیاز فرهنگی و اجتماعی چگونه حساب می‌شود؟

شاخص‌های بخش فرهنگی و اجتماعی و توزیع امتیازات برای هر شاخص شامل موارد مسابقات و جشنواره‌های فرهنگی، هنری و ادبی، فعالیت در نهادها، کانون‌ها و تشکل‌های دانشجویی، فعالیت در حوزه رسانه‌ها و فضای مجازی، جشنواره‌ها، المپیادها و مسابقات ورزشی، فعالیت‌های دینی و قرآنی، سایر فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی است. نکته مهم اینکه حداقل امتیاز بخش فرهنگی و اجتماعی نمی‌تواند کمتر از دو شاخص باشد. همچنین در مسابقات و جشنواره‌های دانشگاهی، رقابت‌هایی دارای امتیاز هستند که مسابقات مقدماتی برای ورود به مرحله کشوری همان رقابت باشند.

امتیاز فناوری و نوآوری از ایده فناوری تا محصول

شاخص‌های بخش فناوری و نوآوری و توزیع امتیازات برای هر شاخص شامل ایده فناوری، واحد فناور، تولید محصول، آموزش فناوری، اختراع، ابداع و نوآوری، مشمولان طرح‌های مورد تایید بنیاد ملی نخبگان، دستیاری فناوری، طرح تانا و طرح‌های کمک‌هزینه فناوری است. در صورت ارائه هر یک از موارد فوق به صورت گروهی، نحوه توزیع امتیاز بین اعضای گروه به تشخیص کارگروه موسسه خواهد بود.

ایده فناوری: ایده یک نوع نوآوری یا سبک جدیدی از نحوه مصرف یا اجرای یک خدمت یا فعالیت است که با خود، سهولت در انجام کارهای مربوط به آن را دارد و از سوی مراجع ذی‌صلاح تایید شده باشد. برای ایده مستقل ۲ امتیاز برای ایده مشترک با دانشجو ۱٫۵ امتیاز و برای ایده مشترک با هیات علمی ۱ امتیاز در نظر گرفته شده است.

واحد فناور: واحد فناور واحدی است دارای هویت مستقل که براساس مقررات سازمان ثبت اسناد کشور تاسیس و بر طبق آیین‌نامه‌های مرکز رشد یا پارک رسما در مرکز رشد یا پارک پذیرفته شده باشد. برای هسته فناوری ۳ امتیاز برای شرکت ثبت شده مستقر در مرکز رشد یا پارک ۲ امتیاز و برای شرکت با عنوان یا سابقه دانش‌بنیان ۴ امتیاز در نظر گرفته شده است.

محصول: محصول شامل کالا و خدمات می‌شود و باید مجوزهای مربوطه را از مراجع ذی‌صلاح دریافت کرده باشد. البته مجوز محصول تجاری شده فرهنگی، باید به تایید معاونت فرهنگی موسسه نیز برسد. محصول به صورت نمونه آزمایشگاهی دارای ۲ امتیاز محصول مجوزدار ۳ امتیاز و محصول تجاری شده (تولید انبوه) نیز ۴ امتیاز خواهد داشت.

آموزش: آموزش می‌تواند در قالب برگزاری یا شرکت در کارگاه‌های حضوری یا دوره‌های آموزش مجازی باشد. شرکت در رویدادهای کمک نوآور (استارتاپ) و برگزیده شدن ایده ۳ امتیاز و شرکت در دوره آموزشی ۱ امتیاز دارد که این دوره‌های آموزشی شامل فناوری و کارآفرینی، مدیریت پروژه، خلاقیت و طرح کسب‌وکار ۴ امتیاز کارآفرینی و تجارب کارآفرینانه، حقوق تجارت، بازاریابی، محیط کسب‌وکار، تامین مالی، شرکت‌های دانش‌بنیان، مالکیت فکری و... است.

اختراع، ابداع و نوآوری: چنانچه اختراع، ابداع و نوآوری از سوی بنیاد ملی نخبگان تایید شود، در سطح یک با ضریب ۱٫۵ و در سطح ۲ با ضریب ۱٫۲ امتیاز لحاظ می‌شود.

مشمولان طرح‌های مورد تایید بنیاد ملی نخبگان: مشمولان طرح‌های فوق به ازای هر طرح، ۲ امتیاز دریافت می‌کنند. اگر طرحی از دو بعد فناوری و پژوهشی مشمول طرح‌های بنیاد ملی نخبگان باشد، فقط به یک بعد پژوهشی یا فناوری امتیاز تعلق می‌گیرد.

دستیاری فناوری: به ازای هر سال تحصیلی فعالیت دستیاری فناوری، ۲ امتیاز (تا سقف ۵ امتیاز) تعلق می‌گیرد. به شرکت در طرح تانا (توسعه اکوسیستم نوآوری استان‌ها) ۲ امتیاز و دریافت‌کنندگان طرح‌های کمک‌هزینه فناوری، از ۱ تا ۳ امتیاز دریافت می‌کنند.

امتیاز فعالیت‌های بین‌المللی چیست؟

به دانشجویان اعم از ایرانی و بین‌المللی که در جذب دانشجوی بین‌المللی نقش فعال و موثر داشته باشند، به ازای هر دانشجوی جذب‌شده با تایید اداره کل امور دانشجویان بین‌المللی سازمان، ۱ امتیاز (تا سقف ۵ امتیاز) تعلق می‌گیرد. نقش فعال و موثر دانشجویان در اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی دانشجویان بین‌المللی، با گزارش امور بین‌الملل موسسه یا معاونت دانشجویی و فرهنگی و تایید کارگروه موسسه واجد دریافت ۱ امتیاز تا سقف ۵ امتیاز است.

دانشجویان ۲ تا ۳۰ بهمن ماه مدارک خود را تحویل دهند

زمان ثبت‌نام دانشجویان متقاضی از تاریخ دوم تا سی‌ام بهمن سال ۱۴۰۲ است و دانشجویان باید مدارک خود را به حوزه معاونت فرهنگی و دانشجویی واحد دانشگاهی تحویل دهند. برای افزایش امنیت و محفوظ ماندن مدارک دانشجویان نمونه و جلوگیری از اتلاف وقت، تمام مدارک دانشجویان منتخب واحد باید در قالب فایل اسکن شده تحت لوح فشرده و به صورت کاملا مجزا و مدارک داخل هر لوح نیز به صورت تفکیکی به همراه تمام مستندات، حداکثر تا تاریخ دهم اسفندماه به کمیته داوری استان مربوطه ارسال شود و کمیته داوری استان نیز پس از بررسی و برگزاری کمیته داوری و انتخاب دانشجویان نمونه استان، باید پرونده منتخبان را حداکثر ۳۱ فروردین ماه سال آینده به اداره کل امور دانشجویی سازمان مرکزی ارسال کند. کمیته داوری استان، دانشجویان نمونه استان را انتخاب و پرونده منتخبان را به کمیته مرکزی انتخاب دانشجویان نمونه اداره کل امور دانشجویی دانشگاه معرفی می‌کند.

اهدای ربع سکه به دانشجویان نمونه

مراسم گرامیداشت دانشجویان نمونه در سطح استان، با شرکت و حضور مسئولان و دانشگاهیان برگزار می‌شود و به برگزیدگان لوح تقدیر به امضای رئیس واحد دانشگاهی استان به همراه یک قطعه سکه ربع بهار آزادی اهدا می‌شود. انتخاب دانشجویان نمونه بین‌الملل، در بخشی جداگانه و در رقابت بین خود دانشجویان بین‌المللی صورت می‌گیرد. براساس بندهای این شیوه‌نامه، کمیته داوری از میان ۷ گروه آموزشی در هر مقطع تحصیلی اقدام به شناسایی بالاترین امتیازها می‌کند. درنهایت دانشجویان نمونه با انتخاب دانشگاه آزاد به جشنواره سراسری دانشجویان نمونه کشوری معرفی می‌شوند.

جدول یک

عنوان	بین‌المللی	ملی	منطقه‌ای/ استانی	دانشگاهی
مدال طلا /مقام اول	۸	٦	٤	۳
مدال نقره /مقام دوم	٦	٤	۳	۲
مدال برنز /مقام سوم	٤	۳	۲	۱
لوح تقدیر /شایسته تقدیر	۳	۲	۱	۰٫۵

جدول دو

نوع مقاله	حداکثر امتیاز به ازای هر مقاله
چاپ مقالات کامل در مجلات با نمایه معتبر مورد تایید وزارتین و حوزه علمیه (برای گروه علوم انسانی و هنر با ضریب ۱٫۵ محاسبه می‌شود)	۵
چاپ مقالات مروری در مجلات با نمایه معتبر مورد تایید وزارتین و حوزه علمیه (برای گروه علوم انسانی و هنر با ضریب ۱٫۵ محاسبه می‌شود)	٤
چاپ مقالات کوتاه در مجلات با نمایه معتبر مورد تایید وزارتین و حوزه علمیه (برای گروه علوم انسانی و هنر با ضریب ۱٫۵ محاسبه می‌شود)	۲
ارائه مقاله و پوستر و چاپ مقاله در کنفرانس‌های بین‌المللی معتبر	۱
ارائه مقاله و پوستر و چاپ مقاله در کنفرانس‌های ملی معتبر	۰٫۵
مقالات علمی ترویجی	۲

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مبارزان انقلابی در نشست اخیر «دانشگاه، خانه گفت‌وگو» از ابعاد مختلف پیروزی انقلاب اسلامی گفتند

دانشگاه شنونده روایت روزهای انقلاب

فاطمه طاری‌بخش
خبرنگار گروه دانشگاه

بیست‌ودومین نشست از سلسله‌نشست‌های «دانشگاه، خانه گفت‌وگو» در آستانه دهه فجر انقلاب اسلامی با حضور محمود بازرگانی و محمدمهدی عبدخدایی از مبارزان انقلابی و احمد خزایی دستیار وزیر اطلاعات و جمعی از اعضای هیات‌علمی دانشگاه آزاد در سالن آمفی‌تئاتر موزه عبرت تهران برگزار شد. مشروح صحبت‌های میهمانان ویژه این مراسم و دیدگاه‌های اساتید دانشگاه را در ادامه می‌خوانید.

نباید جان‌فشانی‌های سال‌های انقلاب را فراموش کنیم

ابوالفضل یداللهی اصلان، مدیرکل ارتباطات اجتماعی و فراسازمانی دانشگاه آزاد: در طلیعه چهل‌وچهارمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی هستیم. برکت وجود عزیزانی که خون پاکشان در این مجموعه ریخته شد، ثمره‌اش انقلابی بود که امروز در جهان بروز و ظهور دارد؛ انقلابی که آغاز پیروزی‌اش با هشت سال جنگ در برابر همه جهان بود، تا جایی که در تهیه ابتدایی‌ترین لوازم و وسایل دفاعی مشکل داشتیم. امروز ما را تهدید می‌کنند که چرا پهپاد شما در فلان نقطه از جهان، نقش‌آفرینی می‌کند. در اردن، پایگاه آمریکای غاصب تاسیس می‌شود. حمایت ایران از مجموعه‌های مقاومت سبب شده این عرضه و جرأت را پیدا کنند که آمریکا را بزنند. به اذعان خودشان، سه تن از سربازان آنها کشته شده و ۲۴ یا ۳۴ نفر هم زخمی شده‌اند؛ این دستاورد افتخاری برای نظام ما با وجود همه مشکلات و مسائلی است که کنارش وجود دارد. ان‌شاءالله به همت مجموعه علمی کشور، قطعا مشکلات حل خواهد شد. ما در بیست‌ودومین نشست از سلسله‌نشست‌های دانشگاه، خانه گفت‌وگو هستیم. اغلب عزیزان و استادان ارجمند با این نشست‌ها آشنایی دارند. این نشست‌ها به جهت لبیک به ندای رهبر معظم انقلاب در بحث جهاد تبیین و تقویت و تحریک قوه عاقله اجتماعی در معاونت امور مجلس و ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد برنامه‌ریزی شده است. عمدتا عزیزان در موضوعات و مسائل روز به صورت میزگرد حضور پیدا می‌کنند. در هر جلسه اساتید به ارائه نظر می‌پردازند و میهمان عزیز و ویژه حاضر در برنامه نیز در مباحثی که از سوی استادان ارجمند مطرح می‌شود، ارائه نظر می‌کند. امروز در موزه عبرت هستیم تا اعتبار و عبرتی باشد برای من و امثال بنده که جان‌فشانی‌ها برای امنیت و آرامش امروزمان و ازخودگذشتگی‌های صورت‌گرفته را فراموش نکنیم. باید خداوند را قدردان باشیم و از خون‌فشانی‌ها، جان‌فشانی‌ها و ازخودگذشتگی‌ها تشکر کنیم.

دانشجویان تحصیلات تکمیلی را به موزه عبرت بیاورید

محمود بازرگانی، استاد و پژوهشگر تاریخ: چند نکته را عرض کنم؛ چرا اینجا به زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری تبدیل شد؟ اتفاقاتی بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ افتاد. اکثر دوستان اطلاع دارند جو خفقان رضاخانی برداشته شد و محمدرضا با سن بسیار پایین ۲۱ سال روی کار آمد. «intelligence service» (سرویس اطلاعاتی) انگلستان نمی‌توانست به سادگی ایران را از دست بدهد. بالاخره شرایطی وجود داشت که باید کنترل می‌شد. محمدرضا، همان اول کار اقدامات رفرمی انجام داد؛ فعالیت احزاب را آزاد کرد و خیلی از افراد گروه «۵۳ نفر» دکتر [تقی] ارانی که زندانی بودند، آزاد شدند. فعالیت حزب توده هم آزاد شد. شرایطی که می‌توان از آن با عنوان فضای باز سیاسی نام برد، به وجود آمد. البته این فضای باز سیاسی در ابتدا به ضرر انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها تمام شد. آنها تیراندازی صوری به راه انداختند؛ همان ماجرای دانشگاه تهران در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ که ضارب بلافاصله کشته شد، همه آثار و شرایط را برمی‌گرداند. دوباره دستگیری‌ها شروع می‌شود. البته به صورت منسجم نبوده است. انسجام برخورد با مبارزان، تقریبا از سال ۱۳۳۵ صورت می‌گیرد؛ یعنی از زمان تاسیس ساواک.

باز هم این انسجام به صورت پراکنده بود تا اینکه از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، دیگر شدت بالا می‌گیرد. بحث تقویت مبارزه و گفتمان مخالفت با حکومت، فی‌الواقع از آبان ۱۳۴۳ آغاز شده، دستگیری‌ها سرعت پیدا می‌کند و شکنجه‌ها شروع می‌شود؛ منتها با تفکیک سه نیروی تاثیرگذار اعم از شهربانی، ارتش و ژاندارمری. به این معنا که قبل از ۱۳۵۰، رکن دو در این سه نیرو، مبارزان را به امید پاداش دستگیر می‌کردند. دقت کنید، به همین دلیل به همدیگر اطلاع نمی‌دادند. مبارزان بازجویی شده و برای آنها پرونده تشکیل می‌شد. زمانی نیروهای دیگر از وجودشان باخبر می‌شدند که کار از کار گذشته بود، بنابراین بسیاری از اطلاعات خیلی از مبارزان رو نمی‌شد. اولین‌بار چه کسی متوجه نقصان کار شد؟ «ریچارد هلمز» (رئیس سازمان سیا) سفری به ایران کرده و با مشاوران، نکته‌ای را مطرح می‌کند. او می‌گوید: «هرچه تلاش می‌کنیم ساواک را تقویت کنیم، موفق نمی‌شویم.» آنها به این نتیجه رسیدند که نیروهای فعال در رکن دو ایران، یکجا متمرکز شده و آن نقطه تبدیل به مرکز شود. چنین جایی به نام «کمیته مشترک ضد خرابکاری» شکل می‌گیرد. تاریخ شکل‌گیری این کمیته، اواخر سال ۱۳۴۹ و اوایل ۱۳۵۰ است. برگردیم به عقب‌تر؛ مجتهد مسلم، آگاه زمان، هوشیار، مبارز و نکته‌سنج، حضرت امام بودند. آیت‌الله بروجردی به حضرت امام ماموریتی می‌دهند تا ملاقاتی با شاه داشته باشند. من نمی‌خواهم به متن و محتوای ملاقات، چندان بپردازم. بعد از اینکه ایشان از ملاقات مذکور به قم برمی‌گردند، گزارشی به آیت‌الله بروجردی درباره مذاکرات می‌دهند. حضرت امام در جمع خصوصی جمله‌ای می‌فرمایند که جعفری‌گیلانی در مصاحبه خود به من در همین موزه عبرت گفت، مصاحبه‌ای که به صورت زنده انجام شد و فیلم آن نیز موجود است. او گفت امام در آن جلسه فرمودند: «در جریان باشید؛ محمدرضا را می‌شود برداشت.» ایشان چه زمانی این حرف را زدند؟ ۱۳۴۰؛ یعنی زمانی که قدرت پهلوی از طریق انگلستان و آمریکا تقویت می‌شود. از آن تاریخ به بعد، امام مبارزه در جامعه را به‌شدت به سمت «فرهنگی» سوق می‌دهند. در بحث مبارزه با فرهنگی موفق شدیم انقلاب کنیم، نه در مبارزات مسلحانه. تراب حق‌شناس و حسین احمدی‌روحانی چند جلسه با امام در نجف ملاقات می‌گذارند. به صورت مرتب برای امام نهج‌البلاغه می‌خوانند و از قرآن آیات مبارزه می‌آوردند. امام فقط گوش می‌دهند. درنهایت تراب حق‌شناس می‌گوید: «حضرت آیت‌الله! اظهارنظری بفرمایید.» ایشان می‌گویند: «روش مبارزه شما موجب اتلاف نفوس می‌شود»؛ پس مبارزه فرهنگی.

بحث منفی قصه را هم ببینید؛ هرجا از مبارزه منفی، کوتاه بیاییم به لحاظ تفکر سقوط می‌کنیم؛ پس مبارزات فرهنگی شدت پیدا می‌کند. بسیاری از کسانی که از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در اینجا زندان بوده‌اند به خاطر کتاب و اعلامیه بوده است. دوستان دقت کنید به‌دلیل اسلحه نبوده است. معلوم می‌شود کتاب و اعلامیه، نقش خود را دارد. دلیل دستگیری خودم پخش اعلامیه بود. یک کتاب «حکومت اسلامی» از کسی می‌گرفتند، سه سال زندان داشت. محکومیت من هم دو سال بود؛ یک نوجوان ۱۷ساله بودم. به سال ۱۳۵۰ برگردیم. سال ۱۳۵۰ یکی از تلخ‌ترین سال‌ها برای مبارزه و برای عموم مردم ایران بود؛ سالی که جشن‌های ۲۵۰۰ ساله برگزار می‌شد. شاه با تبختر و قدرت فراوان به «کوروش» پیام می‌دهد: «بخواب، ما بیداریم.» در جامعه، کاخ‌های جوانان شکل می‌گیرد و از سوی دیگر «حصیرآباد»ها توسعه پیدا می‌کنند. حصیرآبادها جاهایی بودند که سقف و پوشش مردم از حصیر بوده و حکایت از فقر داشته است. همچنین می‌توان به حلبی‌آبادها اشاره کرد. فقر و مناطق محروم در تهران بیداد کرده، ولی شاه جشن ۲۵۰۰ ساله برگزار می‌کند. حتی اقدامات رفرمی برای حاکمیت هم مثل انقلاب «شاه و ملت» جواب نداد. به سرعت از این مسائل رد می‌شوم، چون به ساعت نگاه کردم و باید حساب کار خودم را کنم!

سال ۱۳۵۰ اتفاقاتی شکل می‌گیرد. قوی‌ترین و باهوش‌ترین افراد به کار گرفته شده و برای تقویت شیوه‌های بازجویی به اسرائیل فرستاده می‌شوند. خاطرات یعقوب نیمرودی را بخوانید. از نفرات برتر اسرائیل در ایران بود. این موارد در خاطرات بعضی از شکنجه‌گران هست. چرا اسرائیل، بازجویان ما را تقویت می‌کند و آموزش می‌دهد؟ برای اینکه بتوانند مبارزه را سرکوب کنند، اما در نظر داشته باشید ۸ هزار و ۴۳۲ نفر طی هفت سال دستگیر شدند که ۷۰۰ تن از آنها خانم و عمدتا دانشجو بودند به اینجا آورده شده و با شدیدترین شکنجه، تلخ‌ترین دوران رقم خورد. نه هواخوری، نه ملاقات و نه ارتباط با بیرون؛ با این همه تلاش موفق نشدند مبارزه را سرکوب کرده و حتی نتوانستند شعله‌های مبارزه را کم‌فروغ کنند.

نکته دیگر در همین کمیته مشترک ضد خرابکاری، بازجوها به همدیگر لقب دکتر و مهندس می‌دادند، چون در برابر تحصیلکرده‌ها، هوشمندان و کسانی کم می‌آوردند که مبارزه را هدفمند انتخاب کرده بودند. روحانیت، دانشگاهیان، دانشجویان و محصلانی که اینجا مقاومت می‌کردند، همگی موید این نکته بودند که ساواک، ضعف خودش را بروز داد. آخرین جمله بنده این است؛ شما اکنون در مکانی هستید که خون‌های زیادی ریخته شده و مبارزان شلاق‌های بسیاری خورده‌اند. استدعا دارم دوستان، دانشجوها و استادان دیگر را به اینجا بیاورند. دشمن شب و روز در حال کار است. افراد را به اینجا بیاورید تا شاید ببینند. هنوز از ۱۱۰ هزار نفر زندانی سیاسی از ابتدای پهلوی تا انتهای پهلوی دوم، بعضا زنده هستند. آنها خاطرات و گفت‌وگو داشته و حرف برای زدن دارند. استدعا دارم اهالی دانشگاه در مقاطع مختلف به‌خصوص دانشجویان تحصیلات تکمیلی را به اینجا بیاورید.

نقش آیت‌الله بروجردی در انقلاب پررنگ بوده است

محمدمهدی عبدخدایی، دبیرکل جمعیت فدائیان اسلام: شهادت نواب صفوی درباره پیمان نظامی بغداد بود، اما من می‌خواهم صحبت‌های او را تکمیل کنم. آن صحبت‌ها در این خصوص بوده که کم‌کم نام حضرت آیت‌الله بروجردی مطرح شده و درواقع کم‌لطفی صورت گرفته است. اگر نقش آیت‌الله العظمی بروجردی در انقلاب مطرح شود، معلوم خواهد شد چقدر پررنگ بوده است. کلا انقلاب‌ها زیربنا دارند. مثلا امروز بیشتر متفکران می‌گویند: «ریشه‌های انقلاب کبیر فرانسه در کتاب قرارداد اجتماعی ژان‌ژاک روسو دیده می‌شود.» چرا انقلاب کبیر فرانسه به وجود آمد؟ حالا هم می‌گویند پدر انقلاب کبیر فرانسه، ژان‌ژاک روسو است، در حالی که او زمان انقلاب کبیر فرانسه نبود و پیش‌تر درگذشت. «روسو» سه کتاب مهم نوشت؛ یکی «قرارداد اجتماعی»، یکی «امیل» و دیگری که نامش را فراموش کرده‌ام، چون پیر شده‌ام! کتاب «قرارداد اجتماعی» در واقع انقلاب کبیر فرانسه را به وجود آورد. کتاب علامه محمدحسین نائینی به نام «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» از افتخارات شیعه است. اگر این کتاب را بخوانید، می‌بینید چرا مشروطیت به وجود آمده است، چرا حوزه‌های علمیه و رهبران حوزه‌ها آگاهی داشتند، آیت‌الله بروجردی چه نقشی داشت و آیت‌الله عبدالکریم حائری دارای چه نقشی بود. می‌بینید در سال ۱۳۱۴، کمی قبل از آنکه آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری از دنیا برود، نامه‌ای به رضاخان می‌نویسد و می‌گوید: «به یهودی‌ها ویزا ندهید. آنها می‌روند در فلسطین توطئه می‌کنند.» هنوز دولت اسرائیل تشکیل نشده بود. دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تشکیل شده و ۱۴ سال پیش از آن، شیخ عبدالکریم حائری چنین نامه‌ای می‌نویسد. نگاه می‌کنیم و می‌بینیم اگر آیت‌الله شیخ حسن شیرازی نبود، مبارزه منفی در ایران شکل نمی‌گرفت. چرا مبارزه منفی شکل گرفت؟ فرق مبارزه منفی با مبارزه مثبت چیست؟ چه کسانی مبارزه منفی را آغاز کردند؟ همین حالا می‌گوییم «بایکوت»؛ ریشه بایکوت چیست؟ اسم یک سرهنگ انگلیسی بود. او در ایرلند فرماندار شد. مردم ایرلند تصمیم گرفتند با او حرف نزنند. وقتی به خیابان می‌رفت، مردم با او صحبت نمی‌کردند. حالا علم شده هرکسی را تحریم می‌کنند، می‌گویند بایکوت شده است. بایکوت اسم است، ولی روی آن علم شده؛ چه کسی اولین مبارزه منفی را در تشیع آغاز کرد؟ حضرت فاطمه زهرا(س). چرا؟ وقتی ایشان می‌بینند حق او را ضایع کرده‌اند، گریه می‌کنند. ایشان قبر خویش را مخفی می‌کنند. چرا این کار را انجام می‌دهند؟ برای اینکه مبارزه منفی کنند. چرا امام رضا(ع) در زمان «مامون» پست نمی‌پذیرند و مبارزه منفی می‌کنند.

چرا آیت‌الله میرزا حسن شیرازی، تنباکو را تحریم می‌کند. ریشه‌اش کجاست؟ ناصرالدین شاه به سفر انگلستان می‌رود. سالیسبوری، نخست‌وزیر انگلستان در آنجا «تالبوت» را معرفی می‌کند و امتیاز خرید، فروش و صادرات تنباکو را به او می‌دهد. تا شش ماه مخفی بوده است. برای اولین بار یک واعظ به نام سید علی‌اکبر فال اسیری، پیدا می‌شود. او در مسجد وکیل روی منبر می‌رود و می‌گوید: «مردم! فروختندتان. من با این قرارداد تنباکو، صدای چکمه‌های انگلستان را در ایران می‌شنوم.» با یک فتوا تمام ایران حرکت می‌کند. مبارزه منفی با تشیع آغاز شده است. چرا امام پیروز شده؟ ایشان مبارزه منفی کرده است. آیت‌الله بروجردی چه کرده؟ بعد از آیت‌الله عبدالکریم حائری، سه مرجع حوزه را اداره کردند؛ آیت‌الله سید صدرالدین صدر، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله حجت کوه‌کمری. امام اینها که در درس مرحوم شیخ عبدالکریم حائری بزرگوار شرکت کرده بودند، احساس می‌کنند حوزه علمیه قم مرجعی می‌خواهد که آگاه به تمام زمان باشد. باید بداند در زمان چه می‌گذرد. با احترام می‌روند آیت‌الله بروجردی را از بروجرد به قم می‌آورند. ریاست حوزه به آیت‌الله بروجردی می‌رسد. ایشان چه کار می‌کنند؟ فضای بازی در حوزه به وجود می‌آورند.

فضای باز یعنی اگر طلبه تا آن زمان می‌خواست زبان خارجه بخواند، مورد طعن قرار می‌گرفت. فضای باز طلبه‌ها، یادگیری زبان خارجه بود. طلبه باید به مفاهیم اصلی فلسفه غرب و نشات‌گرفته از ذهن دانشمندان قرن هجدهم و نوزدهم، آگاه باشد. نظریات مارکس را می‌خوانند. فضا باز شده و می‌بینید اولین کتاب در حوزه را آیت‌الله مکارم در حالی که ۲۸ یا ۲۹ سال داشته به نام «فیلسوف‌نماها» می‌نویسد. آن سال کتاب آقای ناصر مکارم برنده بهترین جایزه فلسفه سال می‌شود. او نظریات مارکس را نقد می‌کند. در سال ۱۳۳۲ آیت‌الله طالقانی به‌عنوان یک نظریه‌پرداز کتاب «اسلام و مالکیت» را می‌نویسد و در این کتاب، شیوه استدلال مارکسیسم را مورد نقد قرار می‌دهد، در حالی که مارکس استاد اقتصاد است. مارکس تا زمانی که در برلین بود، اقتصاد درس می‌داد. وقتی از آلمان به انگلستان می‌رود با کسی که فیلسوف است آشنا می‌شود.

در ایران هم چه کسانی کمونیسم را مطرح کردند؟ تقی ارانی که دو کتاب دارد به نام «ماتریالیسم دیالکتیک» و «ماتریالیسم تاریخی». او همچنینی کتابی به نام «پسیکولوژی؛ علم روح» دارد. نقدی از احمد کسروی بخوانم. آقای احمد کسروی جزوه‌ای منتشر کرده که ۳۰ صفحه است و «در پیرامون روان» نام دارد. هیچ اطلاعی از روانشناسی و جامعه‌شناسی ندارد. او می‌گوید: «۱۰ صفحه از پسیکولوژی علم روح تقی ارانی را خواندم و این جواب را نوشتم.» این نقد را هم به احمد کسروی داشته باشم؛ او نه مورخ و نه واقع‌نگار بود. تاریخ‌نگاری از زمان ابن خلدون تغییر کرد. مورخ و تاریخ‌نگار باید اقتصاد، سنت‌ها و شرایط جامعه را بداند. اگر او به شرایط جامعه آگاه باشد، می‌تواند مورخ باشد، وگرنه «ناسخ التواریخ» و «روضه الصفا» هم هست. بسیاری از تواریخ هستند، ولی عوض شد. ابن خلدون تاریخ‌نگار را از واقع‌نگار جدا کرد. امروز تاریخ‌نگار با واقع‌نگار با نویسنده تاریخ شفاهی تفاوت دارد. امروز بیشتر به تاریخ شفاهی روی آورده‌اند. واقع‌نگار واقعه را می‌بیند و عین آن را می‌نویسد. آقای احمد کسروی، امین در واقع‌نگاری نبود. آقای زنجانی را از زنجان به‌عنوان مستعد به تهران تبعید می‌کنند؛ عین نامه‌اش را برای شما می‌خوانم. کسروی آن نامه را چاپ کرده و نوشته: «آمدند مرا به جبر بردند به میدان توپخانه.» در میدان توپخانه، مستبدان «میتینگ» گذاشته بودند. آقای کسروی «به جبر» را برداشته بود. تمام معنا عوض شد. او در میتینگ توپخانه شرکت کرده است. چه تحولاتی در او افتاده؛ برای اینکه خودش را موجه جلوه کند عین نامه را چاپ کرده و «جبر» را برداشته است. تاریخ‌نگار باید مثل محدث، امین باشد. در تاریخ شیعه اگر در طول ناقلان حدیث، انسانی پیدا شود که شرایط امانت برای نقل حدیث نداشته باشد، حدیث او مخدوش می‌شود و روی آن فتوا نمی‌دهند.

واقع‌نگار باید امین باشد. احمد کسروی نه واقع‌نگار و نه محدث بود. «تاریخ مشروطه ایران»، «تاریخ هجده‌ساله آذربایجان» و «تاریخ پانصدساله خوزستان» اثر او را خوانده‌ام. کتابی که درباره آمریکا نوشته را نیز مطالعه کرده‌ام. مگر او چقدر عمر داشته که این‌همه کتاب درباره شیعه‌گری، بهایی‌گری، صوفی‌گری، «در پیرامون روان» و «حافظ چه می‌گوید؟» نوشته است؟ به حافظ و سعدی توهین می‌کند. او درباره همه چیز اظهارنظر می‌کند. کسروی طلبه‌ای در مدرسه طالبیه است که با پدر من هم‌دوره بوده؛ مدتی هم امام جماعت در مسجدی به نام مسجد کسروی در «هکماوار» (حکم‌آباد) تبریز است که عمویش ساخته. او مدتی به بیمارستان آمریکایی‌ها می‌رود زبان خارجه می‌خواند و روی زبان فارسی هم کار می‌کند. او می‌خواهد فورس قدیم را زنده کند. از ناسیونالیست‌های تند فارسی‌زبان است، به‌طوری‌که رضاخان در سال ۱۳۱۴ وقتی دانشگاه تهران را تشکیل می‌دهد، با وجود اینکه کسروی نه دانشگاه دیده و نه روی دانشگاه‌ها مطالعه کرده، مامور ویراستاری واژه‌های فارسی از زبان تازی می‌شود.

۴۰ روز دادستان تهران بوده است. کسروی بعدا از دادگستری بیرون می‌آید و وکیل دادگستری می‌شود. وکیل تقی ارانی و ۵۳ نفر حزب توده می‌شود. جالب اینجاست بعد از شهریور ۲۰ وکیل پزشک (احمد) احمدی هم می‌شود که آمپول هوا به تقی ارانی و دیگران زده است و بعدها محکوم به اعدام می‌شود. وکیلی بود که امانت وکالت را حفظ نمی‌کرده است. از احمد کسروی بت ساختند. اولین اقدام نواب صفوی درباره او بوده است. بعد از اینکه نواب صفوی اقدام می‌کند و کسروی توسط سیدحسین امامی و چند نفر دیگر معدوم می‌شود، نواب به منزل ما آمد. سال ۱۳۲۴ او را در خانه خودمان دیدم و خودم در را برای او باز کردم. علت هم این بود که پدرم با احمد کسروی هم‌دوره تحصیلی بوده و بعد از پیدا شدن او مقالاتی با عنوان تذکرات دیانتی نوشته است.

آقای نواب صفوی بعدها به من گفت من که می‌خواستم در مشهد مخفی شوم آیت‌الله شاه‌آبادی و آیت‌الله کاشانی و آقای حاج سراج انصاری به من گفتند به منزل حاج شیخ غلامحسین ترک بروم که از تبریز آنجا تبعید شده بود. من نیز عکس نواب صفوی را در روزنامه‌ها دیده بودم. زمانی که می‌خواستم به مدرسه بروم، آقا سیدی را دیدم. آن زمان روحانیون کفش‌های بندی داشتند. به من گفتند آقاجان خانه است؟ گفتم بله و گفت بگو که نواب است و من با عجله ایشان را شناختم. او را به قسمت بیرونی هدایت کردند و به مادر دوم من گفتند که به ایشان صبحانه دهد. مادر دوم من که بعد از کشته شدن مادرم، به همسری پدرم در آمد عمه علم‌الهدی بود. این خاطره را می‌گویم که چطور شد که من به زندان رفتم. در دفعه دوم نیز در رابطه با پیمان نظامی بغداد به زندان رفتم اما اگر با شهید نواب صفوی دستگیر می‌شدم قطعا تیرباران می‌شدم. نواب صفوی، سیدعبدالحسین واحدی، سیدمحمد واحدی، خلیل طهماسبی و من، پنج نفری بودیم که در آن جلسه حضور داشتیم. من استثنائا زنده ماندم. ۱۰ نفر از فدائیان اسلام بودیم و رئیس دادگاه سرهنگ سیف بود که من نوه عمه ایشان بودم. به من چهار سال محکومیت داد و یک نفر را تبرئه کرد. به دادگاه تجدید نظر رفتم و تعریف می‌کنند که آیت‌الله بروجردی سفارش کرده بود فدائیان اسلام را تبرئه نکنید. بعد از چهار سال و نیم من را به تهران بازگرداندند. با رهبران حزب توده و جبهه ملی زندان بودم و با آنها بحث‌های بسیاری می‌کردم. نظریات بسیاری را خواندم. نظریات کسی که در آلمان حاکم بود را اکثرا خواندم.

در زندان تماما مطالعه کردم و آثار ایران و اروپا و... را خواندم. لذا امروز که عضو هیات علمی دانشگاه شده‌ام به دلیل مطالعات من است نه به این دلیل که در دانشگاه شرکت کرده‌ام و دوره‌های مختلف را گذرانده‌ام. استاد مدعو دانشگاه امام‌علی و علمی کاربردی بوده‌ام. می‌خواستم زیربنای حرف‌های نفر قبل را تکمیل کنم. آیت‌الله بروجردی فضای باز در حوزه علمیه قم به وجود آورد، به صورتی که علامه محمدحسین طباطبایی توانست اصول فلسفه و روش رئالیسم را بنویسد. آیت‌الله بروجردی در ۱۳۴۰ فوت کردند اما در سال ۱۳۴۳ بود که ۱۵ خرداد پیش آمد. ۲۰ سال تمام رضا شاه دیکتاتوری خشن در این مملکت به وجود آورد. بعد از سه سال ایشان فوت کردند، چه تغییری پیش آمد که ۱۵ خرداد پیش آمد؟ روشنگری آیت‌الله بروجردی، در حوزه‌های علمیه بود و حوزه نجف هم از اینجا اقتباس کرد. اگر بدانیم که چرا ۱۵ خرداد پیش آمد باید نام آیت‌الله بروجردی را ببریم. از نظر فقه ایشان صاحب نظر بودند و بعد از او فقهای دیگر نتوانستند با او همسانی کنند. اسرائیل صحرای سینا و بیت‌المقدس را در عرض شش روز گرفت اما امروز ۱۰۵ روز است که اسرائیل جلادی می‌کنند. اینها که می‌گویند آتش‌بس مگر آتش‌بس می‌کنند؟ نفت و بنزین ندهد! اما نکردند، برای اینکه عربستان می‌خواهد در آنجا سفارت باز کند. ۱۰۵ روز است که یک شهر مقاومت می‌کند. اعراب چنان بی‌غیرت شده‌اند که از او حمایت می‌کنند. مگر اسلحه آمریکایی آتش‌بس سرش می‌شود؟ در کلاس‌ها بگویی که چه خبر بوده است؟

امروز کوچک‌ترین مساله و شبهه‌ای دنیا را فرا می‌گیرد

احمد خزایی، دستیار وزیر اطلاعات: من بسیار خوشحالم که خدمت شما هستم. به من گفته شد درباره جهاد تبیین صحبت کنم. درد مشترکی را با شما درمیان می‌گذارم. کار همه ما معلمی و آموزش است. همچنین احساس مسئولیت سنگین راهبری فرزندان بر دوش ما سنگینی می‌کند. ما در شرایط خاصی در طول تاریخ هستیم که با علم و دانش و تکنولوژی و این نسل جدید مواجه هستیم. همواره بشر مشکلات خودش را داشته است. این جهاد تبیین که از سال ۹۵ اعلام شد. روشن است. تبیین و بیان و توضیح و راهنمایی، چیز جدیدی نیست منتها باید واقعا با خیز جدید و اهتمام بیشتر و رنج بیشتری با نسلی که مسئولیت او را به دوش می‌کشیم مواجه شویم. اولین مساله ما این است که این نسل را باید بشناسیم. باید با زبان و ادبیات آنها آشنا شویم. خداوند می‌گوید ما هر پیامبری را که فرستادیم با زبان آن قوم آشنا بود. اگر الان به من بگویند در دبیرستان و راهنمایی صحبت کنم، نمی‌پذیرم، چراکه بلد نیستم با آنها ارتباط بگیرم. این اولین گام و مسئولیت ماست. دانشجو و دانش‌آموز ما مشکلات و تبلت و لپتاپ ما را حل می‌کنند. ذائقه اینها چیست؟ افکارشان چیست؟ این مساله بسیار مهمی است و ارزش‌های آنها تغییر کرده است. جنس آنها متفاوت است. روش و اعتقادات ما برای او ناآشنا است و این اولین گامی است که باید برای ارتباط‌گیری با نسل فعلی برداریم.

مثلا اگر بخواهید از ارزش‌های اسلامی و بشری بگویید، می‌دانید که چه در فضای مجازی می‌گذرد؟ اولین مساله ما این است که این نسل را بشناسیم و فهم و درک داشته باشیم و او را با همه وجود بخواهیم. دریافت درستی باید از ذهنیت و غایت آنها داشته باشیم و نکته دیگر این است که باید ابهامات این نسل را بشناسیم. همیشه در طول تاریخ انسان‌ها شبهه و مشکل و مساله داشتند. به طور طبیعی امروز کوچک‌ترین مساله و شبهه‌ای که ایجاد می‌شود، دنیا را فرا می‌گیرد و به تمام اذهان رسوخ می‌کند. سم‌پاشی‌هایی که دشمن می‌کند را باید بدانیم که چیست؟ آیا ارزش‌های این نسل ملی یا مذهبی آنها را نشانه گرفته است؟ مساله‌شان چیست؟ همانطور که ما پژوهش را از مساله شروع می‌کنیم، در این مورد نیز باید این کار صورت گیرد. مساله دیگر این است که حالا ما چگونه و از چه راهی حقایق را به این نسل منتقل کنیم؟

بخش قابل توجهی از جامعه مذهبی است و اعتقاد دارد و پایبند و باتقواست اما به شدت همان‌ها هم در خطر هستند. ما باید، بدانیم که با چه زبان و در چه عرصه‌ای با آنها چگونه صحبت کنیم و از چه دری وارد شویم. اولین مساله ما این است که این نسل جدید و نسل Z، اینفلوئنسر و... را مرجع شناخت قرار داده‌اند. باید این نسل را از پیروی از مطالب و یافته‌های سست و نااستوار و غیرمعتبر پرهیز دهیم. بالاخره کتاب و تحلیل و پژوهش اگر رفرنس و آدرس معتبر نداشته باشد، ما نه می‌خوانیم و نه به آن توجه می‌کنیم. مساله اول این است که باید بتوانیم با تلاش نسل جوان این حقیقت را منتقل کنیم که منی که آخوند هستم و بالای منبر می‌روم، عده‌ای در فقه و فلسفه و... دانا هستند. گیمر رهبر خوبی است اما تنها برای گیم، اینستا منبع تغذیه‌ای خوبی است اما در راستای اهداف خودش. باید دنبال منبع درست برویم و برای مسائل فقی به سایت‌های ویکی‌فقه و ویکی‌شیعه برویم. اگر مساله شرعی داریم باید به کجا رجوع کنیم.

باید به نسل جدید بگوییم که تاریخ را از تاریخدان و کسی که مجتهد در تاریخ است و صاحب‌نظر است بپرس. این گوش و چشم که ورودی ذهن ماست باید کنترل شود. موضوع را شما حق ندارید که از مجتهد بپرسید، نظر شما در موضوع ارجح است. مثلا ممکن است که دکتر روزه را برای فردی

ادامه در صفحه ۵

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مضر بداند اما نظر خود فرد اهمیت بیشتر دارد. باید برای این نسل روشن کرد و حقایق را برایشان مشخص کرد. من اگر مجبور شوم به دبیرستان بروم، نمی‌روم. چون واقعا نمی‌دانم به این بچه‌ها چه چیزی باید گفت. بنابراین حقایق را باید منتقل کرد. اما چگونه؟ این نسل فاصله بسیار زیادی با ما دارد. روزی ما فیلم حمله کماندوهای شاه به فیضیه که طلبه‌ها را به خاک و خون کشیدند را نشان می‌دادیم و همه مردم، آنها را لعن می‌فرستادند. اما چندوقت پیش که این فیلم را نشان داده‌اند و برخی می‌گویند که دم‌شان گرم... این ذائقه بسیار تغییر کرده است. این نسل نه شاه و نه امام و نه صدام را دیده است. تصور درستی از شاه ندارد. ما فکر می‌کنیم تمام موضوعاتی که برای ما مسلم است برای این نسل نیز همینطور است! باید حقیقت را به آنها منتقل کنیم اما باید دسته‌بندی برای این نسل داشته باشیم.

هرروز نیز دانش و تکنولوژی رشد می‌کند. من چندوقت پیش به اعتکاف رفتم و از شب تا صبح و بالعکس موبایل از دست این افراد نمی‌افتاد. یک سره در اینستا هستند و روزی یک تا دو ساعت هم بیشتر نمی‌خوابند. دنیای ما چنین دنیایی است و مقداری ما عقب‌ماندگی داریم و به همین دلیل است که رهبری بر جهاد تبیین تاکید دارد.

دنیای جدیدی به نام مقاومت ایجاد شده است

اسدالله طبیب‌زاده، عضو هیات علمی تهران مرکز دانشکده هنر: اینجا یکی از لنگرگاه‌های انقلاب اسلامی بوده است. بسیاری از افرادی که باجرات و بااعتقاد آمدند و جان عزیزشان را فدای تفکرات و باورهای اعتقادی خودشان کردند. عزیزانی اینجا آمدند و از نظریاتی دفاع کردند و توانستند آنها را به منصه ظهور برسانند. توانستیم این موفقیت‌ها را تا به این جا داشته باشیم تا جایی که حتی دنیای جدیدی با نام دنیای مقاومت هم ایجاد شده است. چندین روز است که یک شهر در مقابل یک دنیا ایستاده است. صحبت‌هایی درباره فاصله نسلی گفته شد. من به دو مطلب اینجا اشاره می‌کنم. اول اینکه به‌زعم من وظیفه دانشگاه این است که این مکان را معرفی کند. یک راه معرفی به نظر من این است که استاد و معلم را بیاوریم تا موزه را ببینند؛ اما راه حل اصلی این است که دانشجو را بیاوریم. اینکه تحت چه نام و مکانیسمی باشد را دانشگاه بهتر می‌داند.

اما خواهشی عاجزانه دارم این کار را به صورت اجرایی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت انجام دهید. بخش دیگر درباره مظلوم بودن این محیط است. حاج آقا می‌گویند که ممکن است من با فرزندم خودم هم نتوانم ارتباط برقرار کنم. ما نتوانستیم مکانیسمی مثل اینستاگرام را درست کنیم و به همین دلیل است که فرزندان ما حتی در اعتکاف هم این صفحه را ترک نمی‌کنند و کنار نمی‌گذارند. ۴۴ سال از انقلاب گذشته اما فکر نمی‌شود که چرا ما نمی‌توانیم نسل جدیدمان را از این مکانیسم، جدا کنیم. عزیزانی که در موزه عبرت هستند، چه کردند؟ کم کار کردیم و باید بپذیریم. اگر دهه اول انقلاب بود جای پذیرش آن وجود داشت اما الان چهار دهه از انقلاب گذشته است.

باید از فناوری به نفع انقلاب اسلامی استفاده کرد

آرزو اسلامی، عضو هیات علمی واحد علوم‌وتحقیقات دانشگاه آزاد: من خوشحالم که امروز به عنوان استادی نابینا در اینجا حضور دارم. در حضور استاد بازرگان و غیره حضور دارم. از گروه فراسازمانی دانشگاه آزاد که تلاش مضاعفی کرد تا ما اینجا بیایم و از نزدیک با زندانی‌شدن هشت هزار و ۴۳۲ نفر از سال ۵۰ آشنا شویم که بیش از ۷۰۰ نفر آنها خانم بودند. نکته اول این است که بحث جهاد تبیین اهمیت دارد. پیش از سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی، در قرآن کریم، از کلمات بینه و بین و غیره استفاده شده بود. پس مشخص می‌شود که از دوران حضرت آدم تا حضرت خاتم، بحث تبیین برای مردم بوده و تا به امروز نیز ادامه دارد اما شکل و شمایل آن تفاوت دارد. ابتدا باید برای بحث جهاد تبیین نیز مخاطب‌شناسی صورت گیرد که او را بشناسیم و بدانیم که برایش چه برنامه‌هایی داریم. ما می‌توانیم از طریق انیمیشن و فیلم و اینستاگرام تبیین را داشته باشیم. باید از فناوری به نفع انقلاب اسلامی ایران استفاده کرد. اتفاقا خوب است پژوهشی در این حوزه داشته باشیم که فناوری تا چه حد توانسته در معرفی انقلاب اسلامی ایران به جهان موثر باشد و به آن شکل دهد. نکته دوم این است که من به عنوان فردی نابینا نمی‌دانستم که اصلا در متروی امام خمینی که کمی بالاتر می‌رویم موزه عبرتی وجود دارد و به نظر من بسیار بهتر است که کتابخانه‌ای اینجا باشد و کتاب‌های خاطرات را برای مردم به فروش بگذارد، حتی برخی از ماکت‌ها را به صورت اسباب‌بازی به کودکان هدیه دهند. من فکر می‌کنم این موزه مظلوم واقع شده است. باید از موزه عبرت به عنوان رسانه استفاده کنیم و دانش‌آموزان را با آن آشنا کنیم. من سوالی از استاد محمود بازرگان دارم. آقای بازرگان چه شد که ساواک شکست خورد. چه شد که پرویز ثابتی که به عنوان رئیس رکن سوم فعالیت می‌کرد، آمال و آرزوهایش هیچ شد و فروریخت. اتفاقا من دیروز که با استاد صحبت می‌کردم، اذعان کردند که بافت جامعه ما سنتی است و شاید اعتراضاتی مردم داشته باشند و شلوغی صورت گیرد اما این نظام از ما نمی‌افتد و این موضوع مایه خوشحالی ماست.

سه سازمان امنیتی از هدف داشتن مبارزات غافل مانده بودند

محمود بازرگانی: سوالات بسیار کلیدی و اساسی می‌پرسیدند که از دقت ایشان تعجب کردم. درباره این موضوع که چرا ساواک شکست خورد، اولا «خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند.» بسیاری از پدرها و مادرها، سال‌ها و ماه‌ها نمی‌دانستند که فرزندشان کجاست. ظلم پایدار نخواهد ماند. نکته دیگر این است که عدم درایت و هوشمندی سه سازمان بزرگ سرویس‌های امنیتی CIA و موساد و یک سازمان دیگر از یک نکته غافل بودند و آن هم هدف داشتن مبارزات بود. گفته شد که چگونه این سلول‌های انفرادی و غیره را دوام آوردیم و من گفتم که «الا بذکرالله تطمئن‌القلوب» سرویس‌های امنیتی از این موضوع غافل شده بودند. نکته دیگر نیز پایبندی و استواری مبارزات از حضرت امام گرفته تا احزاب و گروه‌های انقلابی، همگی این ویژگی را داشتند.

خزایی: یکی از دلایلی اصلی بیراهه رفتن ساواک و عقب‌ماندش از جامعه مساله وابستگی این سازمان بود. رژیمی که وابسته به بیگانه است و ابزار و اهداف و بقا و تداوم و حمایتش را از بیگانه می‌گیرد، خودجوش نیست و از درون نمی‌جوشد و متکی به ملت نبود و طبعا چنین اتفاقی برایش می‌افتد. مساله دیگر نیز نداشتن برآورد درست از جامعه است. ساواک جامعه خودش را نمی‌شناخت و اصلا برای این مورد درست نشده بود. برای مبارزه با گروهک‌ها و سازمان‌های سیاسی و مسلحانه بود و در کار خودش بسیار موفق بود. اما برای کار دیگری ساخته نشده بود. از زیر پوست شهر و روی جامعه بی‌خبر بود. نکته سوم که چندان ارتباطی به ساواک ندارد، ما می‌بینیم که پرویز ثابتی در سال‌های ۵۵ - ۵۴، گزارش‌هایی به شاه می‌دهد که در شهرها خبرهایی است و گروهک‌هایی داریم که تمام آنها را متلاشی کردند. ثابتی انسان باهوشی بود اما گوش شنوایی وجود نداشت. جامعه خوب شناخته نشده بود و درواقع برآوردی درست از وضعیت و تهدیدها و روندهای شناختی و غیره در قوه عاقله نظام اتفاق نمی‌افتاد. ساواک برای این کار ساخته نشده بود و ابزارش را نداشت و اجازه تحلیل نیز به آنها داده نمی‌شد. تحلیل‌ها و برآوردها در سفارت آمریکا انجام می‌شد. این موضوع عامل وابستگی است و زمانی که در تحلیل و شناخت وابسته باشند طبعا چنین سرنوشت نکبت‌باری در انتظارشان است.

هویت‌ها را با مفروضی جدید زنده کنید

معصومه رشاد، عضو هیات‌علمی دانشکده روانشناسی واحد رودهن: بسیاری از دوستان ما در این مجموعه خوش‌فکر هستند. برای من ورود به اینجا برای اولین بار در دوران دبیرستان بود که آن زمان ترس و ارعابی از اینجا داشتیم. اما شاید آن زمان به این شکل توضیح داده نمی‌شد. من دو ایده برای نوشتن مقاله برای ژورنال‌های بین‌المللی گرفتم. ایده اول این بود که تبیین مولفه‌های اهداف بود. چه چیزی باعث می‌شود تا افراد در این اتاق‌های کوچک و با این شدت شکنجه‌ای که وجود داشت بر قامت اهداف خود استوار بمانند. این هدف و تبیین مواضع چیست که با توجه به متلاشی شدن بسیاری از گروه‌ها و گروهک‌ها، اهداف آرمانی و اسلامی امام خمینی همچنان در ذهن‌شان استوار مانده بود؟ من می‌خواهم تا هویت‌ها و ارزش‌ها را در قالب یک نظریه سازانگاری تبیین کنم. ارزش‌هایی که در دوران مبارزه تبیین شدند. ما دوباره چه کنیم؟ اگر امروز به موزه عبرت آمدیم، باید عبرت بگیریم که در نوشتار و گفتار و مباحثی که به جامعه علمی عرضه می‌کنیم آن را به کار ببریم. اهداف انقلاب را باید زنده کنیم، در نسل جدید این بی‌هویتی موج می‌زند. راهکارها و راهبردها و تاکتیک‌هایی که ما داریم، چیست؟ باید هویت‌ها دوباره با مفروض‌های جدید زنده شود. این مبحث را در دانشکده‌ها و گروه‌ها به صورت بازدید علمی-اجباری، قرار دهند. این را برای تمام دانشجویان از ترم یک با طرح‌های مقدماتی آغاز کنیم، حتی به نظر من در این مدت ایجاد همایشی نیز داشته باشیم. جرقه‌ای برای زنده کردن اهداف انقلاب باید زده شود. من دانشجوی ۲۰ ساله‌ای دارم که هیچ‌کدام از این افرادی که امروز به دیوارها اسامی و عکس‌هایشان زده شده بود را نمی‌شناسند. من این پیشنهاد را به مجموعه دارم که این اجماع را کمی بزرگتر شکل دهد تا ما بتوانیم گام‌های محکم را در مقابل تهاجم فرهنگی برداریم. پیشنهاد من بحث ایجاد فراخوان یا همایش است.

زمانی که من وارد این موزه شدم قلبم فشرده شد. یعنی صدای ضجه‌هایی که شاید من نشنیده باشم در ذهنم تداعی شد و جرقه‌ای برای نوشتن مقاله بین‌المللی شد. باید دغدغه ما معلمان باشد، شاید نیایند و اینجا را نبینند، اما ما باید آن را به قلم بیاوریم. باید بدانیم چه مراحلی را طی کردیم که توانستیم روی این صندلی‌ها بنشینیم. چقدر برای این صندلی خون دادیم و تلاش داشتیم و باید بدانیم که چقدر مسئولیت ما زیاد است.

ما برای جهاد تبیین جنگیدیم

محمد جهان‌بین، راوی موزه عبرت: امروز یا دو سه روز قبل بود برخی از عزیزان سپاه اینجا آمدند و پرسیدند که جناب جهان‌بین تمام اینهایی که گفتید را ما شنیدیم، اما انگیزه چنین ایستادگی چیست؟ شما می‌گویید چندماهی در اینجا بودید و بعد از آن به بیمارستان شهربانی و کمیته و زندان‌های دیگری رفتم، انگیزه‌تان چه بود؟ در پاسخ به او گفتم حضورمان خود معنی ایمان است و ما برای جهاد تبیین جنگیدیم و امیدواریم که این جهاد تبیین استمرار داشته باشد. من بسیار تشکر می‌کنم که وقتی را به من دادید.

حضار: من از سخنرانی سه بزرگواری که اینجا ملاقت‌شان کردم و شناخت کمی نیز از آنها داشتم، لذت بردم. اما یک تاسف برای من پررنگ‌تر شد. من برای نوه‌ام چه رسالتی دارم و چه می‌توانم انجام دهم؟ آقای خزایی، خیلی ماهرانه و بسیار زیرکانه صحبت‌هایتان را بیان کردید. واقعیتی که در مشهد دیدید چقدر با حقیقت فاصله دارد؟ این فاصله شکاف نسلی را چه کسانی باید پر کنند؟ آیا از مدرسه و مهدکودک و دانش‌آموزان باید کار کنیم؟ یک راه بیشتر ندارد. دورتادور کشور دیوار بکشند و تمام ادوات و سواد و مدارس را نیز تعطیل کنند و از بین ببرند و به هزار سال قبل آن بازگردانند. من از بیانات حاج‌آقا بازرگانی به شدت لذت بردم و ایشان بسیار انصاف داشتند و بی‌طرف صحبت کردند. جناب عبدخدایی هم بسیار منصف بودند. ما واقعیت‌ها را با حقایق بسیار فاصله‌دار می‌بینیم.

نسل جدید فرامادی است

احمد فاضلی، استاد دانشگاه آزاد تهران غرب: من نکته‌ای را به دکتر خزایی می‌گویم. اینکه جوانان ما ارزش‌های ما را نمی‌پذیرند، حقیقت این است که آنها اصلا ارزش‌های ما را قبول ندارند. ما در عصر الکترونیک و پسامدرن هستیم. این نسل جدید فرامادی بوده و ممکن است پیامبر و امام و... را نشناسد. این نسل هوای تمیز و آسیب نرساندن به حیوانات و فضای سبز را می‌خواهند. عصر اطلاعات و فراصنعتی است و این نسل چیز دیگری را می‌خواهند اما ما چیز دیگری را به آنها می‌دهیم. نکته دیگر من این است که ما به انقلاب اسلامی افتخار می‌کنیم. چندوقت پیش بود که ماهواره ثریا را پرتاب کردند. اینکه آمریکا و جهان غرب را به ستوه آورده است و از راهنمایی‌های بسیار خوب رهبری است.

سرعت تحولات در این عصر باعث شد بشر جا بماند

خزایی: جناب طبیب‌زاده در ابتدا موضوعاتی را مطرح کردند که باید اشاره کنم، استاد عزیز کار بسیار زیاده شده است. تولید محتوا و متن بسیار زیاد در کشور انجام می‌شود. من به این دلیل که مسئولیت موسسه تاریخی را بر عهده دارم، می‌دانم فعالیت‌های بسیار خوبی در این حوزه انجام شده. تولید رفرنس و ماخذ و... بسیار صورت گرفته است اما سرعت تحولات به قدری در این عصر زیاد شد که تمام بشر جا ماند. یعنی رئیس جمهور فرانسه در آن ایام گفت فرانسه در معرض خطر بسیار بزرگی قرار دارد و تمام سنت‌های فرانسوی که مهد تمدن بوده بالاخره در آماج توفان فرهنگ آمریکایی است. یعنی چنین وضعیتی وجود دارد که فرانسه نیز احساس خطر کرده است. اینترنت که آمد به یکباره علم تغییراتی را داشت و الان سال به سال علم و دانش و آگاهی‌های بشر جهان را متحول کرده است. عشق ما این بود که عصرهای جمعه تارزان ببینیم. کسی تلویزیون و ارتباطات نداشت. الان سر هر سفره‌ای فردی موبایل دارد و این شرایط وضعیتی ایجاد کرده که در دنیا، آمریکا از تیک‌تاک وحشت کرده است. اما نکته این است که هیچ کشور به اندازه ما در معرض تهدید نیست. آیا در دنیا کشوری با انتخابات کشور دیگر کار دارد؟ نه! اما تمام دنیا با انتخابات کشور ما کار دارند. انتخابات ما مساله داخلی بوده اما مورد توجه غرب و اعراب و... نیز است. پارسال در وضعیتی که پیش آمد، دیدید حتی نخست‌وزیر کانادا هم در تجمعات خارج از کشور حضور پیدا کرد.

قصه ما به این صورت است؛ چراکه نظام ما الگو است. نظامی ایجاد شد که در مقابل امپریالیسم قد برافراشته است که کمونیسم و مارکسیسم و سوسیالیسم حریف آن نشد. ۱۰ سال دنیا ایستاد که بشار اسد را بردارند یا ۹ سال همه دنیا ریخت که یمن را نابود کند، اما ایران نگذاشت و حرفش را تحمیل کرد. خودشان می‌گویند ما ۳ تریلیون دلار در عراق سرمایه ریختیم اما امروز در بسیاری از کشورها حرف اول و آخر را می‌زنند، اما ایران در بسیاری از دنیا معروف به هارتلند است و همواره باید تحت نظارت قدرت‌های بزرگ باشد، اما بعد از انقلاب ورق برگشت. از سمت دیگر نیز محدود به جغرافیای خود نشده‌ایم، خیلی عجیب است که در غزه تمام پهپادهای دنیا تا ۵۰ متر زیر زمین را اسکن می‌کنند اما نتوانستند به هیچ‌کدام از اهداف‌شان برسند و نخواهند رسید. خودشان را بی‌آبرو کردند و تمام دنیا روز قدس شد. هجمه سنگین و نفسگیر روز و شبی وجود دارد. الان ۶۵ کشور دنیا در صف خرید پهپاد ایران هستند و حتی چین هم به ما سفارش می‌دهد.

من آخرین نکته را نیز می‌گویم، نکته‌ای درباره رجوی گفته شد که چرا نمایندگی مجلس به او داده نشد، دلیل این بود که به قانون اساسی کشور پایبند نبود و آن را قبول نداشت، اما در مقابل کشور را دو دستی به بنی‌صدر دادیم. زمانی که فرد زیربنای نظام را قبول نداشته باشد این مشکلات به‌وجود می‌آید. ما دلایل متقنی داریم که این گروه از روز اول تصمیم به براندازی داشتند و تصمیم‌شان را از همان ابتدا گرفته بودند. مسائلی که ما امروز در خصوص جوانان با آن درگیر هستیم، از روز اول وجود داشته است. نوح ۹۵۰ سال تبلیغ کرد و تنها ۸۰ نفر را جذب کرد و روزی چندبار ایشان را کتک می‌زدند. داستان قوم لوط برای ۲۷۰۰ سال پیش است. البته امروز ارتباطات مشکلات را چندین برابر کرده است. بشر همیشه این قصه را داشته است و فساد و فحشا و بی‌بند و باری وجود دارد، اما درعین‌حال در کنارش جوانان برومند هم وجود دارند. همان بچه‌ای که در اعتکاف، در اینستاگرام می‌چرخید بسیار بسیجی بود. این موضوعات دلیل نمی‌شود که اسلام یا عقیده جوانان تحت تاثیر قرار گرفته باشد. امروز هم ما باید زینب‌وار بایستیم و بالاخره در راه‌مان کوتاهی نکنیم.

همچنان معتقدم در تبیین انقلاب کم‌کاری کرده‌ایم

عبدخدایی: درباره فساد و... که اشاره شد باید بگویم دوستان هیچ‌وقت نباید ما ناامید شویم؛ چراکه اصلا دستور خداوند این است. نکته دیگر در تکمیل فرمایشات خانم دکتر است که بسیار موردی گفته شد اما شایسته بود. ما در موزه عبرت، راویان قوی داریم، بنابراین ما به گونه‌ای روایت می‌کنیم از خودمان چیزی نمی‌گوییم. اگر هم از خودمان بگوییم برای رفع ابهام است. نکته بعدی درباره محصولات فرهنگی بود، موزه تلاش دارد کتاب و... داشته باشد و نکته دیگر این است معمولا چندسالی که توفیق حضور در اینجا را داشتم از شبکه‌های مختلفی به این موزه آمدند. من همچنان معتقدم ما کم‌کاری کرده‌ایم و از همه شما کمک می‌خواهیم. ما کلاس درس داشتیم و دانشجو با هزار امید می‌آید و باید آنها را راهبری کنیم. نکته آخرم این است دوستان هر زمان خواستند بازدید بیایند حتما خبر دهند که ما باشیم. مبادا بیایید و بازدید کنید و هزار سوال ایجاد شود. یکی از اشتباهات ما این است که معمولا انقلاب اسلامی را با افراد مقایسه می‌کنند که اشتباه است. باید افراد را با انقلاب اسلامی مقایسه کنند. این نکته بسیار اهمیت دارد.

ادامه از صفحه ۴

آگهی مناقصات عمومی یک‌مرحله‌ای
۱۴۰۲/۱۲۰۷۴ و ۱۴۰۲/۱۱۰۳۶

وزارت نیرو
شرکت برق منطقه‌ای تهران

۱-نام و نشانی مناقصه‌گذار: شرکت برق منطقه‌ای تهران به شماره ثبت ۹۷۶۴، شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۰۲۶۶۴ و کد پستی ۱۹۸۱۹۶۹۹۶۱، به نشانی تهران، سعادت‌آباد، بالاتراز کوی فراز، بلوار برق تهران، شرکت برق منطقه‌ای تهران، ساختمان حوزه ستادی، طبقه سوم، بال شرقی، امور تدارکات و قراردادها

۲-موضوع مناقصه: مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای به شرح ذیل:

شماره مناقصه (مرجع)	شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	موضوع مناقصه	میزان تضمین (سپرده) شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	زمان گشایش پیشنهادات
۱۴۰۲/۱۲۰۷۴	۲۰۰۲۰۰۱۰۰۸۰۰۰۳۴۲	واگذاری خدمات ترابری دیسپاچینگ‌های منطقه‌ای و فوق توزیع	۴,۵۸۵,۴۴۰,۰۰۰	ساعت ۸:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۸
۱۴۰۲/۱۱۰۳۶	۲۰۰۲۰۰۱۰۰۸۰۰۰۳۴۱	خرید هادی‌های فاز آلومینیوم فولاد و تمام آلومینیوم	۸,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰	ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۸

۳- زمان، مهلت، مبلغ و محل دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۷ لغایت ۱۴۰۲/۱۱/۲۳، به سامانه الکترونیکی تدارکات دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه و با پرداخت مبلغ ۵۰۰٬۰۰۰ ریال از طریق درگاه پرداخت اینترنتی به شماره حساب ۴۰۰۱۰۵۰۹۰۴۰۰۵۶۵۵ (شماره شبا IR ۸۹۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۰۹۰۴۰۰۵۶۵۵) به نام شرکت برق منطقه‌ای تهران نزد اداره کل خزانه بانک مرکزی به شماره شناسه واریزی ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۰۰۳-۸۲-۲۲۱۵۰۰-۷۴-۰۵۰۹-۶۴-۳ جهت خرید اسناد مناقصه فوق اقدام نمایند.

۴-مدت اعتبار پیشنهادات: اعتبار پیشنهادات از زمان افتتاح پاکات شش ماه می‌باشد.

۵-نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به‌صورت ضمانتنامه بانکی معتبر یا واریز نقدی به حساب ۴۰۰۱۰۵۰۹۰۶۳۷۲۸۲۲ (شماره شبا IR ۷۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۰۹۰۶۳۷۲۸۲۲) تمرکز سپرده‌های برق تهران نزد خزانه می‌باشد.

۶-نام و نشانی دستگاه نظارت: شرکت برق منطقه‌ای تهران به نشانی مندرج در بند یک

۷-زمان و محل تحویل پیشنهادات: پیشنهاددهندگان باید ضمن بارگذاری تصویر کلیه مدارک پاکات (الف، ب، ج) در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت تا ساعت ۱۹ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۷، نسبت به ارسال اصل مدارک مطابق شرایط درج‌شده در اسناد مناقصه، در پاکت لاک‌ومهر شده تا ساعت ۱۲ ظهرروز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ به دبیرخانه حراست به نشانی مندرج در بند یک (طبقه دوم) تحویل و رسید دریافت دارند. تمامی فرآیند برگزاری مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت صورت می‌پذیرد.

۸-گشایش پیشنهادات: پیشنهادات ارائه‌شده در سامانه براساس جدول فوق درسالن پژوهش ۳ واقع در طبقه سوم ساختمان ستادی شرکت برق منطقه‌ای تهران گشایش خواهد یافت.

۹- سایر شرایط:
- مناقصه شماره ۱۴۰۲/۱۲۰۷۴
- ارائه گواهینامه معتبر تایید صلاحیت ایمنی براساس ضوابط و مقررات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- ارائه گواهینامه تایید صلاحیت معتبر در رسته حمل و نقل از وزارت تعاون ،کار ورفاه اجتماعی
- سوابق اجرایی شامل موافقتنامه قرارداد و حسن انجام کار (رضایتنامه) از کارفرمایان قبلی حداقل دو مورد
- مناقصه شماره ۱۴۰۲/۱۱۰۳۶ (مبلغ برآوردی ۱۶۴,۹۳۳,۸۱۷,۲۸۸ ریال)
- ارائه تائیدیه تامین‌کنندگان تایید صلاحیت‌شده شرکت توانیر در زمینه تولید هادی فاز آلومینیوم فولاد و تمام آلومینیوم الزامی می‌باشد.
- ارائه پروانه تولید از وزارت صنعت، معدن و تجارت (با توجه به تولید داخل محصولات موضوع مناقصه) یا نامه نمایندگی معتبر از تولیدکنندگان داخلی الزامی می‌باشد.
- ارائه دو مورد فروش محصولات مشابه به همراه رضایتنامه از کارفرمایان الزامی می‌باشد.

تذکر مهم: مناقصه‌گرانی که در پنج سال گذشته با شرکت برق منطقه‌ای تهران قرارداد مرتبط با موضوع مناقصه را داشته باشند و قرارداد آنها پایان یافته باشد، ارائه یک فقره رضایتنامه انجام کار از آخرین قرارداد مرتبط الزامی می‌باشد، درصورت عدم ارائه رضایتنامه مذکور پیشنهاد آن مناقصه‌گر مردود اعلام می‌گردد.

علاقه‌مندان به شرکت در مناقصه می‌بایست جهت ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) با شماره‌های دفتر ثبت‌نام ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ و مرکز تماس ۲۷۳۱۳۱۳۱ تماس حاصل نمایند.

سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	www.setadiran.ir
پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات	http://iets.mporg.ir
پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات شرکت توانیر	http://tender.tavanir.org.ir
پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات شرکت برق منطقه‌ای تهران	www.trec.co.ir

روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای تهران
شماره شناسه ۱۶۵۷۶۵۷
شماره م.الف ۴۳۰۱

کانون تبلیغاتی سیهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

«فرهیختگان» محصولات کاربردی و جدید شرکت‌های دانش‌بنیان را معرفی می‌کند

جلوه اقتدار علمی در تولیدات دانش‌بنیان ایرانی

ندا اظهری
مترجم

پارک‌های علم و فناوری علاوه‌بر اینکه فضای مناسبی را برای حضور دانشجویان، محققان و علاقه‌مندان به علم و فناوری فراهم می‌کنند، تلاش دارند حمایت‌هایی را نیز از شرکت‌ها داشته باشند که به روند تولید علم و محصول نیز کمک کرده باشند. پارک علم و فناوری کاشان هم از آن جمله پارک‌هایی است که شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری مستقر در آن توانسته‌اند دستاوردهای قابل توجهی را با تلاش محققان و دانشجویان ایرانی رقم بزنند. در ادامه با دو شرکت فناور مستقر در پارک علم و فناوری دانشگاه کاشان گفت‌وگو کرده‌ایم که با تولید محصولاتی که داشته‌اند، علاوه بر اینکه توانسته‌اند نیازی از جامعه را مرتفع کنند، به درآمدزایی و ایجاد اشتغال نیز کمک کرده‌اند.

بلوک‌های ضداشعه با قیمت یک‌پنجم نمونه آمریکایی

در کلینیک‌ها، مراکز بیمارستانی، رادیولوژی، تصویربرداری، ماموگرافی، سی تی اسکن و... که از اشعه ایکس استفاده می‌شود و نیز در رادیوتراپی که پرتوی گاما به کار می‌رود، خطر مواجهه با انواع اشعه‌ها بسیار بالاست. از این رو، اجرای راهکارهایی که بتواند مانع از رسیدن این اشعه‌های خطرناک به بدن انسان شود، از اهمیت بالایی برخوردار است. اشعه‌ها و پرتوهای ایکس و گاما، پرتوهای بسیار خطرناک و یون‌ساز بسیار نافذی هستند که اگر حفاظ‌گذاری مناسبی در مراکز مخصوص انجام نشود برای سلامت افراد، بیماران و کارکنان مراکز تصویربرداری می‌تواند بسیار خطرناک باشد. معمولا به صورت سنتی، دیوارکوبی به صورت سرب‌کوبی انجام می‌شود. سرب عنصری بسیار سمی و گران‌قیمت است که اجرای آن بسیار دشوار است که طبق قیمت سال گذشته، متری ۴ و نیم میلیون هزینه دارد که به ضخامت ۲٫۵ میلیمتر سرب اجرا می‌شود تا بتواند مانع از عبور اشعه ایکس شود. اما شرکت فناور «پرتوپژوهان کاشان» که در پارک علم و فناوری دانشگاه کاشان مستقر است، موفق به تولید محصولی به نام بلوک‌های ضداشعه‌ای شده که می‌تواند به‌عنوان یک سد در برابر اشعه‌های ایکس و گاما، جایگزین خوبی برای سرب‌کوبی باشد.

به گفته احسان صادقی، رئیس هیات‌مدیره این شرکت فناور این بلوک‌هایی که تولید کرده‌اند، یک سانتیمتر ضخامت دارد و ضریب جذب آن ۵۰ درصد (دو برابر) سربی است که به‌طور سنتی به کار می‌رود. به این معنا که یک سانتیمتر از این بلوک معادل نیم سانتیمتر سرب عمل می‌کند. اما در مقابل، قیمت آن یک‌پنجم سرب است و سمی هم نیست. از طرف دیگر، اجرا کردن این بلوک هم بسیار ساده است به‌طوری‌که چسب روی دیوار زده شده و بلوک‌ها روی دیوار نصب می‌شوند. ابعاد بلوک‌ها معمولا بزرگ‌تر از نمونه اولیه بوده و به‌طور سفارشی و طبق نیاز مشتری ساخته می‌شود. این محصول به تازگی تجاری‌سازی شده و از آنجایی که یک محصول تحریمی است و تنها توسط شرکت آمریکایی «مارشیلد» تولید می‌شود، محققان ما بدون در اختیار داشتن نمونه‌ای از این بلوک و تنها با گرفتن ایده آن، موفق به ساخت نمونه مشابه و بومی‌سازی شده از آن شده‌اند. صادقی ادعا می‌کند که ضریب جذب نمونه بومی‌سازی شده ما کاملا مشابه نمونه آمریکایی است اما نمونه‌هایی با ضخامت بالاتر از این بلوک‌ها نیز تولید کرده‌ایم که در مکان‌هایی استفاده می‌شود که دارای شتاب‌دهنده‌هایی هستند که با انرژی‌های چند مگاولتی سر و کار دارند. شتاب‌دهنده‌ها معمولا در بیمارستان‌ها، مراکز تحقیقاتی و انرژی اتمی وجود دارند که حفاظ‌گذاری برای چنین شرایطی با بلوک‌های ضخامت پایین امکان‌پذیر نیست و اشعه‌ها عبور می‌کنند. در چنین فضاهایی معمولا از بلوک‌های سربی استفاده می‌شود که هر یک از بلوک‌هایی که به کار می‌رود، یک میلیون تومان قیمت دارد. نمونه آمریکایی همین بلوک‌ها با ضخامت بالا هر کدام به قیمت ۱۹ دلار فروخته می‌شود اما قیمت بلوک‌های ما یک‌پنجم آن تمام می‌شود و ابعاد دو برابری نسبت به آنها دارند. او می‌افزاید: «هیچ وارداتی از این بلوک‌های ضداشعه در کشور نداشتیم اما در داخل، برخی شرکت‌ها هستند که نمونه‌هایی از آن را به صورت پلیمری تولید می‌کنند که قیمت آن سه برابر این نمونه و ضریب جذب آن نصف نمونه بلوک‌های تولید شرکت ماست و بلوک‌های ما با قیمت پایین‌تر و جذب دو برابری، در رقابت با شرکت رقیب موفق‌تر عمل می‌کند. این بلوک‌ها به‌طور خودچین ساخته شده و در اجرای آنها به هیچ‌گونه ملاتی نیاز نیست و روی آن را می‌توان طبق سلیقه، از رنگ، گچ یا غیره استفاده کرد. اما روی دیوارهای سربی نمی‌توان کاری انجام داد و باید با دیوارکشی، اقدام به رنگ یا گچ کرد. در این بلوک‌ها از هیچ ماده مضری چون سرب یا تنگستن نیز استفاده نشده است.»

صادقی درباره صادرات این بلوک‌ها به «فرهیختگان» می‌گوید: «با کشورهای عراق و افغانستان مذاکراتی انجام داده‌ایم که هر دو کشور نسبت به تجهیز و ساخت بیمارستان در کشورهای خود برای خرید محصول بلوک‌های ضداشعه ابراز تمایل کرده‌اند. علاوه‌براین، یمن هم جزء کشورهایی است که به دلیل تقویت ساخت‌وساز بیمارستانی در این کشور، تمایل زیادی به واردات این بلوک‌ها دارد.»

ضدآب‌کردن بنا با افزودنی‌های آب‌گریز

شرکت فناور «پرتوپژوهان کاشان» همچنین در محصول دیگری که در زمینه ساختمان تولید کرده، موفق به ساخت دو نمونه «افزودنی آب‌گریز» شده که یکی از آنها مخصوص ملات‌های سیمانی و دیگری مخصوص ملات‌های کاهگلی است. صادقی در توضیح این دو محصول به می‌گوید: «این دو محصول به نسبت یک به ۲۰ یا یک به ۳۰ یا حتی به نسبت یک به ۱۰ با ملات به صورت خشک مخلوط می‌شود. به‌عنوان مثال، یک کیلو از این ماده افزودنی آب‌گریز را در ۲۰ یا ۳۰ کیلو سیمان یا کاهگل می‌ریزند و سپس با افزودن آب و درنهایت با آماده شدن ملات، اجرا می‌شود. بعد از خشک شدن ملات، سطح و داخل ملات به‌طور کامل آب‌گریز می‌شود.» او تاکید می‌کند که این محصول برای نخستین بار است که در کشور تولید شده و مشابه خارجی آن تنها برای بتن وجود دارد و قابلیت استفاده برای ملات‌های سیمانی و کاهگلی را ندارد. پس از آب‌گریز شدن ملات، آب به هیچ عنوان به داخل آن نفوذ نمی‌کند. صادقی در ادامه می‌افزاید: «این افزودنی‌های آب‌گریز تفاوت اساسی با پوشش‌های آب‌گریز دارند؛ به این شکل که جزء محصولات شرکت، پوشش آب‌گریز هم داریم که به‌عنوان یک محلول روی یک سطح به‌عنوان مثال کاهگلی را می‌پوشاند که آن را آب‌گریز می‌کند. اما در این پوشش‌ها، چنانچه خراش یا آسیبی به پوشش وارد شود یا در اثر طوفان شن، محو می‌شود و عملا آب‌گریز بودن پوشش از بین می‌رود اما در استفاده از افزودنی‌های آب‌گریز، حتی اگر سطح مواد خراش بیفتد یا دچار آسیب شود، کل سطح زیرین آن هم آب‌گریز است و خللی به آن وارد نمی‌شود. این افزودنی آب‌گریز برای مناطقی چون کاشان، یزد و مناطقی که از کاهگل در ساخت‌وسازها استفاده می‌شود، بسیار کاربردی است. با توجه به اینکه در ساختمان‌سازی، تمایل به استفاده از نماهای سنتی کاهگلی افزایش یافته، با این محصول به خوبی می‌توان آن را مقاوم کرد. اما گاهی در بازار کاهگل‌هایی تحت عنوان کاهگل آب‌گریز یا ضدآب فروخته می‌شود که درواقع، پلیمر هستند و کاهگل نیستند.»

او ادامه می‌دهد: «در شمال کشور معمولا نمای غربی ساختمان‌ها را به دلیل برخورد مداوم باران، ایزوگام می‌کنند تا از نفوذ آب باران به داخل ساختمان جلوگیری کنند. زیر ایزوگام حتما باید پلاستر شود و اگر به نسبت یک به ۲۰ از افزودنی‌های آب‌گریز در پلاستر مورد استفاده قرار گیرد، دیگر نیازی به استفاده از ایزوگام ندارد و از نظر زیبایی هم نقش موثری در نمای غربی ساختمان‌ها ایفا می‌کند و در عین اینکه قیمت کم‌تری دارد، نمای زیباتری را به شما ارائه می‌دهد. از این افزودنی‌های آب‌گریز حتی در بندکشی دیوار سرویس‌های بهداشتی هم می‌توان استفاده کرد. جوهرنمک که معمولا در نظافت سرویس‌های بهداشتی به کار می‌رود، خورنده سیمان است و با آن واکنش می‌دهد. اما افزودنی‌های آب‌گریز بر استفاده از سیمان در چنین فضاهایی ارجحیت دارد به‌طوری‌که ضد اسید، ضد بازی و ضد UV است و زمانی که به نسبت یک به ۵ با این ترکیب، ملات را آماده و بندکشی کنید، بعد از خشک شدن، نه با مواد شوینده واکنش می‌دهد و نه جرمی روی آن می‌نشیند؛ چراکه خاصیت خودتمیزشوندگی هم دارد. درواقع افزودنی آب‌گریز از سیمان محافظت کرده و مانع از واکنش آن نسبت به مواد شوینده اسیدی می‌شود.» صادقی ادامه می‌دهد که همین فرآیند را در بندکشی دیواره‌ها هم می‌توان انجام داد. اتفاقی که معمولا در دیواره‌های سرویس‌های بهداشتی رخ می‌دهد، این است که آب از بندها به پشت سرامیک نفوذ کرده و باعث ایجاد شوره می‌شود و حتی باعث ریختگی بندها می‌شود که استفاده از این افزودنی‌های آب‌گریز می‌تواند مشکل را برطرف کند. در حمام برای اطمینان بیشتر از عدم نفوذ آب، می‌توان در دوغابی که پشت سرامیک‌ها استفاده می‌شود، از این افزودنی‌های آب‌گریز به کار برد تا حتی در صورت نفوذ آب از بندها، نتواند از دیواره‌ها عبور کند. هم اجرای آن آسان‌تر است و هم قیمت مناسب‌تری نسبت به ایزوگام دیوارها دارد. این محصول به تازگی حدود ۶ ماه است که تاییدیه‌های خود را دریافت کرده و به تجاری‌سازی و انبوه‌سازی نیز رسیده.» او عنوان می‌کند که در حال حاضر در شمال کشور فعالیت تجاری خود را آغاز کرده‌ایم و تقاضای زیادی برای صادرات این محصول به سنگال و آفریقای جنوبی و حتی روسیه وجود دارد و قرار است به‌زودی رایزنی‌هایی در این رابطه انجام شود.

تصفیه آب و پساب با روش جدید کاویتاسیون

آب‌های آلوده و پساب‌های صنایع و کارخانه‌ها ازجمله مهم‌ترین آلاینده‌های زیست‌محیطی به شمار می‌روند که در صورت عدم مدیریت و تصفیه درست، با ورود به محیط‌زیست قادرند مشکلات بهداشتی زیادی برای انسان و گونه‌های جانوری و گیاهی ایجاد کنند. در این میان، محققان یک شرکت فناور در حوزه نانو موفق به ابداع تازه‌ترین روش تصفیه آب و پساب در دنیا شده و آن را بومی‌سازی کرده‌اند. شرکت فناور «بستا نانوفناوران فیدار» دستگاه کاویتاسیون هیدرودینامیکی چرخشی را ابداع کرده که کار تصفیه آب و پساب را به شیوه‌ای نوین انجام می‌دهد. سیدامیرعباس کاشانچی، مدیر فنی این شرکت درباره عملکرد این دستگاه به «فرهیختگان» می‌گوید: «داخل دستگاه کاویتاسیون، یک «روتور استاتور» است که چرخش آن، اختلاف فشار ناگهانی ایجاد کرده و باعث تشکیل نانوحباب‌ها می‌شود. کاویتاسیون یک پدیده فیزیکی و مکانیکی است که با اختلاف فشار ناگهانی رخ می‌دهد و نانوحباب‌هایی با انرژی فوق‌العاده زیاد تولید می‌کند. داخل این نانوحباب‌ها دمایی بین ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ درجه سانتی‌گراد و نیز فشاری ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ بار وجود دارد. این نانوحباب‌ها از آنجایی که عمر زیادی ندارند، داخل رآکتور کاویتاسیون رشد می‌کنند و سپس می‌ترکند و این‌گونه انرژی زیاد خود را داخل محلول یا پسابی که داخل رآکتور است، تخلیه می‌کنند. از این رو، شاید دمای اولیه این رآکتور ۱۵ تا ۲۰ درجه باشد اما ممکن است بعد از نیم ساعت و به دنبال آزاد شدن انرژی نانوحباب‌ها، به ۱۰۰ درجه سانتی‌گراد هم برسد. این کار باعث از بین بردن مواد رنگ‌زا و آلی و نیز از بین بردن آنزیم‌ها و میکروارگانیسم‌ها، آرسنیک‌زدایی از آب و گوگردزدایی از نفت و... می‌شود.»

مدیرفنی این شرکت عنوان می‌کند: «این دستگاه کاویتاسیون در حوزه‌های مختلفی چون آب و پساب، فرآوری مواد غذایی، نساجی، نفت و پتروشیمی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما در حال حاضر به دلیل به خطر افتادن محیط‌زیست بر اثر ورود حجم بالای آب و پساب، شرکت ما تمرکز خاصی روی تصفیه آب و پساب کرده است. یکی از ویژگی‌های این دستگاه عدم استفاده از مواد شیمیایی است به‌طوری که فرآیند تصفیه در این دستگاه کاملا به صورت زیستی انجام می‌شود. ما با این روش توانسته‌ایم COD (آلوده‌ترین ماده موجود در پساب) حدود ۲۰ هزار را بین ۶۰ تا ۷۰ درصد کاهش داده و تا حدود ۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰ پایین بیاوریم که به‌مرور تصفیه پساب باعث روشن‌تر شدن رنگ آب باقی مانده می‌شود.» کاویتاسیون، به‌روزترین و جدیدترین روش برای تصفیه آب و پساب در دنیا به شمار می‌رود. این دستگاه به صورت سیرکوله (سیکلی) کار می‌کند البته بسته به پسابی که باید تصفیه شود، می‌توان به‌طور مداوم هم از این دستگاه استفاده کرد. به گفته کاشانچی، این دستگاه از یک مخزن اصلی تشکیل شده که در نمونه‌های صنعتی، یک مخزن اولیه و مخزن ثانویه هم در کنار آن تعبیه می‌شود. در نمونه‌های صنعتی، آب و پساب به‌طور خودکار وارد این مخزن شده و به صورت پمپی بعد از تصفیه، تخلیه شده و دوباره مواد پساب خام بارگیری می‌شود.

او ادامه می‌دهد: «برخی پساب‌ها، بسته به نوع پساب و غلظتی که دارند، نیاز به گردش جریان در زمان‌های مختلفی پیدا می‌کنند و برخی پساب‌ها نیز به‌طور تداومی تصفیه می‌شوند. در این روش، دیگر مخزنی در دستگاه وجود ندارد و مستقیم در جلوی راه پساب، رآکتور کاویتاسیون را قرار می‌دهیم که تصفیه شده و به سیکل شرکت بازمی گردد. کاویتاسیون داخل رآکتور کاویتاسیون انجام می‌شود. گاهی نیاز است این فرآیند تصفیه را بارها انجام داد تا مایع باقی مانده کاملا شفاف ایجاد شود. از ویژگی‌های مهم دستگاه کاویتاسیون تولید شده می‌توان به خاصیت سفارشی‌سازی شدن آن اشاره کرد که طبق نیاز مشتری و در ابعاد مختلف می‌توان آن را تولید کرد بدون اینکه بازدهی و بهره‌وری آن کم شود.» کاشانچی اضافه می‌کند: «این دستگاه کاویتاسیون در فرآیند تصفیه، یا لجن تولید نمی‌کند یا اینکه حجم لجن تولید شده بسیار پایین است و رادیکال‌های OH که داخل رآکتور کاویتاسیون تولید می‌شود، باعث اکسیداسیون شدید مواد شده و درنهایت با تبدیل به گاز و انرژی از بین می‌روند. مایع شفاف تصفیه‌شده‌ای که توسط این دستگاه تولید می‌شود، بسته به کالیبراسیونی که انجام می‌شود، به مخزن ثانویه یا سیکل آبی شرکت برمی‌گردد که هم در مصرف آب صرفه‌جویی می‌کند و هم محیط‌زیست به خطر نمی‌افتد یا اینکه در بخش کشاورزی یا محیط‌زیست از آن استفاده می‌شود.»

او اشاره می‌کند که تصفیه پساب شرکت‌های مختلف بسته به اینکه میزان آلاینده‌های موجود در پساب‌ها متفاوت است با روش‌های مختلفی در رآکتور کاویتاسیون قابل تصفیه است. به‌عنوان مثال در تصفیه پساب فلزات سنگین، می‌توانیم به صورت اکسید و با استفاده از جاذب‌های خاص، از داخل پساب جداسازی کنیم یا اینکه ته‌نشین شوند. یکی از مهم‌ترین کارهایی که در تصفیه پساب در صنایع نفت انجام می‌شود، گوگردزدایی از نفت است. در حال حاضر، گوگرد در صنایع نفتی به روش‌های زیستی و شیمیایی شدیدی انجام می‌شود که هم زمانبر و هم هزینه‌بر است اما با انجام روش کاویتاسیون، به‌راحتی می‌توان گوگردزدایی از نفت را انجام داد و گوگرد را کاملا اکسید کرد. مدیر فنی این شرکت فناوری مدعی است که نمونه مشابهی از دستگاه کاویتاسیون در داخل کشور تولید نمی‌شود اما نمونه‌های خارجی آن در دنیا وجود دارد اما وارداتی از این دستگاه در داخل کشور نداریم و ما با تولید و بومی‌سازی این دستگاه توانسته‌ایم نیاز داخل را برآورده کنیم.

فعالان محیط‌زیستی معتقدند شنزارهای خوزستان نیازی به مالچ‌پاشی ندارند

مالچ‌پاشی بوسه مرگ به کرخه

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

در چند روز اخیر، فعالان محیط‌زیستی خوزستانی کارزار «نه به مالچ‌پاشی» به راه انداختند و در فضای مجازی تا جایی که در توان‌شان بود از مضررات این اقدام سخن گفتند. پروژه مالچ‌پاشی از دهه ۴۰ و برای تثبیت شنزارها استفاده شد. مالچ آخرین فرآورده نفتی است. در چند دهه گذشته از مالچ برای تثبیت شنزارهای خوزستان و سپس کاشت گونه‌هایی مانند کهور استفاده می‌شد. در پروژه مالچ‌پاشی سال ۱۴۰۲ به وسعت ۹۰۰ هکتار، علاوه‌بر نهال کهور از اکالیپتوس، آکاسیا و اسکنبیل استفاده خواهد شد. طرفداران مالچ‌پاشی بر این باورند مالچ باعث تثبیت شنزارها می‌شود اما فعالان محیط‌زیستی معتقدند شنزارهای غرب کرخه نه‌تنها نیازی به مالچ‌پاشی ندارند، بلکه مالچ باعث از بین رفتن اکوسیستم طبیعی موجود در آن منطقه خواهد شد. پروژه مالچ‌پاشی در خوزستان از سوی منابع طبیعی این استان درحال اجراست. وحید جعفریان، مدیرکل امور بیابان و مراتع سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در این باره گفت: «امسال آخرین سال استفاده از مالچ نفتی در خوزستان برای تثبیت کانون‌های بحرانی خسارت‌زاست. این استان ظرفیت‌های قابل توجهی برای اجرای پروژه‌های بادشکن دارد، بنابراین با تمهیدات اندیشیده شده با اتمام کارمان در این کریدور از سال آینده فقط از روش بادشکن استفاده می‌کنیم. در گذشته مالچ نفتی بر پایه مازوت تهیه می‌شد. مازوت ترکیبات آروماتیک، فرار و مواد واکسی و چرب دارد و محصول ارائه شده از سوی پالایشگاه‌های دولتی مورد نقد جدی سازمان منابع طبیعی بود. درحال‌حاضر پروژه مالچ‌پاشی به‌طور کلی از پایه مازوت تغییر پیدا کرده و براساس «وکیوم باتوم» که از ماده اولیه قیر است، تهیه می‌شود.»

مدیرکل امور بیابان و مراتع سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور همچنین تاکید کرد: «از نظر فنی این موضوع بسیار قابل اهمیت است؛ چراکه وکیوم باتوم ماده‌ای است که در دمای بالا در شرایط خلا در برج تقطیر در پالایشگاه‌ها ایجاد می‌شود و ماده‌های فرار و مضر که ممکن است در طبیعت اثراتی سوئی داشته باشد را حذف کرده است و در سطوح قابل توجهی در صنعت، کشاورزی، راه‌سازی، زندگی شهری و روستایی استفاده می‌شود و به‌لحاظ اینکه مواد مبتنی‌بر پایه وکیوم باتوم و قیر از دیرباز در توسعه منابع زیست انسانی کاربرد داشتند، تحقیقات بسیار گسترده‌ای درباره اثر آنها بر سلامت انسان و محیط زیست از حدود ۱۰۰ سال گذشته تاکنون انجام شده است، بنابراین وکیوم باتوم و قیر قابل مقایسه با سایر مواد نیست. توقف مالچ‌پاشی بر پایه مازوت و اصلاح ترکیب مالچ نفتی مبتنی‌بر ملاحظات زیست‌محیطی موضوعی است که نباید از آن غفلت کرد، چون مردم فقط یک ماده سیاه‌رنگ را می‌بینند و دغدغه‌هایی دارند که طبیعی است، اما واقعا انقلابی در زمینه ارتقای کیفیت مالچ نفتی چه از نظر اثربخشی در ارتباط با احیای پوشش گیاهی چه از نظر تقلیل خسارت‌های احتمالی به محیط زیست صورت گرفته است.»

دنیا از تثبیت شنزارها از طریق مالچ‌پاشی عبور کرده است

محمد درویش در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره مالچ‌پاشی گفت: «در سال ۸۴ مطالعاتی را همراه با یکی از همکارانم در موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع انجام دادم. درواقع تمام تجربه‌های مالچ‌پاشی در دنیا را گردآوری کردیم و به این نتیجه رسیدیم مضررات مالچ‌پاشی بیشتر از منافع آن است و موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع به‌صورت آشکار و مشخص توصیه کرد ما استفاده از خاک‌پوش‌های نفتی برای تثبیت ناهمواری‌های ماسه‌ای را باید کنار بگذاریم. یک مطالعه دیگر توسط همکارانم در کاشان هم صورت گرفت. او نیز به همین نتیجه رسید. اکنون هم حمیدرضا عباسی در بخش تحقیقات بیابان موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع باز هم تحقیقات مشابهی انجام داده و به همین نتیجه رسیده است. اصولا ما در مناطقی که میانگین ریزش‌های آسمانی بالای ۷۰ میلیمتر بوده، کافی است اجازه ورود دام به منطقه را ندهیم تا پوشش‌های طبیعی منطقه بتوانند سطح ناهمواری‌های ماسه‌ای را بگیرند و تثبیت کنند.»

این فعال محیط‌زیست ادامه داد: «بنابراین نیازی به مالچ نفتی وجود ندارد. در مناطقی که زیر ۷۰ میلیمتر بارندگی دارند و در کنار مناطق مسکونی یا تاسیسات راهبردی هستند، در آن مناطق باید از تکنیک‌های خاک‌پوش استفاده کنیم که باز هم خاک‌پوش‌های بیولوژیک به مراتب خردمندانه‌تر، بهتر و اقتصادی‌تر است. دنیا نیز خاک‌پوش‌های نفتی را کنار گذاشته است و استفاده نمی‌کند؛ چراکه خاک‌پوش‌های نفتی سطح خاک را تیره می‌کنند و اشعه خورشید را افزایش می‌دهند. وقتی پاشیده می‌شود، میزان نفوذ عمودی آب در خاک را کاهش می‌دهد و تبخیر افزایش پیدا می‌کند. منجر به آلایندگی سطح خاک و گیاهان می‌شود و موجوداتی که از اینها تغذیه می‌کنند را آزار می‌دهند و باعث مرگ موجودات می‌شوند. درنهایت افت کیفیت آب و خاک منطقه را شاهد می‌شویم.»

شناسایی ۹۰۰ هکتار از شنزارهای غرب کرخه برای مالچ‌پاشی

از جمله انتقادهای جدی فعالان محیط‌زیست به مالچ‌پاشی، آسیب مالچ به اکوسیستم طبیعی منطقه است. احمد زالی، فعال محیط‌زیست خوزستانی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «مالچ ماده‌ای قیر مانند است و در فرآورده‌های نفتی، مرحله آخر است و چون استفاده‌ای ندارد، به‌صورت رایگان در اختیار سازمان منابع طبیعی قرار می‌گیرد که این کار را انجام دهد. منابع طبیعی این عملیات را تقریبا از دهه ۴۰ برای تثبیت شن‌های روان انجام می‌داد. جایی که شن‌ها حرکت می‌کنند، دمای مالچ بالا می‌رود، مالچ پاشیده می‌شود و در آخر به دانه‌های شن می‌چسبد. پس از گذشت مدتی از مالچ‌پاشی، کهور پاکستانی یا آمریکایی کاشته می‌شود. این گونه غیربومی است. به اعتقاد منابع طبیعی، آنها جنگل دست کاشت درست می‌کنند. چند نقطه‌ای نیز همین عملیات اجرا شده و این فرآیند طی چند دهه تکرار شده است. با تمام توان هم سعی دارند بگویند انجام این عملیات درست بوده و آثار خوبی به‌جای گذاشته است. همچنین به تثبیت شن‌ها، روستاها و دام‌ها و حیات وحش هم کمک کرده و این دیدگاه سازمان منابع طبیعی است.» زالی ادامه داد: «اکنون مدنظرشان است که قسمت‌هایی از غرب کرخه حدود ۹۰۰ هکتار مالچ‌پاشی شود. غرب کرخه در حوزه شهرستان کرخه و حمیدیه است. یک قسمتی است به نام خسرج. یکی از شرایط جوی بیابان‌ها کم‌بارشی است اما از نظر ما فعالان محیط‌زیستی، بیابان‌ها و اکوسیستم‌های نیمه‌بیابانی خوزستان برخلاف سایر مکان‌های مشابه دیگر این مناطق کمبود بارش ندارند. این منطقه اصولا شن روان نیست و خیلی جاهایش هم پوشش گیاهی دارد. ممکن است قسمت‌هایی از آن پوشش گیاهی اندکی داشته باشد اما اصلا حرکت نمی‌کند. تعدادی از شخصیت‌های علمی مطرح مانند حمیدرضا عباسی اشاره کرده است شنزارهای خوزستان، نیازی به مالچ‌پاشی ندارند.»

این شنزار اکوسیستم منحصربه‌فردی دارد

این فعال محیط‌زیستی همچنین تصریح کرد: «اصل مساله نیز به این باز می‌گردد که این اکوسیستم، گونه‌های جانوری منحصربه‌فردی دارد. مثل آگامای سروزغی اهواز که بوم‌زاد منطقه است. همچنین افعی شاخ‌دار عربی، اسکینک شنزار ماهی و بسیاری جانور دیگر در آن اکوسیستم زندگی می‌کنند. اینها خزندگان هستند. از پرندگان نیز گونه هوبره را داریم که پرنده حمایت شده ملی و جهانی است. همچنین خروس‌کولی ابروسفید که این گونه در خطر انقراض قرار دارد. این پرنده وضعیت خطری در حد یوزپلنگ دارد. آهوی شنی نیز گونه‌ای خاص و با تعداد بسیار کم در کشور است که در این اکوسیستم زندگی می‌کند. این گونه‌ها در آنجا زندگی می‌کنند و چند هزار سال است که این شنزارها در خوزستان هستند و نیازی به مالچ‌پاشی ندارند. اینها یک اکوسیستم مانند جنگل، رودخانه، تالاب و... هستند. اینکه پوشش گیاهی کمی دارند هم امری طبیعی است ولی گونه‌های منحصربه‌فردی دارند.» زالی همچنین در ادامه عنوان کرد این منطقه هم مرز منطقه حفاظت شده میشداغ است و قطعا حیوانات و گونه‌های جانوری از مرزهای انسانی عبور می‌کنند. او ادامه داد: «ما معتقدیم منطقه نیازی به مالچ‌پاشی ندارد؛ چراکه گونه‌های جانوری منطقه توسط مالچ از بین می‌روند. زیرا ماده‌ای مانند قیر با دمای ۱۳۰ درجه روی ماسه‌ها پاشیده می‌شود. اکثر خزنده‌ها و خصوصا مارها در این فصل خواب هستند و با مالچ همه آنها نابود می‌شوند. همچنین آن منطقه نیاز به راهکار خاصی برای تثبیت شن ندارد زیرا روستا و سکونتگاه انسانی در آن منطقه نیست. برای همین باز هم تاکید دارم آن منطقه نیازی به مالچ‌پاشی ندارد.»

شنزارهای خوزستان، کانون ریزگرد نیستند

یکی از ادعای منابع طبیعی این است اگر مالچ‌پاشی انجام نشود، شن‌های منطقه تبدیل به ریزگرد می‌شوند. زالی در پاسخ به این ادعا گفت: «مساله اساسی ما این است که آنجا کانون ریزگرد نیست. کانون‌های ریزگرد توسط ستاد مبارزه با تغییرات اقلیمی اعلام شده که ۱۳ نقطه است و این نقطه جزء آن نیست. این بودجه‌ای که گفته می‌شود ۱۴۵ میلیارد برای مالچ‌پاشی درخواست شده، ستاد ملی گردوغبار در اختیار منابع طبیعی استان قرار نداده است زیرا آنجا کانون ریزگرد نیست. دانه‌های شن به اندازه‌ای درشتند که به این سادگی‌ها حرکت نمی‌کنند و به گفته کارشناسان سالی یک الی دو متر جابه‌جا می‌شوند. همچنین کانون‌های ریزگرد و گردوغبار عموما اراضی آب‌گیر بودند و خشک شده‌اند. مانند تالاب‌ها و زمین‌های کشاورزی یا زمین‌های اطراف تالاب، اما اینجا هیچ ارتباطی به ریزگردها ندارد و این منطقه شنزار است. شن‌ها درشتند و حرکت بسیار کمی دارند. بسیاری از مناطق هم پوشش گیاهی دارند و مناطق کمی پوشش گیاهی کمتری دارند. اما دور تا دور این منطقه به‌طور کامل پوشش گیاهی دارد.»

زالی همچنین درباره پوشش گیاهی ایجاد شده از طریق گونه‌های غیربومی نیز افزود: «قسمت‌هایی از منطقه درخت غیربومی کاشته شده است. ادعای منابع طبیعی این است که پوشش گیاهی موجود توسط آنها ایجاد شده اما ما تصاویری داریم که نشان می‌دهد این منطقه به‌طور طبیعی پوشش گیاهی داشته است. آنجا گزشاهی، اسکنبیل و دیگر گونه‌هایی است که در آن منطقه دوام می‌آورند. ادعای منابع طبیعی این است که با کهورهای کاشته شده این پوشش گیاهی ایجاد شده است، اما این‌گونه نیست؛ هر چند پوشش اندک است اما پوشش گیاهی داشته.» زالی در ادامه اشاره کرد که بهانه منابع طبیعی برای مالچ‌پاشی منطقه این است که آنجا یکی از کانون‌های ریزگرد است. او در ادامه افزود: «پس از رسانه‌ای شدن این ادعا و به‌طور کل مالچ‌پاشی، از این ادعای‌شان کوتاه آمدند. اکنون گفته می‌شود که با مالچ‌پاشی قصد کمک به روستاییان منطقه را دارند، اما واقعیت این است آنجا روستایی وجود ندارد. مدیرکل منابع طبیعی خوزستان در برخی گفت‌وگوهایش گفته است ۱۴۵ میلیارد تومان برای مالچ‌پاشی تخصیص داده شده و اگر مالچ‌پاشی انجام نشود، این اعتبار باز می‌گردد.»

درخت‌های غیربومی؛ قاتل حیات‌وحش منطقه

او همچنین درباره کاشت درختان غیربومی در منطقه گفت: «گونه‌ای که برای کاشت انتخاب شده یعنی گونه کهور گونه‌ای غیربومی و مهاجم به حساب می‌آید. مهاجم از منظر اینکه در رقابت با گونه‌های بومی، بسیار قوی‌تر عمل می‌کند و فرصت رشد را از گونه‌های بومی می‌گیرد. در حاشیه پارک ملی و منطقه حفاظت‌شده کرخه، کهور کاشته شد. پس از گذشت دو دهه این کهورها به‌صورت خودرو به منطقه حفاظت شده رسیدند و رشد بسیار زیادی کردند. اکنون منطقه بومی و حفاظت‌شده هم از گونه مهاجم کهور در امان نمانده و یکی از خطرات گونه‌های غیربومی این است که جنگل طبیعی را از بین می‌برد. این هم یکی از ایرادات کاشت گونه غیربومی است.»

زالی در رابطه با تثبیت شنزارهای غرب کرخه معتقد است اصولا این شنزارها نیازی به مالچ‌پاشی ندارد. او تصریح کرد: «ما در سال ۹۸ که نزدیک همین منطقه مالچ‌پاشی انجام می‌شد، باز هم مخالفت کردیم. نمونه مالچ را در آزمایشگاه بررسی کردیم که حاوی ترکیبات سمی بود. مطالعات بسیاری انجام شده و نتیجه آن مطالعات این است که مالچ‌پاشی به‌نفع منطقه نیست. یکی از اشکالات این است که این آقایان دارند اکوسیستمی طبیعی را از بین می‌برند و درحال تبدیل به اکوسیستمی مصنوعی هستند. مثلا گونه‌ای مانند افعی شاخ‌دار، در طول روز خودش را زیر شن‌ها پنهان می‌کند. به‌طور کل زیست آن بسته به همین شنزار است حتی اگر از طریق مالچ کشته نشوند وقتی گونه گیاهی غیربومی بکارند، از طریق اکوسیستم مصنوعی کشته می‌شوند. این مالچ‌پاشی و درختکاری اکوسیستم طبیعی را از بین می‌برند. ادعا می‌کنند به حیات‌وحش کمک می‌شود، اما چه گونه‌هایی افزایش پیدا می‌کنند؟ شغال، قمری، گربه جنگلی و روباه. گونه‌هایی که در رده‌بندی‌های سازمان جهانی حیات‌وحش کمترین نگرانی را دارند.»

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

نوبت اول
شرکت ملی گاز ایران
شرکت دولتی پالایش گاز پارسیان
فراخوان ارزیابی کیفی
شرکت پالایش گاز پارسیان در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی دومرحله‌ای خرید قطعات یدکی زیمنس به شماره ۲۰۲۰۹۲۴۱۶۰۰۰۰۵۰ را ازطریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، ازطریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۰۹ می‌باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.
مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: ۱۸:۳۰
روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۷
مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: ۱۸:۳۰
روز پنجشنبه تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۳
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گذار: آدرس استان فارس–شهرستان مهر–شرکت پالایش گاز پارسیان (کد پستی: ۷۴۴۹۱۸۴۸۳۱) و تلفن ۳۶ الی ۵۲۷۲۴۱۳۴-۰۷۱
نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷
نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴
روابط عمومی شرکت دولتی پالایش گاز پارسیان
شماره شناسه ۱۶۵۹۷۷۰

آگهی مزایده عمومی
آگهی مزایده عمومی فروش منازل مسکونی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد کهنوج در نظر دارد تعداد ۵ باب ساختمان مسکونی به شماره پلاک‌های ۱۰۹۸-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۸۳ و ۱۰۹۹ واقع در شهرک ولیعصر خیابان شهید مطهری کوچه ۴ با امکانات آب و برق از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجدالشرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده و بازدید از ساختمان‌ها و قیمت پایه و مشخصات ساختمان‌ها، در ساعات اداری به دفتر مدیرکل توسعه و مدیریت منابع دانشگاه آزاد اسلامی واحد کهنوج مراجعه نمایند.
مهلت شرکت در مزایده حداکثر ۱۰روز کاری از زمان انتشار آگهی روزنامه می‌باشد و به پیشنهاداتی که خارج از مهلت قانونی تحویل داده شود ترتیب اثر داده نمی‌شود. ضمنا هزینه درج آگهی، نقل و انتقال، عوارض، مالیات و ... برعهده برندگان مزایده خواهد بود و دانشگاه در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است.
تلفن تماس: ۰۹۱۳۹۹۸۵۴۴۱ و ۰۹۱۳۱۹۸۶۵۶۳
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کهنوج

آگهی مزایده عمومی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان در نظر دارد یک دستگاه فرز انیورسال مدل M۳۲۱y (ساخت شرکت آرسنال کشور بلغارستان) را از طریق مزایده عمومی به بالاترین مبلغ پیشنهادی به فروش برساند. متقاضیان می‌توانند جهت بازدید از مال موضوع مزایده به آدرس: کاشان بلوار قطب راوندی خیابان استادان دانشگاه آزاد اسلامی کاشان مراجعه و جهت دریافت اسناد مزایده و کسب اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی www.iaukashan.ac.ir مراجعه نمایند و حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز کاری از تاریخ چاپ آگهی اسناد مربوطه را به صورت حضوری تحویل دبیرخانه دانشگاه یا از طریق پست پیشتاز به آدرس: کاشان بلوار قطب راوندی خیابان استادان کد پستی: ۸۷۱۵۹۹۸۱۵۱ ارسال نمایند. جهت شرکت در مزایده واریز مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت خرید اسناد و مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت تضمین شرکت در مزایده به شماره حساب ۰۱۰۶۳۵۳۰۸۷۰۰۴ به نام دانشگاه آزاد اسلامی کاشان یا ارائه ضمانتنامه بانکی معادل آن با اعتبار دوماهه الزامی است. هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد و دانشگاه در رد یا قبول هریک یا تمامی پیشنهادها مختار است. تلفن سایر اطلاعات: داخلی ۷۴۳-۰۳۱-۵۵۵۸۹۴۸۱ - ۰۹۱۳۲۶۱۳۸۴۹
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی کاشان

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

شانس ترامپ برای بازگشت به کاخ سفید موجی از نگرانی در غرب آفریده است

بازگشت ترامپ و نگرانی‌ها

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

همه‌نگران «بازگشت» ترامپند. بازگشت رئیس جمهور شکست خورده به رقابت‌های ریاست جمهوری آنقدر کم سابقه است که از سال ۱۸۹۲ تا پیش از رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴، تنها یک نفر (گروور کلیولند) پس از از دست دادن قدرت، نامزد انتخابات شده است. ترامپ دومین رئیس جمهوری است که می‌خواهد دوباره به قدرت بازگردد. این پدیده ریشه در شناسایی او به عنوان فردی «بدقلق»، «بدخلق»، با تفکرات و رفتارهای «عجیب» دارد. به موازات نگران‌کننده بودن چنین صفاتی، طرفداران رئیس جمهور سابق آمریکا او را اتفاقا به همین خاطر دوست دارند. پیوند شگفت‌آور میان ترامپ و طرفدارانش پدیده‌ای خطرناک می‌آفریند. یک طرف عجیب است و طرفدارانش نیز او را به خاطر این ویژگی دوست دارند.

روزنامه نیویورک تایمز اخیرا گزارش کرده مقامات آلمانی نگرانند ترامپ بار دیگر به کاخ سفید راه یابد. در این صورت برلین می‌ترسد سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) جان سالم به در نبرده و به شدت توسط ترامپ تضعیف شود؛ اگر آن‌گونه که جان بولتون مشاور امنیت ملی ترامپ گفته، وی از این پیمان به‌طور کامل خارج نشود.

ترامپ ماه گذشته به حامیانش در لاس‌وگاس گفته بود آمریکا از ناتو منفعت چندانی نمی‌برد و تنها هزینه‌هایش بر عهده واشنگتن است اما در صورت نیاز اقدامی برای کمک به کشورمان نمی‌کند. علاوه بر موضوع روابط نظامی میان کشورهای غربی، روابط اقتصادی نیز در معرض تهدید است. ترامپ در دوران ریاست جمهوری خود پس از آغاز جنگ تجاری با چین، چنین جنگی را با اتحادیه اروپا نیز آغاز کرد و این مجموعه را دشمن آمریکا خواند. او حتی ادعا کرده بود اروپا «بدتر» از چین با آمریکا رفتار کرده است.

کریستین لاگارد، رئیس بانک مرکزی اروپا و الکساندر دکرو، نخست‌وزیر بلژیک دو مقام برجسته اروپایی هستند که با افزایش اقبال به ترامپ در میان رای دهندگان اروپایی طی ماه‌های اخیر درباره خطر او موضع‌گیری کرده‌اند. لاگارد در مصاحبه با شبکه ۲ فرانسه، ترامپ را «تهدیدی بدیهی» برای اروپا خوانده است. الکساندر نیز در پارلمان اروپا خطاب به نمایندگان قاره سبز اعلام کرده بود ترامپ به کاخ سفید راه یابد دوباره «اروپا می‌ماند و خودش.»

عشق و نفرت با ناتو

اینکه ترامپ با ناتو دارای مشکل است موضوعی عیان به حساب می‌آید اما همچنان این تردید وجود دارد که وی با اصل سازمان دچار مشکل است یا خواهان تنظیم و تنبیه اعضای آن است که به وظایف خود عمل نمی‌کنند!

«تیری برتون» فرانسوی که مسئولیت بازار داخلی اتحادیه اروپا را در اختیار دارد، اخیرا به بیان خاطره‌ای از ترامپ پرداخته است. برتون گفته ترامپ در دیدار با «اورسولا فون» رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا در مجمع جهانی اقتصاد در داووس، در ژانویه سال ۲۰۲۰ به وی گفته بود درصورتی که اروپا مورد حمله قرار گیرد «ما هرگز برای کمک و حمایت شما نمی‌آییم.» برتون که در این دیدار حضور داشته اضافه کرده که ترامپ ناتو را سازمانی «مرده» خطاب کرده است.

این اظهارنظر باعث شده تا ترامپ از سوی ستاد انتخاباتی بایدن مورد انتقاد قرار گیرد اما موضع‌گیری دموکرات‌ها در حالی که قادر به تضمین عدم روی کارآمدن رئیس جمهور پیشین نیستند، باعث احیای اعتماد به آمریکا در میان متحدانش نمی‌شود.

با این حال دقیق‌تر شدن نسبت میان ترامپ نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. در ادامه نکاتی در این خصوص آورده شده است.

۱ ترامپ نمی‌خواهد ناتو را به شکل هیات مدیره‌ای اداره کند. او نمی‌خواهد براساس ساختار ناتو و هنجارهای آن عمل کند زیرا این‌گونه قدرت مانور آمریکا کاهش می‌یابد. به همین دلیل وی می‌کوشد با ایجاد هراس در ناتو، این سازمان را به دنبال خود کشانده و خواسته‌هایش را بر سازمان و اعضایش تحمیل کند.

۲ آمریکا ۳٫۲ تولید ناخالص داخلی خود را به امور دفاعی اختصاص می‌دهد درحالی‌که اعضای ناتو با وجود تعهد برای اختصاص دو درصد از تولید ناخالص داخلی خود برای این امور، از آن طفره می‌روند. ترامپ به دنبال معکوس کردن این روند است. از نگاه ترامپ، با افزایش بودجه نظامی کشورهای عضو ناتو، آنها پول بیشتری برای خرید سلاح و مشاوره نظامی از آمریکا هزینه خواهند کرد.

اینکه اعضای ناتو در ماموریت‌های مشارکت بیشتری داشته باشند، خود باعث می‌شود آنها نیازمند کسب آمادگی تسلیحاتی و آموزشی بیشتری باشند که آن هم می‌تواند تقویت‌کننده بهره‌مندی آمریکا از درآمدهای نظامی باشد. همچنین خون آمریکایی‌ها در عملیات‌ها کمتر به زمین ریخته می‌شود.

۳ ابعاد گستردگی امور نظامی و امنیتی آمریکا در سراسر جهان، از ابعاد مدیریتی این کشور فراتر رفته است. این عدم توازن زیان‌بار بوده است. به نظر می‌رسد انزواگرایان در آمریکا که ترامپ نیز گرایش‌هایی مانند آنها دارد، با درک این موضوع به دنبال کاستن از ابعاد فعالیت‌ها برای قابل مدیریت کردن آن هستند. برون‌سپاری مالی و عملیاتی در ماموریت‌های ناتو به آنها کمک می‌کند تا اشراف بیشتری بر عملکرد خود داشته باشند.

باید در نظر داشت این نگاه تنها مختص ترامپ نیست. توافق برای اختصاص دو درصد از تولید ناخالص داخلی اعضا به امور نظامی در اجلاس سال ۲۰۱۴ سران ناتو در ولز حاصل شد. همچنین احاله مسئولیت به متحدان از سال ۲۰۱۱ در دستور کار آمریکا قرار گرفته است. هر دو این موارد مربوط به دوران ریاست جمهوری باراک اوباما رئیس جمهور اسبق و دموکرات آمریکا هستند.

۴ با توجه به تلاش‌های آمریکا و به‌ویژه ترامپ برای کاستن از ابعاد گسترش نظامی و ماموریتی آمریکا در جهان با احاله مسئولیت، ناتو یک گزینه خوب برای اجرای این سیاست است. به نظر نمی‌رسد ترامپ درصدد نابودی ناتو باشد بلکه قصد دارد آن را بازتنظیم کند.

۵ سیاست‌های ترامپ در ناتو مزایای این سازمان برای اعضا را کاهش و برای آمریکا افزایش خواهد داد اما می‌تواند به بروز واکنش‌هایی منجر شود. دولت‌ها وقتی تردید و تعلل آمریکا در دفاع از خود را ببینند، تلاش می‌کنند با رقبا و شاید دشمنان خود به تفاهم برسند زیرا نمی‌توانند به واشنگتن در یک درگیری اتکا کنند. جوزف برامل، مدیر بخش اروپایی کمیسیون سه جانبه انستیتو مشاوره اقتصادی، امنیتی، سیاسی و استراتژیک معتقد است ترامپ اروپا را دشمن خود می‌داند. او پیشنهاد داده تنها راه خروج از نظم جهانی ترامپ استقلال و اتحاد اروپا است. اروپایی‌ها که از دوران ترامپ بر طبق تشکیل ارتش اروپایی کوبیده‌اند، با توقف کمک‌های آمریکا به اوکراین، بودجه ۵۰ میلیارد یورویی برای کمک به کی‌یف تدارک دیده و از عزم خود برای مقابله با روسیه حتی بدون آمریکا خبر داده‌اند.

داخل آمریکا

جو بایدن رئیس جمهور فعلی آمریکا در کمپین انتخاباتی‌اش در ایالت نوادا، بازگشت ترامپ به کاخ سفید را «هولناک» توصیف کرده است. بایدن که با توجه به هراس مردم آمریکا از ترامپ موفق شد یکی از بالاترین آرا را در تاریخ انتخابات ریاست جمهوری این کشور کسب کند، همانند دوره گذشته در حال حرکت روی ریل «ترامپ‌هراسی» است. با این وجود او به دلیل ضعف در مدیریت دولت در نظرسنجی‌ها از ترامپ عقب افتاده است. این عقب‌افتادگی از ترامپ که ظرفیت‌های نگران‌کننده بالایی دارد، از عجایبی است که بایدن با ضعف مدیریتی‌اش موفق شده آن را بیافریند. طبق نظرسنجی ملی ان‌بی‌سی نیوز، ترامپ در برخی زمینه‌ها ۲۰ درصد آرای بیشتری از بایدن کسب کرده است.

با وجود عملکرد تاسف‌بار بایدن که باعث افزایش شانس ترامپ برای پیروزی در انتخابات شده است، همچنان نگرانی‌های داخلی از وی بسیار عمیق هستند. این نگرانی‌ها را می‌توان در چند حوزه دسته‌بندی کرد:

۱ مخالفان ترامپ نگران هستند او با توجه به ادعایش مبنی بر تقلب در انتخابات و تحت فشار قرار گرفتن از سوی دستگاه قضائی پس از پایان ریاست جمهوری بکوشد از قدرت خود برای انتقام از رقبایش استفاده کند.

۲ ترامپ در ابتدای حضور در کاخ سفید، ریاست جمهوری مادام‌العمر را تحسین کرده بود. او این موضوع را در قالب تمجید از مادام‌العمر شدن ریاست جمهوری شی جینگ پینگ در چین، ابراز کرده بود. وی همچنین پس از شکست در انتخابات ریاست جمهوری با تحریک هوادارانش به هجوم علیه کنگره در حین تایید پیروزی بایدن از نیت و اراده خود برای باقی ماندن در قدرت به هر قیمت پرده برداشت.

مخالفان ترامپ می‌ترسند او با قرار گرفتن مجدد در راس قدرت تمام تلاش خود برای باقی ماندن در این سمت را به کار گیرد.

- ترامپ به هوادارانش قول داده بزرگ‌ترین عملیات اخراج مهاجران را از آمریکا به راه خواهد انداخت. ضدیت ترامپ با مهاجران همراه با حمایتش از گروه‌های راست‌گرای افراطی باعث خواهد شد محیط داخلی آمریکا بار دیگر مستعد آشوب شود؛ همانند آشوب‌هایی که به دنبال کشته شدن «جورج فلوید» سیاهپوست سراسر آرمیکا را در سال ۲۰۲۰ درنوردید.

پناهجویان افغانستانی؛ قربانی اختلافات طالبان و دولت پاکستان

سجاد عطازاده
مترجم

عقیل شاه، دانشیار دانشگاه جورج تاون ایالات متحده و نویسنده کتاب «ارتش و دموکراسی: سیاست نظامی در پاکستان» در مقاله‌ای با عنوان «قربانی جدید پاکستان، چگونه اخراج افغانی‌ها از سوی اسلام‌آباد می‌تواند نتیجه معکوس داشته و سبب تقویت طالبان گردد»، که در وب‌سایت فارن‌افرز منتشر شده، به بررسی اختلافات جاری موجود بین طالبان افغانستان و دولت پاکستان پرداخته است و بر این باور است که اخراج بیش از یک میلیون افغانستانی از خاک پاکستان که با هدف اعمال فشار روی طالبان افغانستان برای مقابله با گروه‌های ضد دولت پاکستان انجام می‌گیرد، احتمالا راه به جایی نبرده و شاید سبب تقویت طالبان افغانستان نیز شود. دولت پاکستان به‌طور بدنامی در عادات و وظایف حاکمیتی خود شهره به بی‌تفاوتی است؛ اما در ماه‌های اخیر با قدرت شگفت‌انگیزی دست به عمل زده است. در ماه اکتبر، دولت موقت تحت حمایت ارتش این کشور اعلام کرد که همه «اتباع غیرقانونی» - اشاره‌ای نه چندان پنهانی به میلیون‌ها پناهجوی افغان که در پاکستان زندگی می‌کنند - باید تا اول نوامبر این کشور را ترک کنند و در غیر این صورت با دستگیری و اخراج مواجه خواهند شد. البته روی کاغذ این دستور حداقل در حال حاضر، مشتمل بر همه پناهجویان افغان نمی‌شود؛ یک میلیون افغان دارای مجوزهای قابل تمدیدی هستند که به آنها اجازه تداوم اقامت در پاکستان را می‌دهد. ۸۰۰ هزار نفر هم کارت موسوم به «شهروند افغانستانی» دارند که به آنها حق موقت اقامت می‌دهد؛ البته این افراد از همه مصونیت‌های مربوط به پناهندگان در حقوق بین‌الملل برخوردار نیستند. با این حال، حدود ۱٫۷ میلیون افغانستانی فاقد مدارک مورد نیاز حتی برای اقامت موقت هستند. این گروه که شامل بیش از نیم میلیون نفری می‌شود که پس از بازپس‌گیری قدرت توسط طالبان در اوت ۲۰۲۱ از افغانستان گریختند، اکنون در تیررس مقامات پاکستانی قرار دارند.

از زمان سپری شدن ضرب‌الاجل ماه نوامبر، مقامات محلی و پلیس سرکوب بی‌سابقه‌ای را در سراسر کشور آغاز کرده‌اند. آنها افغان‌ها را به شمول افراد دارای مدارک قانونی، مورد آزار و اذیت و بازداشت غیرقانونی قرار داده و اموال آنها را نیز ضبط و تخریب کرده‌اند. این کارزار بی‌امان هزاران پناهجوی افغانستانی را مجبور کرده است که زندگی زیرزمینی بیابند. تخمین زده می‌شود که ۴۵۰ هزار افغانستانی از بیم امنیت خود، به افغانستان و سرنوشت نامعلوم خود در کشوری که روزی از آن گریخته بوده‌اند، بازگردند.

این سرکوب ارتباط چندانی با مهاجرت غیرقانونی یا میزبانی تعداد زیادی از پناهندگان ندارد و در حقیقت نمودی از اختلاف فزاینده بین اسلام‌آباد و رژیم حاکم در کابل است. از سال ۲۰۲۱، پاکستان با موجی از حملات گروه موسوم به «تحریک طالبان» (که از آن به عنوان طالبان پاکستانی یا تی‌تی‌پی نیز یاد می‌شود) روبه‌رو شده است. این گروه شبه‌نظامی اسلام‌گرا و متمایز اما مرتبط با طالبان افغانستان، بیش از ۱۵ سال است که با استفاده از پناهگاه‌های امن در داخل خاک افغانستان به اهدافی در پاکستان حمله می‌کند؛ روندی که از سال ۲۰۲۱ هم شدت یافته است. پاکستان بیهوده تلاش کرده تا طالبان افغانستان، متحد سابق خود را وادار کند تا تی‌تی‌پی را مهار کند؛ اما طالبان با آنها به‌طور کامل همکاری نکرده و در عوض از اسلام‌آباد خواسته است که با تحریک طالبان پاکستان مذاکره کند و به خواسته‌های این گروه توجه کند.

در حقیقت تهدید تروریسمی که پاکستان با آن روبه‌رو است زاده یکی از تصمیمات نسنجیده خود آن برای حمایت از طالبان افغانستان است؛ آن هم در شرایطی که نیروهای این کشور در نبرد با نوع پاکستانی طالبان بودند. اسلام‌آباد که دیگر مستأصل شده است، اکنون افغانستانی‌ها را بیرون می‌کند تا بحران انسانی جاری در آن سوی مرزها را تعمیق کند و کابل را تحت فشار قرار دهد؛ اما این سیاست ممکن است برای دولت پاکستان نتیجه معکوس به همراه آورد و تنها ثمره آن ایجاد هرج‌ومرج بیشتر باشد؛ آن هم درحالی‌که انسان‌ها به یک توپ فوتبال سیاسی تبدیل می‌شوند و به آن سوی مرزها پرتاب می‌شوند.

استقبال سرد

هنگامی که شوروی در سال ۱۹۷۹ به افغانستان حمله برد، بسیاری از افغانستانی‌ها به پاکستان (و ایران) گریختند. بسیاری دیگر نیز زمانی که طالبان برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ به قدرت رسیدند به پاکستان پناه آوردند. آخرین موج نیز پس از بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱ رخ داد. اگرچه پناهجویان افغان در ابتدا در پاکستان مورد استقبال قرار گرفتند، اما نگرش عمومی نسبت به آنها در طول زمان بدتر شده است؛ به‌ویژه در مراکز شهری مانند کراچی که بزرگ‌ترین کلانشهر این کشور به شمار می‌رود؛ جایی که تمرکز آنها سبب ایجاد اضطراب اقتصادی بی‌پایه و بیم از جایگزینی فرهنگی شده است. این باور گسترده که افغان‌ها باید همیشه قدردان سخاوت پاکستان باشند و کلیشه‌هایی که پناهندگان را به عنوان جنایتکاران غیرمتمدن، «تروریست»، «قاچاقچی» و «قاچاقچی مواد مخدر» معرفی می‌کند، روزانه باعث ایجاد سوءظن، خصومت و تبعیض نسبت به آنها می‌شود. بسیاری از افغان‌هایی که در پایان سال ۲۰۲۳ از پاکستان اخراج شدند، هرگز به افغانستان نرفته بودند. آنها در کشوری به دنیا آمده و بزرگ شده بودند که خانواده‌هایشان را از هرج‌ومرج آن سوی مرزها پناه داده بود.

آنچه سبب تأسف است این است که پناهجویان افغانستانی در بین دو دولت درگیر گرفتار شده‌اند. پاکستان، رژیم طالبان در افغانستان را به پناه دادن به گروه تحریک طالبان پاکستان متهم کرده است؛ اتهامی که طالبان قویا - هرچند به‌صورت غیرقابل قبول - آن را رد می‌کند. پاکستان که از انفعال کابل مضطرب شده و قادر به مقابله با حملات تحریک طالبان نیست، برای جبران شکست‌های خود افغانستانی‌های ساکن در پاکستان را هم قربانی و هم مهره می‌بیند و بنابراین آنها را اخراج می‌کند. انور الحق کاکر، نخست‌وزیر موقت پاکستان در رابطه با اخراج پناه‌جویان اظهار داشته است: «پس از عدم همکاری دولت موقت افغانستان، پاکستان تصمیم گرفته است که امور را به دست خود بگیرد و اقدامات اخیر اسلام‌آباد نه غیرمنتظره و نه تعجب‌آور هستند.» چند روز بعد، نماینده ویژه پاکستان در افغانستان، آصف درانی، طی مصاحبه‌ای پا را از این هم فراتر گذاشت و با اتمام حجت با کابل، اظهار داشت: «بین پاکستان و تی‌تی‌پی یکی را انتخاب کنید.» دولت پاکستان نسبت به گروه‌های قومی ساکن در مناطق مجاور با افغانستان، به‌ویژه پشتون‌ها، سوءظن ریشه‌داری دارد. پشتون‌ها که توسط یک مرز دوران استعماری معروف به خط دیورند به دو قسمت تقسیم شده‌اند، یک اقلیت قابل توجه در پاکستان به شمار رفته (بیش از ۱۸ درصد کل جمعیت این کشور) اما اکثریت را در افغانستان تشکیل می‌دهند و در بیشتر تاریخ این کشور نیز مسند حکومت در دستان آنها بوده است. پس از استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷، افغانستان از به رسمیت شناختن این مرز خودداری و با ورود پاکستان به سازمان ملل نیز مخالفت کرد. این مناقشه مرزی و البته ترس اسلام‌آباد از حمایت کابل از اهداف ناسیونالیستی پشتون در پاکستان، مدت‌هاست که اعتماد بین دو کشور را تضعیف کرده است. طنز ماجرا آنجاست که حتی طالبان افغانستان - گروهی که از لحاظ تاریخی روابط قوی با تشکیلات نظامی پاکستان داشته است — این مرز را به رسمیت نمی‌شناسند. پس از تهاجم ایالات متحده به افغانستان در سال ۲۰۰۱، ولسوالی‌های تحت مدیریت ضعیف در سمت پاکستان مرز به پناهگاه امنی برای طالبان و القاعده تبدیل شدند. این مناطق مرزی نفوذپذیر همچنان با گذشت بیش از دو دهه نقطه اشتعال به شمار می‌روند.

میوه تلخ

هنگامی که طالبان در سال ۲۰۲۱ به کابل حمله کرد رهبران نظامی و غیرنظامی پاکستان بازگشت به قدرت متحد دیرینه خود را جشن گرفتند. حاکمیت طالبان نشان‌دهنده پیروزی سیاست پاکستان مبنی بر ایجاد «عمق راهبردی» در افغانستان و ممانعت از یافتن جای پا برای هند در این کشور بود؛ اما شادی اسلام‌آباد دیری نپایید. پیروزی طالبان افغانستان باعث الهام و احیای تحریک طالبان پاکستان شد؛ گروهی ستیزه‌جو که با وعده سرنگونی دولت «کافر» پاکستان تاسیس شده است.

این گروه که در سال ۲۰۰۷ تشکیل شده است، در سال ۲۰۰۹ یک عملیات تروریستی طولانی را آغاز کرد که باعث کشته شدن هزاران غیرنظامی و پرسنل امنیتی گردید. پنج سال بعد، یک حمله وحشیانه از سوی این گروه به مدرسه‌ای که توسط ارتش در پیشاور اداره می‌شد، باعث کشته شدن بیش از ۱۳۰ نفر گردید که بیشتر آنها کودک بودند. مردم خشمگین پاکستان از حمله تلافی‌جویانه ارتش علیه تحریک طالبان حمایت کردند؛ عملیاتی که موفق شد پایگاه عملیاتی این گروه را در پاکستان از بین ببرد و در نتیجه بسیاری از رهبران این گروه به افغانستان گریختند؛ اما در سال ۲۰۲۱، طالبان، پیروز افغانستان هزاران جنگجوی تحریک طالبان پاکستان از جمله فرماندهان ارشد این گروه را که از سوی دولت سابق افغانستان زندانی شده بودند، آزاد ساخت. گروه تحریک طالبان پاکستان از آن زمان دوباره سازمان‌دهی شده است و اکنون کادری متشکل از ۷ تا ۱۰ هزار جنگجوی باتجربه دارد.

این گروه تحت رهبری مفتی نور ولی محسود، در حال حاضر از هدف قرار دادن کورکورانه غیرنظامیان خودداری می‌کند تا مبادا با واکنش گسترده‌تری روبه‌رو شود. تی‌تی‌پی حتی از هدف کلان خود، یعنی سرنگونی دولت پاکستان نیز چشم‌پوشی کرده و به جای آن بر ایجاد یک امارت اسلامی در امتداد مرز با افغانستان متمرکز شده است. یکی از خواسته‌های اصلی تحریک طالبان پاکستان این است که اسلام‌آباد وضعیت خودمختار ویژه‌ای را که این منطقه تا زمان الحاق آن به استان خیبر پختونخوا در سال ۲۰۱۸ در اختیار داشت، بازگرداند؛ اقدامی که به این گروه اجازه می‌دهد نسخه محلی از حکومت شریعت را ایجاد کند.

احیای مجدد این گروه، مقامات نظامی و اطلاعاتی پاکستان که برای مدتی تحریک طالبان پاکستان را به عنوان گروه نیابتی همسایگان متخاصم خود (عمدتا افغانستان و هند) مطرح ساخته و ارتباط آن را با طالبان افغانستان رد کرده بودند، گیج‌کننده بوده است. اگرچه این دو گروه دارای ساختارهای فرماندهی و سازمانی مجزا هستند، اما به ایدئولوژی دیوبندی، آرمان‌های جهادی و تاریخ مشترک وابسته هستند. جنگجویان تحریک طالبان پاکستان به شورش طالبان افغانستان علیه نیروهای ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده و دولت سابق افغانستان کمک کردند. با در نظر گرفتن این روابط، طالبان افغانستان تسلیم فشارهای مستمر مقامات پاکستانی از جمله حملات هوایی بر مخفیگاه‌های مشکوک به حضور تحریک طالبان پاکستان در استان‌های خوست و کنر در آوریل ۲۰۲۲ که منجر به مرگ ۴۰ غیرنظامی و انتقادات شدید کابل گشت، نشدند. مقامات پاکستانی ادعا می‌کنند در رابطه با پایگاه‌ها و مخفیگاه‌های تحریک طالبان پاکستان در داخل افغانستان اطلاعات عملیاتی را با کابل به اشتراک گذاشته‌اند و انتظار دارند که رژیم طالبان علیه این ستیزه‌جویان دست به اقدام بزند.

اگرچه پاکستان برای خشم از متحدان خود در طالبان افغانستان دلایلی دارد، اما مشکل تروریسم در این کشور نتیجه مستقیم تصمیم ارتش برای تمایز بین طالبان «خوب» افغانستان و طالبان «بد» پاکستان است؛ آن هم بدون اینکه به ارتباطات جدانشدنی آنها توجه داشته باشد. هدف این سیاست حفظ عمق راهبردی در همسایه غربی پاکستان بود، اما اکنون آشکارا شکست خورده است. دسترسی تحریک طالبان پاکستان به پناهگاه‌های امن در افغانستان، دستان ارتش را بسته است؛ شرایطی که از جمله دلایل دیگر آن می‌توان به بحران اقتصادی حاد پاکستان، عدم وجود همان حمایت عمومی که به حمله ۲۰۱۴ علیه تحریک طالبان پاکستان کمک کرد و عدم حمایت سیاسی و مالی آمریکا از پاکستان که اسلام‌آباد در سال‌های پس از تهاجم ایالات متحده به افغانستان از آن برخوردار بود، اشاره کرد.

اهرمی اندک

رویارویی بین افغانستان و پاکستان - و اخراج‌های ناشی از آن - عواقب جدی خواهد داشت. هجوم صدها هزار پناهنده تنها سبب تشدید وضعیت انسانی وخیم کنونی خواهد شد. اقتصاد افغانستان تحت تحریم‌های ایالات متحده و خشکسالی شدید چندساله در حال خرد شدن است. نظام سلامت و سایر خدمات ضروری سقوط کرده است و بیش از نیمی از مردم افغانستان در سطوح حاد ناامنی غذایی و در زیرخط فقر زندگی می‌کنند. همچنین، بسیاری از اخراج‌شدگان ممکن است از نقض فاحش حقوق خود توسط رژیم طالبان، ازجمله دستگیری، بازداشت و شکنجه خودسرانه رنج ببرند. از آنجایی که طالبان تحصیل زنان را فراتر از دبیرستان ممنوع کرده است، زنان و دختران افغان با آینده بسیار بدی روبه‌رو هستند.

این بحران ساخته‌شده بدون شک طالبان افغانستان را عصبانی کرده است. این گروه نمی‌تواند به‌طور کامل از پاکستان که مسیر اصلی ترانزیتی این کشور محصور در خشکی را فراهم می‌کند، بزرگ‌ترین بازار صادراتی آن است و همچنین به عنوان فرستاده دیپلماتیک اصلی آن به سایر کشورهای جهان عمل می‌کند، چشم‌پوشی کند. احتمالا تحت فشار پاکستان، طالبان میزبان چندین دور گفت‌وگو بین دولت پاکستان و تحریک طالبان پاکستان در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ در کابل بود؛ مذاکراتی که منجر به آتش‌بس موقت شد اما درنهایت حاصلی نداشت. رژیم طالبان همچنین برخی از جنگجویان تحریک طالبان پاکستان را به مناطقی دور از مرز پاکستان منتقل کرده و افرادی را هم که در حمله به یک پاسگاه مرزی پاکستان در ماه سپتامبر دست داشتند، دستگیر کرده است.

اما طالبان افغانستان دیگر یک گروه شورشی وابسته به پناهگاه‌های امن پاکستان و حسن‌نیت اسلام‌آباد نیست. در راستای کاهش نفوذ اقتصادی اسلام‌آباد، رهبران طالبان دست نیاز به سوی ایران برای برخورداری از فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، ازجمله دسترسی به بندر چابهار این کشور که برای افغانستان مقرون به صرفه‌تر است، دراز کرده‌اند. آنها اکنون اهرم فشار بیشتری روی شریک قبلی خود دارند و بنابراین می‌توانند بین مماشات و خشم - حتی زمانی که با مجازات روبه‌رو شوند - چرخش داشته باشند. طالبان اصرار دارد که مقصر خشونت‌های تحریک طالبان پاکستان نیست و اسلام‌آباد را به تلاش برای منحرف کردن توجه از مدیریت ناکارآمد درباره مشکلات امنیتی داخلی خود متهم کرده است. محمد یعقوب، مجاهد سرپرست وزارت دفاع طالبان هشدار داد که «پاکستان باید عواقب هر کاری را که انجام می‌دهد بسنجد و به اندازه‌ای که می‌تواند درو کند، بکارد.» بعید به نظر می‌رسد پاکستان سیاست اخراج پناه‌جویان افغانستانی را تغییر دهد، مگر اینکه رژیم طالبان بتواند به‌طور قابل اعتمادی به خواسته‌های اسلام‌آباد که عمده آنها بر محور عدم پناه دادن به گروه تحریک طالبان پاکستان می‌گردد، رسیدگی کند؛ اما طالبان افغانستان عجله‌ای ندارد تا همزمان خود را به قیمت آرام کردن اسلام‌آباد از خود دور کند. پاکستان بی‌رحمانه پناهندگان افغان را بدون توجه به رنج و امنیت آنها درگیر مناقشه‌ای دیپلماتیک کرده است. این سیاست ممکن است پیامد ناخواسته نزدیک‌تر کردن دو طالبان را به یکدیگر داشته باشد و حتی بدتر از آن، طالبان افغانستان را ترغیب کند تا فعالانه خشونت تحریک طالبان پاکستان را تشویق کند. پاکستان می‌تواند تجارت ترانزیتی افغانستان را مسدود کند و حملاتی به داخل خاک افغانستان انجام دهد اما چنین اقداماتی تنها به تنش‌ها دامن زده و به احتمال زیاد نمی‌تواند طالبان را برای کنار گذاشتن کامل گروه تحریک طالبان پاکستان متقاعد کند. به نظر می‌رسد هیچ راه‌حلی برای بحرانی که بار دیگر بسیاری از پناه‌جویان را آواره کرده است، وجود ندارد.

فرهیختگان ورزشی
شماره مسلسل ۴۸۱۴
سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
۲۵ رجب ۱۴۴۵
۶ فوریه ۲۰۲۴
شماره ۴۰۷۶
| Tue | 6 Feb 2024 | vol.15 |
No. 4076 | 16 Pages

سرمربی تیم ملی معتقد است نباید در باد برد ژاپن خوابید

هنوز ماموریت تمام نشده

ماشاریپوف نیامده جایش باز شد

ارسلان رفت تا ستاره ازبک جایگزین او شود

جذب مهاجم برزیلی در پرسپولیس فعلا منتفی است

فرمول جدید مدیریت خطیر

ترس صندلی ماشاریپوف را آورد

امیر رکورد اسکوچیچ را شکست

ژنرال با ۲۰ قهرمان آسیا می‌شود؟

باشگاه پرسپولیس تحت‌الشعاع شایعه برکناری درویش

آشتی بیرانوند و امیری بعد از بازی با ژاپن

فولاد رکورددار جابه‌جایی بازیکن

مارتینز همچنان به دنبال جذب بازیکن خارجی

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سرمربی تیم ملی معتقد است دو یا علی تا تاریخ‌سازی مانده و نباید در باد برد ژاپن بخوابیم

هنوز ماموریت تمام نشده

برنامه‌ریزی کنفدراسیون فوتبال آسیا علیه یوزها

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

تیم ملی فوتبال ایران از مرحله نیمه‌نهایی رقابت‌های جام ملت‌های آسیا درحالی فرداشب در قطر به مصاف میزبان رقابت‌ها می‌رود که در تمام ادوار گذشته بعد از آخرین قهرمانی، هیچ‌گاه تا این اندازه به کسب دوباره این عنوان نزدیک نبوده است. این درحالی است که شاگردان امیر قلعه‌نویی حالا دو گام دیگر تا تاریخ‌سازی و کسب موفقیت در حاشیه خلیج فارس فاصله دارند؛ اتفاقی که البته می‌توانست در دوره‌های قبل و خیلی زودتر تکرار شود اما هر بار برخی مسائل حاشیه‌ای به متن غلبه کرده و با وجود توانمندی‌های فنی و ظرفیت بالای انسانی چه در زمین و چه روی نیمکت، این امر تا این دوره از رقابت‌ها محقق نشده، اما حالا ملی‌پوشان فوتبال ایران این فرصت را دارند با برتری مقابل میزبان رقابت‌ها ضمن صعود به فینال جام ملت‌ها، در یک قدمی کسب عنوان قهرمانی و فتح چهارمین جام خود در تاریخ این رقابت‌ها قرار گیرند. نکته قابل توجه طبق اخباری که از اردوی تیم ملی به گوش می‌رسد، حکایت از آن دارد سرمربی تیم ملی کشورمان نسبت به موفقیت در این رقابت‌ها بسیار امیدوارانه امور و کارهای فنی را دنبال کرده و در این چند روز اخیر مدام در جمع بازیکنانش سوای مسائل فنی، به برخی نکات انگیزشی نیز اشاره می‌کند.

قلعه‌نویی: جام هنوز برای ایران تمام نشده!

سرمربی تیم ملی به تازگی در جمع شاگردانش به آنها اشاره کرده است که هنوز ماموریت ما در این رقابت‌ها تمام نشده و نباید این نکته که توانستیم برای اولین‌بار ژاپن یکی از قدرتمندترین کشورهای آسیا را در جام ملت‌های آسیا شکست دهیم باعث شود مابقی دیدارها را دست‌کم گرفته و نباید این‌طور القا شود که بعد از ژاپن، جام برای تیم ملی ایران تمام شده است.

امیر قلعه‌نویی همچنین در یک جمع خودمانی با ابراز امیدواری بسیار زیاد نسبت به کسب عنوان قهرمانی جام ملت‌های آسیا به اطرافیانش تاکید می‌کند فقط دو یا علی تا تاریخ‌سازی و کسب عنوان قهرمانی جام ملت‌های آسیا باقی مانده است و باید با جدیت و تلاش و البته تمرکز کامل کار را تا آخرین لحظه پیش برد.

در هر صورت تیم ملی ایران فردا شب اگرچه در مقابل قطر روی کاغذ کار چندان سختی را پیش رو ندارد، اما میزبان رقابت‌ها هم بیکار ننشسته و با توسل به هواداران و امتیاز میزبانی قصد دارد سد صعود تیم ملی کشورمان به فینال رقابت‌ها باشد، آنها همین چند ماه پیش در تورنمنت اردن با سرمربیگری کارلوس کی‌روش با ۴ گل از ایران شکست خوردند و حالا در غیاب این سرمربی مطرح پرتغالی که سال‌ها هدایت ایران را به عهده داشت، قصد دارند انتقام آن شکست را هم از ایران بگیرند.

کارشکنی‌های ادامه‌دار AFC

تیم ملی ایران در حساس‌ترین بازی خود در جام ملت آسیا تا اینجای کار باید به مصاف تیم ملی قطر برود. در هر صورت تیم ملی کشورمان در دور قبلی این رقابت‌ها نیز تا همین مرحله صعود کرده و این بار هم فعلا به دستاورد قبلی رسیده است. نکته قابل توجه اینکه تیم ملی درحالی فرداشب به مصاف قطر از مرحله نیمه‌نهایی رقابت‌ها می‌رود که بعد از صعود به مرحله حذفی با انواع و اقسام حواشی غیرفنی و کارشکنی‌های AFC مواجه شده که بسیاری از آنها به برنامه‌ریزی غلط زمانی و مکانی کنفدراسیون فوتبال آسیا در این برهه مربوط می‌شود. شاگردان قلعه‌نویی در مسیر صعود به مرحله حذفی و از دیدار با امارات در آخرین مسابقه مرحله گروهی تا دیدار با سوریه در اولین بازی مرحله حذفی، در یک برنامه‌ریزی عجیب با ۸ روز تعطیلی مواجه شده و درحالی به مصاف ژاپن قدرتمند در مرحله بعدی رفتند که کمتر از ۷۲ ساعت برای استراحت و ریکاوری فرصت داشتند.

نکته مهم اینکه همین مسیر نیز در بین دیدار نیمه‌نهایی تا فینال طی خواهد شد و درصورتی امشب یک پای فینال رقابت‌ها مشخص خواهد شد که تیم دیگر این مسابقه فرداشب از بین قطر و ایران انتخاب می‌شود تا به این ترتیب درصورتی‌که قلعه‌نویی و شاگردانش به بازی فینال برسند، یک روز کمتر از رقیب خود استراحت کرده تا با فرصت ریکاوری کمتر و تمرینات آماده‌سازی بیشتر به بازی فینال برسند. البته برنامه‌ریزی مسئولان کنفدراسیون فوتبال آسیا به‌منظور برگزاری جام ملت‌ها در قطر فقط به برنامه زمانی این رقابت‌ها اختصاص پیدا نکرده و برگزاری دیدار تیم ملی که یکی از تیم‌های پر تماشاگر جام به شمار می‌رود در ورزشگاه ۱۰ هزار نفری برای بازی یک‌هشتم نهایی نیز حکایت از آن دارد که کنفدراسیون فوتبال آسیا در این رقابت‌ها به‌نوعی با برنامه‌ریزی خود به تیم ملی ایران ضربه زده است.

این درحالی است که در آخرین دست از این‌گونه بی‌برنامگی‌ها، این‌بار از فدراسیون قطر خبر می‌رسد این فدراسیون برای تغییر محل برگزاری دیدار نیمه‌نهایی و انتقال آن به ورزشگاه البیت که ورزشگاهی بزرگ‌تر از ورزشگاه الثمامه به‌شمار می‌رود درخواست خود را به کنفدراسیون فوتبال آسیا ارائه داده، اما فدراسیون کشورمان با این درخواست موافقت نکرده تا به‌نظر این بی‌برنامگی‌ها فعلا در همین مرحله خاتمه پیدا کند.

امیر راه کی‌روش را نرفت!

با همه این تفاسیر اما نکته قابل توجه اینکه امیر قلعه‌نویی برخلاف همتای پرتغالی خود یعنی کارلوس کی‌روش که سال‌ها هدایت تیم ملی را برعهده داشت در فرصت حضور روی نیمکت تیم ملی در جام ملت‌ها هرگز به این مسائل حاشیه‌ای و برنامه‌ریزی‌های نامطلوب AFC ورود نکرده و با وجود برخی سوال‌ها در نشست‌های خبری قبل و بعد از بازی‌های تیم ملی درخصوص این بی‌برنامگی و کارشکنی‌ها سعی کرده است تا از مواجهه و درست کردن چالش در مقابل کنفدراسیون آسیا ممانعت به عمل بیاورد. این درحالی است که کی‌روش، سرمربی سابق تیم ملی در دو جام ملت‌های قبلی از هر نکته کوچکی علیه AFC استفاده کرده و به دفعات در کنفرانس‌های خبری دیدارهای جام ملت‌ها از خجالت مسئولان کنفدراسیون آسیا به بهانه‌های مختلف درآمده بود.

امکانات تفریحی در اختیار ملی‌پوشان

تیم ملی ایران قبل از آغاز رقابت‌های جام ملت‌های آسیا در هتل الریان دوحه قطر مستقر شده و ملی‌پوشان کشورمان در این هتل لاکچری و لوکس حضور دارند. نکته قابل توجه اینکه آخرین امکانات به‌منظور رفاه آسایش و آمادگی تیم ملی در این هتل پنج‌ستاره فراهم شده است، اما جالب اینکه در یک طبقه مجزا از سایر طبقه‌های دیگر، امکانات سرگرمی و تفریحی باعث شده بازیکنان تیم ملی در اوقات فراغت خود از فرصت استفاده کرده و با حضور در این طبقه با انواع و اقسام بازی‌های موجود مشغول شوند. از اردوی تیم ملی خبر می‌رسد ملی‌پوشان کشورمان با علاقه نشان دادن به برخی رشته‌ها مانند پینگ‌پنگ و بیلیارد و بعضا بازی‌های کامپیوتری بیشتر اوقات فراغت خود را در این طبقه سپری می‌کنند. گفتنی است در مدت زمان حضور تیم ملی، این طبقه فقط به ملی‌پوشان کشورمان اختصاص پیدا کرده و از سایر افراد دیگر در این مدت در طبقه سرگرمی هتل الریان خبری نیست.

فقط هزار بلیت برای ایران!

تیم ملی فوتبال ایران فرداشب در نیمه‌نهایی جام ملت‌ها رودرروی قطر میزبان قرار می‌گیرد. مدافع عنوان قهرمانی برای تکرار این عنوان و کسب دومین جام خود تلاش دارد دست به هر کاری زده و به هر طریق ممکن از امتیاز میزبانی خود استفاده می‌کند. آنها پیش از این بازی ابتدا سعی کردند ورزشگاه این بازی را تغییر دهند و به جای میزبانی در ورزشگاه الثمامه بازی در ورزشگاه البیت برگزار شود. وقتی این درخواست با مخالفت فدراسیون ایران مواجه شد، حالا در اقدامی جدید تلاش دارند جو ورزشگاه را تماما به سود خود کرده و هواداران ایرانی در اقلیت باشند. دیروز مشخص شد فدراسیون فوتبال قطر در اقدامی عجیب از امتیاز میزبانی سوءاستفاده و اکثر بلیت‌های بازی را خریداری کرده است. در همین راستا اکثر بلیت‌ها به طرفداران قطری تعلق گرفته و کمتر از ۱۰۰۰ بلیت در اختیار تماشاگران ایرانی قرار گرفته که بسیار کم است.

اخبار کوتاه

امیر رکورد اسکوچیچ را شکست

ژنرال با ۲۰ قهرمان آسیا می‌شود؟

با انتخاب امیر قلعه‌نویی به‌عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال ایران از همان ابتدا برخی انتقادها نسبت به این انتخاب صورت گرفت و بعضا کارشناسان نقدهایی را درخصوص انتخاب سرمربی ایرانی بعد از حضور حدود یک دهه حضور سرمربیان خارجی روی نیمکت تیم ملی مطرح کردند و انتخاب قلعه‌نویی را بازگشت به عقب توصیف می‌کردند. این درحالی است که از همان ابتدای حضور امیر قلعه‌نویی روی نیمکت تیم ملی و آغاز کار با دیدار دوستانه با تیم ملی روسیه در ایام نوروز ۱۴۰۲ تا به امروز که تیم ملی در آستانه دیدار نیمه‌نهایی جام ملت‌های آسیا قرار دارد، حداقل نتایج و کارنامه امیر نشان می‌دهد که او تا به اینجا موفق عمل کرده و می‌تواند با یک دستاورد استثنایی به کار خودش در جام ملت‌های آسیا پایان بدهد. بر همین اساس تیم ملی در آخرین دیدار دوستانه خود پیش از حضور در رقابت‌های جام ملت‌های آسیا برابر اندونزی به پیروزی پرگل رسید. به این ترتیب تا آن زمان و تا قبل از آغاز رقابت‌های جام ملت‌های آسیا و با نتیجه‌ای که مقابل اندونزی به دست آمد تیم ملی ایران از زمان حضور امیر قلعه‌نویی به یازدهمین پیروزی خود از سیزده بازی تا قبل از جام ملت‌های آسیا دست یافت. دو دیدار دیگر ایران با مربیگری قلعه‌نویی برابر روسیه و ازبکستان با تساوی به پایان رسیده بود. در ادامه دیدارهای تیم ملی با سرمربیگری امیر قلعه‌نویی این تیم در رقابت‌های جام ملت‌های آسیا نیز به عملکرد بسیار خوب خود ادامه داده و بعد از کسب ۴ برد و یک مساوی در مراحل مقدماتی و دو دیدار مرحله حذفی، حالا رکورد شکست‌ناپذیری‌اش به ۱۸ بازی با ۱۵ برد و ۳ مساوی رسیده است.

نکته قابل توجه اینکه دراگان اسکوچیچ سرمربی سابق کروات تیم ملی که اتفاقا او هم عملکرد مطلوبی را از خود به جای گذاشت، از همین تعداد مسابقه به ۱۵ برد ۲ مساوی و یک باخت دست پیدا کرد و به کار خود نیز در تیم ملی با این تعداد بازی پایان داد تا قلعه‌نویی در تعداد بازی برابر با سرمربی کروات با رکورد بازی‌های بدون شکست از رکورد اسکوچیچ عبور کرده باشد. گفتنی است اگر سرمربی فعلی تیم ملی بتواند دو دیدار موفق دیگر را هم به این رکورد اضافه کند، آن زمان به احتمال بسیار زیاد با رکورد ۲۰ بازی بدون شکست به‌عنوان قهرمانی آسیا دست پیدا خواهد کرد. البته در یک حالت این رکورد می‌تواند بدون دستاورد قهرمانی آسیا نیز به ثبت برسد و آن اینکه تیم ملی کشورمان در دیدار فینال جام ملت‌های آسیا در ضربات پنالتی شکست بخورد. در این حالت یک بار دیگر امیر قلعه‌نویی به مانند جام ملت‌های آسیا در سال ۲۰۰۷ که در این رقابت‌ها نیز در مرحله یک چهارم نهایی در مقابل کره جنوبی با ضربات پنالتی شکست خورد، این بار هم با تکرار این اتفاق، بدون شکست اما بدون کسب جام به کار خود در این تورنمنت پایان بدهد.

ارسلان رفت تا ستاره ازبک جایگزین او شود

ماشاریپوف نیامده جایش باز شد

تیم فوتبال استقلال درحالی خود را آماده نیم‌فصل دوم رقابت‌های لیگ برتر می‌کند که در اتفاقی عجیب و دور از ذهن هواداران این تیم، ستاره و کاپیتان تیم ملی ازبکستان یعنی جلال‌الدین ماشاریپوف با امضای قراردادی به این تیم پیوسته تا در نیم‌فصل دوم رقابت‌های لیگ برتر استقلال را همراهی کند. نکته قابل توجه اینکه با بسته شدن قرارداد وینگر ازبکستانی برخی این‌طور مطرح کرده‌اند که با خارج شدن کوین یامگا از لیست استقلال، این بازیکن ازبکستانی جایگزین هافبک راست فرانسوی آبی‌ها خواهد شد. این درحالی است که با خداحافظی کادر فنی استقلال با ارسلان مطهری و نامه دستوری به او مبنی بر اینکه دیگر حق حضور در تمرینات را نداشته و باید به دنبال تیم جدید باشد، ماشاریپوف ازبکستانی فعلا جایگزین مطهری خواهد شد تا بعدا درباره خروج یامگا از لیست استقلال در نیم‌فصل دوم تصمیم‌گیری شود. گفتنی است رافائل سیلوای برزیلی نیز جایگزین مهری شده است و رضا میرزایی هم بعد از رسیدن به شرایط آمادگی نسبی از وضعیت نامشخصی برای همراهی استقلال در نیم‌فصل دوم برخوردار است.

نوبت اول

فراخوان مناقصات عمومی یک‌مرحله‌ای

سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای

اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده ای استان ایلام در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصات ذیل اقدام نماید:

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مدت اجرا	برآورد	مبلغ تضمین-ریال	رشته مورد نیاز
۸۳/۴۰۲/۸۶	واگذاری خرید خدمات نگهداری وفضای سبز پایانه مرزی شهیدقاسم سلیمانی پایانه مرزی مهران	۱۲ماه	۸۵/۷۷۸/۲۱۹/۳۳۶	۴/۲۸۸/۹۱۰/۹۶۶	مطابق پیوست

آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱
آخرین مهلت تحویل پیشنهادات: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱
تاریخ بازگشایی پاکات: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲
نوع تضمین: تضمین معتبر شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت یک یا ترکیبی از ضمانتنامه‌های موضوع بندهای الف، ب، پ، ج، چ و ح ماده ۴ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ می‌باشد.
فیش واریزی نقدی شماره شبای حساب تمرکز وجوه سپرده IR65 056017000000217637800900۰ - تمرکز وجوه سپرده نزد بانک ملی مرکزی می‌باشد. شناسه ۵۶۰۱۷۰۰۰۰۰۰۲۱۷۶۳۷۸۰۰۹۰۰۰ شناسه ملی ۱۴۰۰۳۲۳۲۶۷۳ کد اقتصادی ۴۱۱۴۱۴۹۱۶۱۸۹ کد پستی ۶۹۳۱۹۹۸۶۸۹
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات و مراحل بعد از آن از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
محل تحویل پاکت الف-ایلام-بلوار مدرس-اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان ایلام-واحد دبیرخانه
جهت دریافت اطلاعات مناقصه به سایت اینترنتی www.setadiran.ir، مراجعه نمایید.
تلفن تماس ۰۸۴۳۳۳۶۲۹۲۲ - ۰۸۴۳۳۳۳۰۱۹۵ - ۰۸۴۳۳۳۳۳۸۴۰۰ - اداره پیمان و رسیدگی فاکس ۳۳۴۱۶۳۸
روابط عمومی اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای ایلام
شماره شناسه ۱۶۶۲۷۱۷

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی

شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان در نظر دارد ارائه انجام خدمات تنظیفات ساختمان ستادی شرکت برق در آذربایجان شرقی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان ۲۰۰۲۰۰۱۱۱۹۰۰۰۰۰۸۸ به آدرس الکترونیکی www.setadiran.ir برگزار نماید. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲,۶۳۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حروف (دو میلیارد و ششصدوسی و پنج میلیون ریال) به‌صورت ضمانتنامه بانکی یا واریز نقدی به حساب سیبا به شماره IR ۰۳۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۰۶۴۰۶۳۷۶۱۹۰ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان بهای فروش اسناد: ۲۰۰,۰۰۰ ریال (دویست هزار ریال)

جدول زمانی انجام مناقصه	
شروع فروش اسناد	از ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۸
مهلت دریافت اسناد	تا ساعت ۱۹ عصر مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۵
مهلت بارگذاری پیشنهادات در سامانه ستاد	تا ساعت ۱۱ صبح مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۲
بازگشایی پاکات	ساعت ۱۲ صبح مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

جهت اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱
جهت اخذ اطلاعات بیشتر به سایت‌های زیر مراجعه یا با شماره تلفن ۳۲۲۸ ۳۱۰۷-۰۴۱ تماس حاصل فرمایند.
www.tavanir.org.ir www.Iets.mporg.ir www.azrec.co.ir www.setadiran.ir
روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان
شماره شناسه ۱۶۶۰۰۰۷

گواهی موقت دوره کاردانی پیوسته در رشته حسابداری اینجانب رضوان رحیم‌نیا فرزند حمید باکد ملی ۲۹۸۰۵۴۷۴۴۱ صادره از واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب فاطمه قربانی فرزند محمود با شماره شناسنامه و کد ملی ۲۱۱۰۶۹۹۲۰۵ متولد گرگان صادره از دانشگاه آزاد اسلامی گرگان در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته آموزش ابتدایی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به نشانی گرگان -بزرگراه شهید کلانتری خیابان دانشگاه مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان اداره امور دانش‌آموختگان ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب رقیه جلالی فرزند قاسم با شماره شناسنامه ۳۸۹۵ متولد گرگان صادره از دانشگاه آزاد اسلامی گرگان در مقطع کاردانی رشته ادبیات مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به نشانی گرگان-بزرگراه شهید کلانتری خیابان دانشگاه مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان اداره امور دانش‌آموختگان ارسال نماید.

برگ سبز، کارت خودرو و کارت هوشمند اتوبوس - بیابانی سیستم: بنز تیپ: سی ۴۵ رنگ سفید معمولی مدل ۱۳۸۲ به شماره انتظامی ایران ۸۴ ۷۸۵ / ع ۲۲ شماره شاسی ۳۷۲۳۱۷۱۰۰۰۲۷۶۴ شماره موتور ۴۵۷۹۳۹۰۰۰۰۹۹۱۷ به مالکیت آقای عبدالحسین سالاری به کد ملی ۳۴۴۰۸۴۶۴۱۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

فرهیختگان
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a66348018@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدرسه عالی مهارتی
رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵

فرهیختگان تماشاخانه
چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر
شماره مسلسل ۴۸۱۴
سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
۲۵ رجب ۱۴۴۵
۶ فوریه ۲۰۲۴
شماره ۴۰۷۶
| Tue | 6 Feb 2024 | vol.15 |
No. 4076 | 16 Pages

علیرضا رئیسیان در گفت‌وگو با اکبر نبوی در مجله تصویری «قاف» مطرح کرد

سیاست‌های سینمایی ۱۰ سال اخیر مخاطب را محدود کرد

فیلم «آسمان غرب» ما را به جهان علی‌اکبر شیرودی و نیروی هوایی ارتش می‌برد؛ دنیای دفاع از مردم با دست‌های خالی

تو آسمون‌ها دنبالت می‌گشتیم

آسمانی بدون سیمرغ

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

روزهای اول جنگ است. لشکر زرهی عراق از غرب کشور و استان کرمانشاه، در حال وارد شدن به خاک ایران است. بنی‌صدر دستور داده پادگان را خالی کنند و محتویات زاغه مهمات امحا شود. سربازان بعثی بی‌رحمانه پیش می‌آیند و سر راه‌شان حتی از تجاوز و غارت اموال و ناموس مردم ابایی ندارند. علی‌اکبر شیرودی از دستور رئیس جمهور تمرد می‌کند و به همراه دو بالگرد دیگر ستون زرهی عراق را قبل از اینکه به دشت برسد و پراکنده شود، زیر آتش می‌گیرد و مردم هم روی زمین مقاومت جانانه‌ای می‌کنند.

فضای روزهای آغازین جنگ و چالش‌های مردم و نظامیان مقاوم با رئیس جمهور بنی‌صدر، کم‌وبیش برای همه ایرانی‌ها آشناست و فیلم‌های زیادی درباره‌اش ساخته شده که این بار چنین حال و هوایی در مناطق کردنشین ایران و همراه با پرتره محبوب شهید شیرودی بازسازی می‌شود. ایده ساخت چنین فیلمی روی کاغذ بسیار وسوسه‌انگیز است چون چند امتیاز مهم دارد. اولا روزهای ابتدایی هجوم عراق، به دلیل پررنگ‌تر بودن نقش نیروهای مردمی در مقاومت و اینکه جنگ بیشتر از خاکریزی بودن، یک جنگ شهری است، دراماتیک‌تر و جذاب‌تر از آب درمی‌آید. ثانیا شیرودی شخصیت محبوبی است و همین نکته هر فیلمسازی را در نمایش شخصیت اصلی فیلمش چند پله جلو می‌اندازد. به عبارتی سمپاتی مخاطب با شخصیت اصلی فیلم قبل از بسم‌الله ابتدایی تیتراژ شروع شده است و این دوپینگ مهمی برای کارگردان به حساب می‌آید. نکته سومی که چنین ایده‌ای را مستعد تولید یک فیلم جانانه می‌کند، جذابیتی است که پرنده‌های جنگنده آهنی، مثل هواپیما و هلی‌کوپتر دارند. چه نماهای هوایی از چشم‌انداز خلبان که دشت و دمن را در دورنما می‌بیند و چه نمای خود هلی‌کوپتر در افق یا در موازات سلسله جبال سنگی، همه باشکوه و به‌شدت سینمایی هستند. حالا باید دید که فیلمساز در چنین بستر آماده‌ای فیلمش را با چه کیفیتی ساخته است؟ بازیگر فیلم سوای بحث شباهت ظاهری‌اش به شهید شیرودی، به لحاظ تیپ‌سازی اصلا به او نزدیک نمی‌شود. برای درآوردن شخصیت پرتره در سینما ابتدا لازم است که بازیگر تیپ آن فرد را بسازد و بعد شخصیت را در این ظرف تیپیکال بریزد.

میلاد کی‌مرام طوری نقشش را بازی می‌کند که به یکی از متولدان دهه‌های ۵۰ و ۶۰ در محلات جنوب شهر تهران شباهت دارد، نه کسی که در شمال کشور به دنیا آمده و بزرگ شده است. دوربین فیلم هم بسیار شلخته و ناشیانه است. دوربین آگاه نیست و برای خود کارگردان هم مشخص نشده که از چشم‌انداز چه کسی قصه را به ما نشان می‌دهد. گاهی ما صحنه را از چشم شیرودی می‌بینیم و گاهی بیرون ایستاده‌ایم و او را وسط صحنه می‌بینیم. ثانیا با یک میزانسن موبایلی طرفیم که دوربین تمام آبجکت‌های انسانی صحنه را حین راه رفتن دنبال می‌کند و ناگهان یکی را رها می‌کند تا دنبال بعدی برود و حرف‌های او را بشنویم. ناخودآگاه مخاطب اصلا جهت‌های مکانی را درک نمی‌کند و این نوع میزانسن -اگر اسمش را بتوان گذاشت- ابدا زیبایی هم ندارد و فقط سرگیجه‌آور است. بعد همین صحنه‌های بدون کات و متحرک به سکانس‌ها و صحنه‌هایی متصل می‌شود که کات خوردن نماها تا زیر یک ثانیه کوتاه می‌شود. درحقیقت وقتی دوشکای تانک یا تیربار هلی‌کوپتر شلیک می‌کند، فاصله گلوله‌های آنها از این پلان‌ها طولانی‌تر است. این حد از شلختگی و نابلدی در کارگردانی واقعا حیرت‌انگیز است. فضاسازی کار و خصوصا شخصیت‌پردازی خلبانان هوانیروز هم مورد دیگری است که می‌شود به آن اشاره کرد. شیرودی و رفقای خلبانش جوری درباره مردم و غیرت و وطن‌دوستی حرف می‌زنند که آدم را یاد لحن کاراکتر مسئولان حکومتی می‌اندازد. مثلا یکی از خلبان‌ها می‌گوید: «سر تا پای این مردم را باید طلا گرفت» و همین جمله به مثابه یک جمله قصار گرفته می‌شود و تکرار آن را مرتب از زبان بقیه هم می‌شنویم. سال پیش تصویر کامل‌تری از سرلشکر شیرودی را در سریال «سیمرغ» دیده بودیم و حالا باید افسوس خورد که از آن شمایل چند قدم عقب رفته‌ایم و در «آسمان غرب»، از این شخصیت دور شده‌ایم.

آسمان همه ایران

سیدمهدی موسوی‌تبار
دبیر فرهیختگان آنلاین

«آسمان غرب» دومین ساخته محمد عسگری پس از «اتاقک گلی» است. یکی از چند فیلم جشنواره امسال است که به زندگی و زمانه فرماندهان دوران دفاع مقدس می‌پردازد. آسمان غرب سراغ سال‌های ابتدای جنگ با محوریت علی‌اکبر شیرودی رفته است. دورانی که مناسبات جنگی در جبهه غرب گره خورده است و در حکومت مرکزی، بنی‌صدر فرمانده کل قواست. پیش از این و در اوایل دهه ۷۰ سریال «سیمرغ» هم ساخته شده بود که به زندگی شهیدان شیرودی و کشوری می‌پرداخت و در دوره خودش بینندگان زیادی داشت. حالا و پس از حدود ۳۰ سال، سینما به سراغ شهید شیرودی رفته تا به بهانه نمایش رشادت‌ها و قهرمانی‌های او، به بررسی شرایط جنگ و جامعه آن روز بپردازد.

در آسمان غرب هر چند شعارهایی را در قالب دیالوگ می‌شنویم اما درمجموع با فیلمی واقعی و بدون اغراق مواجهیم. فیلمی که سعی می‌کند روابط فرماندهان و شهدا را قدسی و غیرقابل دسترس نشان ندهد و ابایی ندارد از اینکه نافرمانی‌ها و ناهماهنگی‌ها و گاهی سیاهی‌ها را هم صراحتا نشان دهد. عموما وقتی فیلمی درباره خلبان یا نیروی هوایی ساخته می‌شود با هیجانی ذاتی و سکانس‌های انرژیک و پرشور طرفیم. آسمان غرب از این ظرفیت به خوبی و به اندازه استفاده کرده است. سکانس‌های اکشنی که غرور ملی را برانگیخته کرده و گاهی هم قطره اشکی را از گوشه چشم‌ها روان می‌کند. تماشاگر آسمان غرب در حین و پس از پایان فیلم با سوالات متعددی روبه‌رو می‌شود که شاید نتوان برایش جوابی پیدا کرد. نافرمانی شهید شیرودی از دستورات مافوقش چقدر درست بوده و اصلا معیار نافرمانی چیست و اندازه این دوگانه در تصمیم‌گیری شهید چقدر است؟ نسبت شهید شیرودی با فرمانده مافوقش باید چگونه می‌بود و کدام شیوه در آن دوره از جنگ صحیح بوده است؟ آیا تماشاگر درنهایت شیفته شرایطی نمی‌شود که وطن و مردم و شرایط موجود، فرماندهی اصلی را به دست می‌گیرند و شیرودی از آن دوگانه ذهنی و حتی سازمانی رها می‌شود؟ کارگردان اگر در پرداخت کاراکتر شهید شیرودی دقیق‌تر می‌بود، می‌توانست در پاسخ به این سوالات، مناسبات کاراکتر با دنیای پیرامونش را به درستی نشان دهد.

عسگری در آسمان غرب از ظهور کارگردانی باهوش، نترس و سینمابلد خبر می‌دهد و شاید اگر کمی دستش بازتر بود و نهادها و سازمان‌های مختلف اجازه مانور بیشتری به او می‌دادند خروجی بهتری را شاهد بودیم. سینمای دفاع مقدس و فراتر از آن سینمای ایران به فیلم‌هایی مانند آسمان غرب نیاز دارد و تماشاچی هم از دیدن این جنس فیلم‌ها استقبال خواهد کرد. فیلم‌هایی که هم از تاریخ می‌گویند و هم درباره همه ایران و همه مردم حرف می‌زنند و از تمام کسانی می‌گویند که در جنگ حضور داشتند و اثرگذار بودند. آسمانی که در این فیلم می‌بینیم صرفا به غرب تعلق ندارد و برای همه ایرانی است که درگیر جنگ بوده و همچنان با عوارض آن دست و پنجه نرم می‌کند. بازی‌های آسمان غرب هم از نکات مثبت آن است، این فیلم می‌تواند برای میلاد کی‌مرام یک گام بلند در سینما و تاریخ جشنواره باشد. بازیگران نقش‌های کوتاه مانند نادر فلاح، امیرحسین آرمان و حتی کریم امینی هم در آسمان غرب حضور موثر و صحیحی دارند و همین‌ها در کنار جلوه‌های ویژه و کارگردانی آگاهانه و مسلط عسگری از آسمان غرب یک اثر قابل قبول و تماشایی ساخته است. پیش‌بینی می‌شود اگر شرایط اکران برای این فیلم به درستی فراهم شود، این اثر سینمایی بتواند در گیشه گلیم خودش را از آب بیرون بکشد. آسمان غرب فیلمی است که هم دفاع مقدسی است و هم جنگی و اکشن و پس از «عقابها» و «حمله به اچ۳» نمونه مشابهی از آن را در سینمای ایران ندیده بودیم.

قهرمانی برای دفاع از آسمان

محمدسجاد حمیدیه
خبرنگار

«آسمان غرب» یک فیلم دفاع واقعی است. بعد از تماشای فیلم، نمی‌توان عاشق مدافعان این سرزمین نبود. اگر بتوان در تاریخ سینمای ایران، ۱۰ فیلم که موفق شده‌اند به ساب‌ژانر دفاع مقدس برسند را نام برد، آخرین اثر محمد عسگری قطعا در آن لیست جای خواهد داشت. فیلم به مبارزات شهید اکبر شیرودی در آغازین روزهای جنگ می‌پردازد و قدر شخصیت بزرگی که محور فیلمش قرار داده است را می‌داند. فیلم خیلی خوب شروع می‌شود. نمای انفجار یک مین در بیابان‌های غرب کشور، کات زده می‌شود به پریدن پرندگان از روی درختی در مراتع سبز شمال! با همین کات، بدون دیالوگ و با زبان خالص سینما، مساله یک منطقه را به تمام کشور تعمیم می‌دهد و آن را ملی می‌کند. سپس یک سکانس جذاب و خوش‌ریتم از حمله هلی‌کوپتر اکبر شیرودی، به مهمات دشمن و نابودی آنها را داریم که تماشاگر را به فیلم جذب می‌کند و نوید یک اثر جذاب را می‌دهد.

فیلم توانسته بعد از مدت‌ها یک قهرمان در سینمای ایران خلق کند و عجب قهرمانی هم خلق می‌کند! فیلمساز وقت تلف نمی‌کند و به سرعت شروع به ساختن کاراکتر اکبر شیرودی می‌کند. می‌بینیم که شیرودی هیچ فرصتی را برای کمک به مردم از دست نمی‌دهد؛ حتی اگر شده پیدا کردن مادر یک دختربچه باشد، درحالی که دارد درباره مهم‌ترین مسائل جنگ بحث می‌کند. در سکانس راه دادن مردم به پادگان، به سرعت شخصیت طغیان‌گر شیرودی، که زیر بار فرمان اشتباه نمی‌رود ساخته می‌شود و این امر، تمام اکت‌های شیرودی دربرابر فرامین بنی‌صدر را توجیه می‌کند. همچنین با بیان شدن کشاورز بودن اکبر و میلش برای بازگشت به شهر زادگاهش برای ادامه دادن به کشاورزی، ارزش خاک برای او از یک ارزش عام فراتر می‌رود و شخصی می‌شود.

یکی از سکانس‌های شاهکار فیلم، جایی است که شیرودی می‌شنود عراقی‌ها به دختری تجاوز کرده‌اند و اکنون دختر از مردان نظامی کمکی نمی‌گیرد، زیرا از آنها می‌ترسد. شیرودی یک کت غیرنظامی روی لباس نظامی‌اش می‌پوشد، تمام مردان نظامی را از کنار دختر دور می‌کند و دور و بر دختر را با زنان پر می‌کند تا او احساس امنیت کند. سپس وقتی دختر از هوش می‌رود و دکتر برای به هوش آوردنش به صورت او چک می‌زند، شیرودی مانند یک کودک بی‌قرار به دکتر التماس می‌کند آرام‌تر بزند؛ او حتی تحمل وارد شدن این میزان درد به مردمش را نیز ندارد! بازی میلاد کی‌مرام در این سکانس عالی است و به خوبی حس را منتقل می‌کند. خلق چنین کاراکتر متناقض، پیچیده و عمیقی که در میدان جنگ، یک قهرمان دلاور است و در برابر مردمش چنین نرم و خدمتگزار، کافی است تا فیلم را ارزشمند کند.

فیلم حتی می‌کوشد از هلی‌کوپتر نیز شخصیت خلق کند. شیرودی پس از شهادت رفیقش به هلی‌کوپترش پناه می‌برد و اشک می‌ریزد و کارگران توانسته این تنهایی کاراکتر را مورد توجه قرار دهد. سپس دیگر همرزمان نیز می‌آیند و در سایه هلی‌کوپتر در سوگ رفیق ازدست‌رفته‌شان می‌نشینند. شاید این میزان پرداخت، برای شخصیت دادن به هلی‌کوپتر کافی نباشد اما حرکت خوبی در جهت آن است.

نکته مثبت دیگر فیلم، پرداخت واضح و بدون ابهام به جنگ است. برای مثال در سکانس حمله شیرودی به تانک‌ها، ابتدا نقشه منطقه و موقعیت عراقی‌ها تشریح می‌شود. در خود سکانس حمله نیز، جغرافیا و فضای جنگ به خوبی ساخته می‌شوند. البته این امر در سکانس جنگی انتهای فیلم به خوبی اجرا نمی‌شود و دلیل این مشکل، تدوین شلخته آن است. تدوین فیلم بزرگ‌ترین نقطه ضعف اثر است که در سکانس جنگ پایانی، باعث می‌شود بیننده جغرافیای جنگ را گم کند و متوجه نشود کی به کی می‌زند!

اما فینال فیلم و حمله شیرودی با هلی‌کوپتر خالی از تجهیزات، به ماشین فرمانده عراقی، یک سکانس بسیار جذاب است که تماشاگر را به وجد می‌آورد. سکانسی که یک اتفاق ویژه در سینمای جنگ ایران محسوب می‌شود.

در نمای شاهکار پایانی، بخشی از وصیت‌نامه شهید، به زبان تصویر ترجمه می‌شود: «وقتی در آسمان هستم، حس می‌کنم به معشوق خود نزدیک هستم...» و هلی‌کوپتر شهید در یک نمای روحانی، درحال اوج گرفتن به سمت آسمانی سفید نشان داده می‌شود.

آسمان غرب توانسته دفاع را سینمایی کند. فیلم هم مردمی که از آنها دفاع می‌شود را می‌سازد و هم انگیزه مدافعان در دفاع را. آسمان غرب توانسته به شیرودی بزرگ ادای دین کند و در تاریخ سینمای ایران اثری ماندگار خواهد بود.

عکس: سیدوحید حسینی | فرهیختگان

علیرضا رئیسیان در گفت‌وگو با اکبر نبوی در مجله تصویری «قاف» مطرح کرد

سیاست‌های سینمایی ۱۰ سال اخیر مخاطب را محدود کرد

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مجلـه تصویـری فرهنگ و هنر «قاف» با اجرا و سـردبیری اکبر نبوی در ایـام جشـنواره فیلـم فجـر به مدت ۱۰ شـب در فضای مجازی منتشـر خواهد شـد. یکی از قسـمت‌های این مجموعه تصویری گفت‌وگوی اکبر نبوی و علیرضا رئیسیان کارگردان سینما است، متن این «گفت‌وگو» را در ادامه می‌خوانید.

در خدمت آقای علیرضا رئیسیان از کارگردانان خوب سینمای کشور و دوستان خودم هستیم. می‌خواهیم مدیریت سینمایی را طی چهار دهه گذشته مرور کنیم. اگر مقدمه‌ای دارید بفرمایید، بعد وارد بحث می‌شویم.

من دیروز خبری خواندم که در اطراف شما یعنی بلوار کشاورز قرار است کاخ جشنواره شامل ۱۶هکتار افتتاح شود. یاد این افتادم که گذشته از جشنواره جهانـی فیلـم تهـران که پدیده‌ای عجیب‌وغریب در آن سـال‌ها و آن فضای فرهنگی تهران بود، بعد از انقلاب کل جشـنواره فیلم فجر یک اتاق کوچک بالای سینما فرهنگ بود.

آقای امید و خانم پهلوان هم آنجا بودند.

و یک آقای بهشتی.

آقای ری‌پور هم بود و یکی، دو نفر دیگر؛ آقای صالح و آقای زاهدی.

برای فیلم‌ها در زمسـتان‌های آن موقع تهران و موشـکباران صف طولانی بود. داشتم فکر می‌کردم معنی جشنواره آن است، یعنی آن فیلم‌ها و آن شکل از ارتباط با مخاطب یا این.

و آن بخش‌های تنوع جشنواره. نمایش‌های ویژه، گنجینه‌های فیلم خانه‌ای و...

و فیلم‌هـای ایرانـی کـه بهترین فیلم‌هـا را برای اولین‌بـار می‌دیدند و فضای عجیب و خاصی بود. با خودم فکر کردم اگر آن جشنواره و مدیریت است، پس این چیست؟ فقط به کاخ و این‌جور چیزها برسد، دیگر امسال اوج این مدل جشنواره‌ها باشد، این چیست! به همین دلیل فکر کردم اینها همه موقعیت طنز است. از مرحله تراژدی که رد می‌شود، به طنز می‌رسد. کار متخصصان به وجودآوردن سیستم و کار روشنفکران نقد سیستم است. من همیشه سعی کرده‌ام منصفانه و منتقدانه اما جدی با موضوع فرهنگ و حوزه کاری خودم سینما برخورد کنم. به همین دلیل هم کاملا صادقانه سعی می‌کنم مطالبی را که می‌گویم استنادات درست و دقیق داشته باشد و احساسی نباشد و روی گرایش به یک طرف یا گرایش‌های دیگر هم نباشد. فکر هم می‌کنم خیلی کم صحبـت کردیـم اما هر وقت بـوده، گفت‌وگوهای خوبی از آب درآمده، چون صداقت شـرط اصلی‌اش بوده و هر جا و با هر شـکلی هم طبیعتا گفت‌وگو نمی‌کنیم. به همین دلیل فکر می‌کنم اگر بخواهیم بحث مدیریت را که عین جریان سینماست، بررسی کنیم ناچاریم به یک سری از فاکتورها بپردازیم. چه خوشایند کسی باشد، چه نباشد، اینها واقعیات سینمای ایران در این ۴۰ و چند سال است. اتفاقا من فکر کردم به جای اینکه سیر تاریخی و متناوب را بگوییم، تحلیل کنیم از اینکه چه شد و الان چه هست و چگونه است. قطعا شـما می‌دانید سـینمای قبل از انقلاب، یک بدنه اصلی داشـت که اوجش دهه ۵۰ بود و آقای کاووسی به آن فیلمفارسی اطلاق کرد اما خودشان تعابیر دیگری هم داشـتند و هیچ معنی واقعی از هنر سـینما در آن نبود. همه چیز سرهم‌بندی‌شده بود؛ از سناریو تا ساخت. نسبتا مخاطب هم داشت، چون درست است که سینماهایی که فیلم‌های ایرانی نشان می‌دادند، از مرکز به پایین بودند و قشر مخاطبان آنها هم طبیعتا در همین گرایش خلاصه می‌شد اما در سال ۵۱، ۹۰ فیلم سینمایی تولید می‌شود و همگی به نمایش درمی‌آیند. ما هرگز دیگر به این آمار نرسیدیم. همین مسیر وقتی می‌آید، آنقدر تکرار مکرر می‌شود و آنقدر از جریان ذات طبیعی سینما یعنی تنوع و تکثر و چندگونگی خارج می‌شود که در سال ۵۶، به ۱۳ فیلم می‌رسد.

موتور سینما کاملا پایین می‌آید.

کامـلا و بـه یـک معنا سـینما آنجا تعطیل می‌شـود، نه اینکه درهایش بسـته شـود! اینجـا هنـوز یک سـال مانده تـا پیروزی انقـلاب. خود ایـن به لحاظ جامعه‌شناختی به ما می‌گوید که مخاطبان این فیلم‌ها دیگر کاملا آنها را پس زدند. نوع دیگری از گرایش طبقه متوسط یعنی تحصیل‌کرده‌ها و دانشجویان و بقیـه هـم سـینمای هنـری را دنبال می‌کردند که آن هم در یک یا دو سـالن سینما به نمایش درمی‌آمد اما عموم سرمایه‌گذاری‌هایش و نه صددرصد در بخش‌های دولتی حمایت می‌شد. حالا یا تله‌فیلم تلویزیون بود یا مرکز گسترش سـینمایی بود که یک‌جوری وابسـته بود. آقای فرمان‌آرا خیلی سـعی می‌کند بگویـد کامـلا خصوصـی بود اما این‌طور نبود واقعا. هم بحث تولید مشـترک داشت و هم تولید داخلی و هم خود فرهنگ‌وهنر حتی. کانون پرورش فکری هم حمایت از سینمای خاص خودش را داشت با فیلمسازانی که در شروع فیلمسازی حرفه‌ای به آنجا می‌رفتند یا بعدا حرفه‌ای می‌شدند و فیلم‌هایی را می‌ساختند. بنابراین جریان سینمای هنری کاملا حمایت می‌شد و جریان سینمای بدنه اصلی هم توسط بخش خصوصی وجود داشت. آن سینما یک اداره کل، مسـئول رتق‌وفتق امورش بود با شـش، هفت کارمند. بعد می‌رسیم به اوایل دهه ۶۰ که تیم آقای بهشـتی و وزارت آقای خاتمی به ارشـاد می‌آیند که اینها از تلویزیون آمده بودند و طبیعتا گرایش و شناخت‌شـان هم نسـبت به مقوله همان اتفاقی بود که در تلویزیون می‌افتاد، یعنی تلویزیون سـرمایه را در اختیار می‌گذاشت و پروژه‌ای را تصویب می‌کرد. این پروژه تحت نظارتی ساخته می‌شد و آنتن هم در اختیار مدیریت بود. این عینا در سینما پیاده شـد؛ البته باید این نکته را هم در نظر داشـت در آن روزها به دلیل جو اوایل انقـلاب و جنـگ، همه چیز در کنترل دولـت بود و این‌طور نبود که اقتصاد و صنعتش آزاد باشد و فرهنگ و سینما دولتی.

حتی به شکل افراطی.

بلـه، چـون نگرشـی که مدیران داشـتند، یک نـگاه چپ‌گرایانه بـه اقتصاد، فرهنگ، سیاست و همه اینها بود؛ البته این فوایدی هم داشت، ازجمله اینکه سینما بازتاسیس شد. سینمایی که از میان رفته بود، وقتی بازتاسیس شود، همه چیز را در اختیار نیروهای فعال و نخبه می‌گذارد و بخشـی از سـینمای قبل از انقلاب، یعنی بهترین‌هایشـان، درواقع همه آن نسـل فیلمسـاز هنری و از سـینمای بدنه هم بهترین‌هایشـان می‌آیند و فیلم می‌سـازند. حالا همه امکانات و مقدرات این سـینما در اختیار دولت اسـت؛ از سـرمایه‌گذاری، تصویب پروژه‌ها، نظارت، هدایت، حمایت تا اکران، جدول...

تـا حتـی مواد خام و وسـایل و تجهیزات که نمی‌شـد به همه‌کـس ارز بدهند و خود دولت وارد می‌کرد.

می‌بینیـد کـه ۴۰ تا ۴۵ فیلم هر سـال سـاخته می‌شـد، چندتایی هم بخش خصوصی می‌سـاختند اما عموما آنهایی بودند که گرایش بازگشـت سـرمایه در آنها بیشـتر بود و در آن محدوده هم می‌گنجیدند، یعنی در جدول اکران می‌آمدنـد و نمایـش هـم داده می‌شـدند، ولـی جنبه حمایـت از فیلم‌های متفـاوت و هنـری و یـک دیدگاه متکثر حاکم بود؛ به همین دلیل اینها نقاط قوت آن سینماست که اگر فکر کنیم در آن شرایط راه دیگری غیر از این وجود داشت که مثلا می‌شد به سینمای قبل از انقلاب و در بخش سرمایه‌گذاری و نمایش ادامه داد، به نظر من نمی‌شد. برای اینکه اصلا هم شرایطش به لحاظ ساختاری وجود نداشت و هم اینکه دیگر امکان تکرار آن سینما میسر نبود.

یک نکته هم من اضافه می‌کنم. به‌هرحال در جریان ماه‌های منتهی به انقلاب در سال ۵۷ یکی از جلوه‌های اعتراض و خشم مردم نسبت به سیستم سیاسی قبل از انقلاب یعنی رژیم پهلوی، در حمله به سینماها خودش را نشان می‌داد. واقعـا اراده‌ای از داخـل خـود مردم بود یا جریان دیگـری هم بود که به بانک‌ها حملـه می‌شـد. آن به‌عنـوان مظهر فرهنگـی و این به‌عنوان مظهـری اقتصادی رژیـم. نمی‌خواهـم واکاوی‌اش کنم. از طرفی به‌هرحال توده متدین و جریانات مذهبی قدرتمند که در حوزه‌های علمیه بودند، نسـبت به سـینما روی خوشی نشان نمی‌دادند، درنتیجه سینما به مراقبت‌های بیشتری در حوزه مدیریت نیاز داشت و نمی‌شد بی‌پروا عمل کرد. بخشی از آن سیاست که تا یک مقطع خیلی مدافع آن هسـتم، ناشـی از این نگرانی‌ها بود. اگر آن مراقبت‌ها نمی‌شد، شاید اصل سـینما زیر سـوال قرار می‌گرفت و امکان پاگرفتن سینما پس از انقلاب به راحتی میسر نمی‌شد.

اگر ما نتیجه را الان بررسی و تحلیل کنیم و ببینیم آن موقعیت آیا برای رشد یک تفکر هنری در سینما میسر و مفید بود یا نه و نتایجش را بسنجیم، می‌بینیم مثلا فیلمی مثل «جاده‌های سرد» که هیچ‌کدام از المان‌های سینمای قبل از انقلاب که مورد توجه مخاطب قرار داشت را ندارد - در آن فیلم، هم کار کردم و هم در بخشـی از دسـتمزدمان همگی شـراکت داشتیم که بعدا خوشحال بودیم مگر می‌شود چنین فیلمی فروش کند- درگیشه فروش می‌کند. بنابراین معـادلات تهیه‌کننـدگان قابل احترام قبـل از انقلاب را نیز به‌هم ریخت. من از یکی از همان تهیه‌کنندگان محترم شـنیدم که گفت مگر می‌شـود عنصر خشـونت و سـکس و رقص و آواز در فیلمی نباشـد و این فیلم مورد استقبال واقع شود؟ در همان قبل از انقلاب هم «سوته‌دلان» مال سینمای هنری است. فیلم‌های دیگری مثل «دایره مینا» آقای مهرجویی نیز همین مشـخصات را داشتند و مورد استقبال آن قشر متوسط شهری تحصیلکرده قرار می‌گرفتند و حیات طبیعی سـینمای هنری هیچ‌وقت منقطع نمی‌شـد. یعنی حتی در سال ۵۷ فیلم «چریکه تارا» تولید می‌شود.

سال ۵۸ هم فکر می‌کنم مرحوم سینایی فیلم «زنده‌باد» را ساخت.

بله یا حتی فیلم آقای فرمان‌آرا. این حیات ممکن اسـت کند و تند شـود اما هیچ‌وقت منقطع نشد اما آن حیات کاملا قطع شد. این به ما می‌گوید که جامعه متحول شده و به سمت یک نوع گرایش فرهنگی‌تر رفته. کسانی که الان به آن مقطع نگاه می‌کنند، می‌گویند سینمای دهه ۶۰ سینمای گلخانه‌ای بود. من می‌گویم حداقل آن مدیریت که الان بسیار باید به او احترام گذاشت، برنامه و ایده داشتند و برای پیاده‌کردن آن ایده توانایی اجرایی داشتند. فقط این نبود که دولت زور بگوید. دولت می‌توانست بگوید فقط فیلم‌های پروپاگاندا تولید شود. برای آن کار حوزه هنری به وجود آمده بود و بنیاد مستضعفان یک جوری، فیلم‌هایی را حمایت می‌کرد. جریان اصلی سینما، هم روشنفکران فیلمساز قبل از انقلاب و هم نیروهای جدید که اکثرا تحصیل‌کرده بودند و تحصیلات سینمایی داشتند، آمده بودند و ترکیبی به وجود آمده بود که از دلش عیاری، جوزانی و بنی‌اعتماد بیرون آمدند.

حاتمی‌کیا و ملاقلی‌پور.

بله. ترکیبی اسـت که می‌توان گفت به حیات طبیعی سـینما نزدیک است. اقتـدار دسـتگاه‌های دولتـی یا سیسـتم‌های حاکمیتی هـم آن‌گونه نبود که همه چیز کاملا مطابق میل آنها باشـد. به‌هرحال فرمولی که مقدرات از الف تا ی سـینما در دسـت دولت باشـد، در شـوروی سـابق اعمال می‌شد و در همان جـا هـم همه فیلـم تبلیغاتی نمی‌سـاختند. تارکوفسـکی، پاراجانف، کونچالوفسکی، الم کلیموف و لاریسا شپیتکو هم بودند و همه اینها فیلم‌های هنری درجه یک ساختند.

آیزنشتاین هم بود.

آیزنشـتاین در شـروعش بـود و آن تئـوری را واقعا سـعی کرد بـه فیلم برگرداند و تئـوری تدویـن بی‌نظیر در دنیا گذاشـت که بعـدا غربی‌ها هم خیلی از آن استفاده کردند.

بازن در سینما خیلی به آن استناد می‌کند.

خود آمریکایی‌ها هم همین‌طور. گریفیث می‌گوید من از این تئوری‌ها به‌شدت سـود بـردم؛ بنابرایـن می‌خواهـم بگویم که این هـم دانش سـینمایی را نفی نمی‌کند، هم سـلیقه فیلمسـازان را اما درعین‌حال رویش کنترل هم هسـت. در بخش آمار و ارقامی که امروزه خیلی مد است هم بگویم.

آمار فروش فیلم‌ها؟

بله، و مخاطبان. در سـخنرانی‌های زیادی خصوصا از جانب وزیر و رئیس سـازمان سـینمایی و تئاتری و موسـیقی آمارها را می‌شنویم. آمار ذاتا و اصولا از یـک سـیطره کمـی حرف می‌زنـد و در ورزش هم آمار برای شکسته‌شـدن اسـت. اینجا هم همین‌طور اسـت. فردا ممکن است این آمار شکسته شده و آمار دیگری بیاید، بنابراین خیلی قابل اسـتناد که نیسـت، من می‌خواهم بگویم پشـتش چون تحلیل وجود ندارد و پردازش نشـده، اتفاقا گول می‌زند خیلی‌هـا را و فکـر می‌کنند که واقعا همین اسـت که گفته می‌شـود. در یک سـخنرانی گفتنـد کـه امسـال پرمخاطب‌تریـن و پرفروش‌ترین فیلـم تاریخ سینمای ایران ساخته شده. یک کسی هم کامنت گذاشته بود که کسی که این حرف را می‌زند یا سینما نمی‌داند چیست یا تاریخ سینما را نمی‌شناسد یا عدد را نمی‌شناسـد. در سـال ۱۳۶۹ که آمار جمعیتی ما حدودا بین ۳۰ تا ۳۵ میلیون نفر بود، ۸۱ میلیون نفر مخاطب در سینما بوده است، یعنی ۲٫۵ برابر جمعیت. این از آمارهای جالب در زمان خودش در دنیاست. این آمار را با الان مقایسـه کنید. من می‌خواهم بگویم یک سـیری اتفاق افتاد که حالا یک نوسانی داشت به دلیل شرایط سیاسی و عوض‌شدن دولت‌ها که همه اینها روی سـینما هم اثر داشـت. اگر بخواهیم سـریع از اینها رد شویم، چون فـراز و نشـیب زیـاد داشـته، مـا در دو دوره دیگر تاریخی هـم آمار مخاطب بالایی بعد از انقلاب داریم. قبل از انقلاب یعنی اواخر دهه ۴۰ و اوایل ۵۰ که کلا این بحث را منتفی می‌کند. در آن دو دوره هم یعنی دوره اول اصلاحات این آمار قابل بررسـی اسـت که یک و نیم برابر جمعیت اسـت و اوایل دولت اول روحانی هم باز میزان مخاطب خیلی بیشـتر از آن چیزی اسـت که الان هست. الان آخرین آماری که من دیشب از یکی از دوستان در شورای صنفی گرفتم و چک کردم و آماری که خود رئیس سینما شرح می‌دهد، هنوز به ۲۵ درصد جمعیت نرسـیده، یعنی ۲۵ درصد جمعیت کل کشـور یک‌بار بروند بـه سـینما. حـالا اینها که دو بار رفتنـد را کنار می‌گذاریـم، بنابراین این آمار افتخارآمیزی است. بله. امسال پرفروش‌ترین سال سینمای ایران بوده و این خیلی هم خوب است. یک تعداد فیلم هستند که صنعت را رونق می‌دهند و پیش می‌برند و همیشه هم می‌توانند خوب باشند، ولی این شکلی که اتفاق افتاده، واقعا حاصل برنامه‌ریزی بوده؟

خیر.

مـن می‌گویـم همیـن اتفاق قبـل از انقلاب فقط یک اداره کل داشـته و دیگر نیازی نبود، چون آن زمان دولت کاری به چیزی نداشت.

اگر حاصل برنامه‌ریزی آقایان باشد که وامصیبت از فهم فرهنگی‌شان. بالاخره ما به فیلمی توهین نمی‌کنیم اما فیلم‌ها به لحاظ سطح کیفیت فرهنگی و هنری نازل هستند. این را نمی‌توانیم پنهان کنیم.

من بخواهم تعبیری از حرف شما بکنم باید بگویم این فیلم‌ها که به آنها افتخار می‌کنیم، حتی یک عدد اینها در جشـنواره نیسـت. اگر قابل افتخار است و مردم عنصر اصلی هسـتند و اینها را می‌خواهند، یکی به‌عنوان نمونه بوده و تولید شده و الان هست. الان برای سال آینده می‌گویند نزدیک هفت فیلم از همین شـکل‌ها آماده هسـت، یعنی شش ماه اول هر چهار هفته یک فیلم از اینها اکران شود. اما خطری که وجود دارد، همان خطر سینمای قبل از انقلاب است، چون تکرار همان الگوست و یک‌جایی بیننده می‌گوید بس است.

چون اشباع می‌شود.

می‌گوینـد مـن دیـده‌ام. همین بازیگـران با همین قصه‌ها و رقـص و آوازها را می‌بینند و می‌گویند کافی اسـت و دیگر نمی‌خواهم ببینم. آن‌وقت اتفاقی که می‌افتد این اسـت که شـما دارید با فرهنگ به صورت انحصاری برخورد می‌کنید و می‌گویید اینکه یک دسته از فیلم‌هایی که من پولش را می‌دهم، آن چیزهایی است که الگوی من برای سینماست و بیننده اصلا ندارد. فیلم‌هایی در فارابی در همین دو سـال تولید شـده که اصلا به نمایش درنیامده، چند فیلم مستقیما به تلویزیون فروخته شده و تلویزیون نشان نمی‌دهد. تلویزیون بـا ایـن همـه قدرت و سـیطره و امکانات عرضه ندارد خودش فیلم بسـازد و نشان دهد؟ ما باید بسازیم. اسم ما چیست؟ بنیاد سینمایی فارابی. ما فیلم می‌سـازیم و می‌دهیم تلویزیون نشـان دهد. چون اینها نقض غرض اسـت، نشـان می‌دهـد که مدیریـت دارای ایده و تفکر و توانایی‌ای مطلقا نیسـت. یک دلیل عمده‌اش این است که هیچ‌کدام از مدیران ارشاد و نه در سینما که در بخش‌های بالاترش دانش سینمایی ندارند؛ بنابراین باید عنصر دانش و تجربه مدیریتی در آن تخصص و عنصر توانایی با هم جمع شوند تا اتفاقی بیفتد، یعنی تئوری هدایت، حمایت و نظارت بعدا هم بود و تا الان هیچ‌وقت تعطیل نشده؛ یک کم بازتر و بسته‌تر شده اما چرا دیگر تکرار نمی‌شود؟

اسمش را نمی‌برند اما هست. به شکل دیگری.

آفریـن. چـرا دیگـر آن موفقیت‌ها تکرار نشـد؟ موقعیت سـینمای ایران در جهان چه بود؟ الان صفر اسـت. در این دو سـال گذشـته موقعیت سـینمای رسـمی نه سـینمای به‌اصطلاح زیرزمینی و این چیزها صفر شـده کـه هیچ‌وقت مـا در این موقعیت نبوده‌ایـم. از موقعی که فضای بین‌المللی را حمایت کردیم که برود، هیچ‌وقت در این موقعیت نبودم. این را چه کسـی پاسخگوسـت؟ یعنی اینکه پرچم ما به صورت رسمی در هیچ جشنواره‌ای از فیلم‌هایی که تولیدکننده ما هستند، نرود، خوب اسـت؟ اگر خوب اسـت، در ورزش هم تکرار کنید و بگویید ما نرویم یا موفق نباشیم یا اصلا نباشیم، خیلی خوب است. اینکه نمی‌شود! چون شما در محدوده سیاست وقتی رابطه‌ات را با جهان به هم می‌زنی، در همه چیز تاثیر می‌گذارد. در فرهنگ کارگردانان و فیلمسـازان شـاخص الان همه‌شان چند سال است بیکار هستند و این نشان می‌دهد که این محصولات دیگر تولید نمی‌شـوند که جذاب باشـند؛ حالا بـرای این طرفی‌ها یا آن طرفی‌ها. در داخل هم تنوع و تکثر از میان رفته و دو مدل سـینما فقط وجود دارد؛ سینمای حمایتی و دولتی کامل و زیر نظر و سینمای کمدی عامه‌پسند. این دو یک‌جایی به یک مشکلی برمی‌خورند که دیگر از دست هیچ‌کس کاری برنمی‌آید. دلیلش هم این است که اندیشه محوری برای ایجاد یک مدیریت بابرنامه در کل حوزه فرهنگ وجود ندارد! و به یک معنا دوسـتی می‌گفت به نظر من این دولت در این زمینه، به قول ما هنری‌ها مینیمال

ادامه در صفحه ۱۳

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

یعنی حداقلی است که درست هم می‌گفت؛ یعنی از حداقل‌ها دارد سعی می‌کند رونق یا پروپاگاندا ایجاد کند. این نیاز به نیروهای جدید دارد که حتی ممکن است مصرف‌شان یک فیلم بیشتر نباشد. آن چیزی که در هنر و خصوصا در سینما در دنیا مطرح است، استمرار است، چون شما اوج بلوغ هنری‌ات با تجربه‌ای که به دست می‌آوری شکل می‌گیرد. وقتی کلینت ایستوود در ۹۳ سالگی آخرین فیلمش را ساخته، یعنی چه؟ یعنی هیچ‌کس را شما نمی‌توانید به زور بازنشسته کنید. وودی آلن ۸۴ ساله است. رابرت آلتمن زمانی که فوت کرد، نزدیک ۸۰ سالش بود.

حوزه علم و هنر بازنشستگی ندارد.

بازنشستگی مربوط به خود هنرمند است که احساس کند دیگر نمی‌تواند فیلم بسازد اما الان همه این نیروها حذف شده‌اند، یعنی آدم‌های حرفه‌ای خوش‌سابقه سینمای ایران در همه دسته‌ها، چه فیلم‌های مردم‌پسند و چه فیلم‌های هنری و خاص و جشنواره‌ای همه کلاکنار گذاشته شده‌اند. این برنامه‌ای است که از اواخر دوره احمدی‌نژاد با آمدن نیروهای جدید و تازه‌وارد که خیلی تحصیلات و استانداردشان مهم نبود، شروع شد، در دوران روحانی اوج گرفت و الان قله‌اش است. شما می‌بینید که همین جشنواره امسال آمارشان گفت از صد و خرده‌ای فرم پرشده، ۵۲ فیلم اولی هستند، یعنی نزدیک ۶۰ درصد تولیدات فیلم اولی هستند. آن طرف هم هیچ اسم محترم حرفه‌ای جز یکی دو نفر نمی‌بینید.

نگوییم محترم، بگوییم باسابقه؛ چون همه اینها هم ان‌شاءالله محترم هستند.

محترم به لحاظ هنری، یعنی کسی که سابقه‌اش را نگاه می‌کنیم، فیلمساز مهمی است. یکی دو نفر از اینها هستند و بیشتر از آن نیروها. این اتفاق می‌افتد چون شما باید بگویید من اگر این امکانات را می‌دهم، به کسانی می‌دهم که مورد اعتماد من هستند و چیزی که من می‌خواهم را تولید می‌کنند. جشنواره با این تولیدات آیا ارزیابی هم بعدا می‌شود که این فیلم‌ها چه شدند و کجا رفتند؟ یعنی اصلا به اکران درآمدند یا از آنها استقبال شد یا نشد! این آماری که الان من خدمت شما گفتم، از هزار میلیارد رد شد و واقعی است. این نشان‌دهنده رونق گیشه است، نه چیز دیگر.

آن هم برای چند فیلم، نه گیشه عام.

آفرین. آمار نشان می‌دهد که از این هزار میلیارد، نزدیک ۷۰ درصد مال سه فیلم است که هر سه هم کمدی هستند. سازندگان اینها هم کسانی هستند که قبلا هم این مسیر را کار کرده‌اند و در این مسیر بوده‌اند؛ بنابراین وقتی ۷۰ درصد گیشه مخاطب شما مال سه فیلم است، آن تعداد فیلمی که می‌مانند، ممکن است ۵ تا ۱۰ درصدشان به پول خودشان در اکران برسند که آنها هم بیشتر فیلم‌های کمدی هستند؛ فیلم منتقدانه اجتماعی و هنری در اینها اصلا نیست، درحالی که قبلا بوده. قبلا فیلم آقای فرهادی، حاتمی‌کیا و مهرجویی بوده یا فیلم سگ‌کشی بیضایی بوده اما الان نیست و ۸۰ درصد شکست مطلق در فرآیند اکران سینما داریم. آیا به نظر شما این سینما ورشکسته نیست؟ صنعتی که ۸۰ درصد آن شکست می‌خورد، صنعت پررونقی است؟ پس ما وقتی می‌گوییم رونق فروش و مخاطب، باید تحلیل هم داشته باشیم و قدرت تحمل نقد را هم داشته باشیم و بدانیم که ما داریم هشدار می‌دهیم این سینما با این وضعیت سینمای قابل دوامی نیست. از دهه ۶۰ که همه آن مجموعه به آن شکل بود؛ ولی ۱۰ سال فرصت داشتند این کار را بکنند. الان درست است که دولت‌ها عوض می‌شوند اما مسیری که من گفتم، حداقل در ۱۰ سال گذشته، روندش همین بوده و به این نقطه رسیده. تعداد سالن‌ها افزایش یافته و اینها پس‌فردا محصولاتی می‌خواهند که این سالن‌ها را پر کند و آن محصولات وجود ندارند. یک نوع محصول در هیچ نوع صنعت یا عنصر فرهنگی همیشه قابل دوام و احترام نبوده است. شما فرض کنید رمان‌هایی که تولید می‌کنید، همه عامه‌پسند باشند، پس کتابخانه شما مربوط به یک قشر خاص می‌شود. الان در سینما همین اتفاق افتاده است؛ الان یک محدوده ۲۵ درصد جمعیت همه همین فیلم‌ها را می‌روند. اینها یک جایی پس بزنند، تمام می‌شوند. مخاطب فیلم‌ها و تماشاگران دیگر اصلا مدتی است که سینما نمی‌روند.

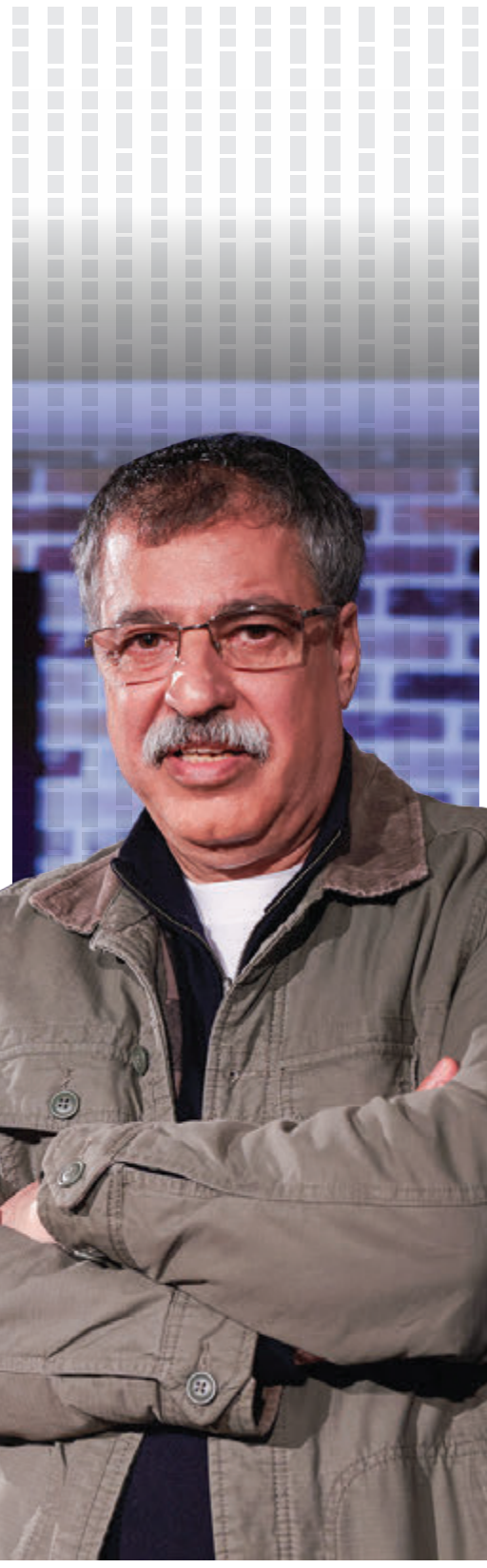

چون بحث به اینجا رسید، اتفاقا می‌خواستم این را سوال کنم. در دهه ۶۰ شمارگان کتاب را درنظر بگیرید. در موضوعات مختلف و نه صرفا موضوعات فرهنگی و هنری. موضوعات علمی، دینی و... نوع استقبال مردم از سینما و تماشای فیلم طبق آماری که شما فرمودید، سال ۸۱،۶۹ میلیون بلیت پاره شده، یعنی ۸۱ میلیون تماشاگر. جامعه میزان باسوادها در سال ۶۹ اصلا قابل مقایسه با جامعه امروز یعنی سال ۱۴۰۲ نیست. شاخصه‌های فرهنگی مثل امروز به شکل ظاهری دست‌کم در جامعه توسعه‌یافته نیست، در نسبت با امروز و مجموعه‌ای از شاخص‌ها و مولفه‌های اجتماعی و جامعه‌شناختی دیگر. از حوزه مدیریت فاصله بگیریم و به حوزه مخاطب بیاییم. چه اتفاقی افتاده که شمارگان کتاب به این وضعیت بسیار اسفناک ۲۰۰، ۳۰۰، ۵۰۰ نسخه رسیده. فیلم‌های جدی حالا اینکه چقدر کم یا جدی تولید می‌شوند، بماند اما همین چند فیلم خوبی هم که -منظورم از خوب به‌لحاظ استانداردهای سینمایی است- دست‌کم مجموعه‌هایی از شاخصه‌های فرهنگ‌وهنر را در خودش داشته باشد و ارزش افزوده‌ای به مخاطب به لحاظ فرهنگی و هنری اضافه کند و برایش به ارمغان بیاورد. به نظر شما چه اتفاقی افتاده که آن جامعه پیشرو به لحاظ فرهنگ‌وهنر و تشنه خواندن و دیدن در دهه ۶۰ به مرور روند نزولی واقعا خطرناکی را در پیش می‌گیرد؟

من فکر می‌کنم در امر فرهنگ خصوصا همه‌چیز ساده‌سازی شده است، یعنی گفتند چه چیزی راحت‌ترین محصول برای به‌دست‌آوردن امکان مالی بیشتر است! شما حتما بیشتر از من دنبال کردید، بخشی از جامعه‌شناسان وقتی در بحث حضور جامعه در ارتباطات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بحث می‌کنند، می‌گویند ما در مرحله فروپاشی هستیم. وقتی این اتفاق می‌افتد، شما در حوزه فرهنگ دقیق که شوید، می‌بینید اولا به‌دست‌آوردن چنین فضایی برای نشان‌دادن رونق و همه اینها کار بسیار ساده‌ای است، برای اینکه محدوده مشخصی از مردم را هدف قرار می‌دهیم و با آنها امور می‌گذرد. بقیه اینجا چه می‌شوند؟ یعنی آن قشری که چیز دیگری می‌خواهد. به قول شما اگر در کتاب پیدا نکند و تیراژ کتاب همین‌طور پایین بیاید، برای اینکه دیگر آن خواسته‌ها را برای آن قشر تحصیلکرده فراهم نمی‌کند، سراغ عنصر دیگری می‌رود. در فیلم پیدا نکند، سراغ محصول دیگر می‌رود؛ چه از بیرون بیاید و چه هر اتفاق دیگری بیفتد. اگر در موسیقی پیدا نکند و شما صرفا همه امکانات را در کنسرت‌های پاپ خلاصه کنید، طبیعتا بخش دیگری از موسیقی مغفول می‌ماند! چرا حسین علیزاده ناراضی است؟ چرا می‌گوید حتی من حاضر نیستم اجرایی انجام دهم. فخرالدینی الان کجاست؟ و بزرگان دیگر، مثل پیرنیاکان و ساکت و... آیا به حرف‌شان کسی اهمیت می‌دهد که اینها بگویند چه اتفاقی دارد می‌افتد و آن خطر بزرگ کجاست؟ وقتی فاصله فرهنگی بین مردم و دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده زیاد شود، این گپ را چه کسی و چه چیزی پر می‌کند؟ کالای نامرغوب به احتمال زیاد، چون کالای مرغوب برای همه فرهیختگان که وجود ندارد، حتی در سینمای جهان هم دیگر فیلم مرغوب به آن میزان نیست. معکوس این اتفاق در بحث‌های داخلی چیست؟ سینمایی که در سال ۵۶ کلا منتفی شد، یک دلیل بیشتر نداشت و این را من در دانشکده تحقیق کردم، وقتی که دانشجو بودم. برخی از دوستان سینمایی قبل از انقلاب می‌گویند وجود فیلم خارجی و سانسور. به‌نظر من اینها نبود. اینها هم بود، نه اینکه مطلق نبود اما عنصر اصلی این بود دیگر تولید فیلم خوب اصلا مقرون به صرفه نبود، یعنی وقتی هزینه ساخت و تولید یک فیلم شما ۶۰۰، ۷۰۰ هزار تومان می‌شد و در اکران صد هزار تومان فروش می‌کرد، این اصلا منتفی بود. وقتی دولت در دهه ۶۰ آمد، گفت من حمایت می‌کنم برای اینکه این اتفاق نیفتد؛ حتی خسارت فیلم‌های در اکران را دولت می‌داد. حالا این حمایت‌ها در غرب شکل دیگری دارد و بدون اعمال نظر و سفارش‌های این‌طوری است، اما به‌هرحال این حمایت‌ها هست. صندوقی هست که عوارض فیلم‌های خارجی به‌نفع سینما و فرهنگ داخلی جمع می‌شود. الان چه اتفاقی می‌افتد؟ شغل من همین است و من ضمنا یک فعال صنفی هستم. فیلم هنری مورد پسند مخاطب نه فیلمی که کسی نرود ببیند، اصلا دیگر امکان تولید ندارد، چون فیلم خوب و حرفه‌ای نیاز به ۲۰ تا ۳۰ میلیارد تومان هزینه دارد. آماری که من دیدم دوستان دادند، همین فیلم‌های پرفروش در اکران و نمایش، نزدیک به ۲۵ درصد بازگشت برای تهیه‌کننده دارد. قبلا ۳۰ درصد بوده اما الان به‌دلیل ارزش افزوده و مالیات این عدد پایین آمده. این فیلم باید ۹۰ میلیارد تومان در گیشه بفروشد که سر به سر شود. تازه کل پرده‌ها در انحصار آن فیلم‌هاست و اصلا فضایی برای دیده‌شدن شما وجود ندارد. در پلتفرم‌ها هم که یک‌روزی اگر امکانش بود، آنجا هم با هم تحلیل کنیم و بگوییم و بشنویم، وضعیت خیلی خوب نیست، با اینکه فضای ایده‌آلی در اختیار بود؛ البته آنجا امکانی است که آن نوع فیلم‌ها کمک می‌کنند اما همه آنها اکران آنلاین نمی‌شوند. منظورم این است چون مقرون به صرفه نیست، اصلا دیگر تولیدش وجود نخواهد داشت. بخشنامه‌ای دستوری مسئول سازمان سینمایی نزدیک بیش از یک سال و نیم پیش به بنیاد فارابی فرستاده. عین نامه یعنی کپی‌اش را من دیدم که کارگردانی اگر بخواهد از حمایت‌های فارابی و دولتی برخوردار شود، نباید فیلم خودش را تهیه کند. اصلا این در دنیا یک پدیده است.

با چه استدلالی؟

هیچی. ما خیلی سعی کردیم. این دوستان گفتند برای اینکه ایجاد اشتغال شود. گفتیم این نابودی است، نه ایجاد اشتغال. تازه شما فکر کنید تهیه‌کننده‌ای که می‌تواند فیلم خودش را تولید کند، طبق قانون صنفی، حداقل باید ۳ فیلم کارگردانی کرده باشد و بعد بتواند فیلم خودش را فقط تهیه کند و بعد بیش از پنج فیلم دیگر را هم تهیه کند. این آدم اصلا صفر کیلومتر نیست. کسی است مثل علی ژکان، هاشمی، کاظمی و دیگرانی که این درخواست‌ها را داشتند.

اصلا همین موضوعات را خودمان وقتی در پروانه ساخت بودیم، اگر یادتان باشد گفتیم باید ۳ فیلم بسازد و بعد فیلم خودش را تهیه کند، یعنی درواقع نوعی تصمیم صنفی- دولتی با هم بود، یعنی صنف و دولت با هم به این تصمیم خوب رسیدند.

الان این تصمیم کاملا ضدسینمایی و ضدصنفی است یعنی من حق ندارم اگر می‌خواهم از حمایت برخوردار شوم، درواقع یعنی حمایتی به تو نمی‌دهیم. خیلی روشن است. بنده که نه درخواستی دادم و نه خواهم داد اما آنهایی هم که چنین درخواست‌هایی داشتند، دیدند این‌طوری نمی‌شود، من باید از یکی درخواست کنم بیاید و او جای من که خودم کار تهیه‌کنندگی را انجام می‌دادم، کارم را انجام دهد و پولی من به او بدهم و هیچ مسئولیتی هم نخواهد داشت، چون همه کارها را دارم خودم انجام می‌دهم؛ این یعنی چه؟ این از بی‌دانشی می‌آید؟ از کج‌فهمی می‌آید؟ در این کار یک‌جور عمد هست که فیلمسازها دیگر نتوانند کار کنند و حیات داشته باشند. بدون حمایت ۲۰ تا ۳۰ میلیارد سرمایه برای سینمای حرفه‌ای استاندارد که مخاطب هم داشته باشد، چطور ممکن است وجود داشته باشد؟ اصلا تعجبی ندارد کسی با آن سرمایه برود فیلم کمدی تولید کند. حالا خیلی از این فیلم‌های کمدی هم به هدف نمی‌رسند، یعنی قرار نیست اینها همه پرفروش باشند. شما به آمار فروش در دنیا نگاه کنید، هیچ‌وقت یگانه نیست که فقط یک مدل فیلم بتواند تمام آمار فروش را داشته باشد. در آنجا هم اتفاقا سینمای کودک‌پسند و نوجوان‌پسند و ابرقهرمانی‌ها شکست خورده‌اند. الان دو سال است که کمپانی مارول در آستانه ورشکستگی است. این مال اینجا و آنجا نیست. این قانونی است که از طبیعت سینما و طبیعت هنر می‌آید.

و از طبیعت جامعه می‌آید.

آفرین. شما اگر می‌گویید الان از نظر اقتصادی طبقه متوسط حذف شده، آیا از نظر فرهنگی هم حذف شده؟ نمی‌شود این همه آدم متفاوت و تحصیل‌کرده و جوان و مطالبه‌گر را ندید بگیریم، فقط به صرف اینکه اینها ممکن است نقدها یا اعتراضاتی داشته باشند.

مردم هم اعتراض‌شان را به شکل دیگری نشان می‌دهند.

دقیقا همین است. برای اینکه در اروپا هم همین بوده. مگر جنبش دانشجویی ۱۹۶۸ از کجا شروع شد؟ جنبش بعدی در آمریکا یعنی جنبش وال‌استریت از کجا شروع شد؟ از سوی قشر متوسط تحصیل‌کرده. آن طبقه فرودست قهرمانانی که می‌خواهند، مدل‌هایی از آن در سینما وجود داشت. فیلم‌های سعید روستایی نمونه‌های بسیار خوبی بود. او هم الان نمی‌تواند کار کند. من از شما چند سوال ساده می‌پرسم؛ صداقت و حضورت در این سال‌ها معلوم بوده. الان موقعیت بین‌المللی سینمای ما در جهان چیست؟ آیا اصلا موقعیت رسمی سینمایی داریم؟

اتفاقا دیروز با مهدی عسگرپور همین صحبت شد. او تحلیلی داشت. مهدی گفت من اینجاها را کمی دایی‌جان ناپلئونی نگاه می‌کنم و بعد به این رسید که حضور نداریم، من هم قبول دارم نداریم، گفتم من هم اینجا را یک خرده دایی‌جان ناپلئونی نگاه می‌کنم، چون به‌شدت برای منافع ملی خطرناک است. ما گاهی حواس‌مان نیست وقتی مسئول می‌شویم نباید صرفا به تمناهای خود و گروه و حزب خودمان -منظورم تشکیلات سیاسی نیست- یا رفقای خودمان توجه کنیم. چهارچوب و دایره و جغرافیای بزرگی به نام ایران هست و منافع ایران. عدم حضور بین‌المللی سینمای ایران معنای بدی دارد. کاری که در دهه ۶۰ شد، اتفاقا با هوشمندی انجام شد. این انقلاب که اسمش هست انقلاب اسلامی با پدیده‌های مدرن مشکلی ندارد. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های پدیده‌های مدرن سینماست. منظورم این نیست که خواستند ریاکارانه این کار را کنند. بهشتی و انوار به سینما اعتقاد داشتند و برای سینما فضیلت قائل بودند و البته محصولات‌شان هم شد آن نوع حضور و این پرچمی که بالا رفت اما الان این پرچم بالا نیست.

درحالی‌که همه دنیا قبول کردند ما در واقعیت دست بردیم. چطور ممکن است خانمی تنها در اتاقی حجاب داشته باشد؟ ما واقعیت را قلب کردیم، تازه این موقعیت به‌دست آمد. من فقط مهم‌ترین نقدی که به آن دوران دهه ۶۰ دارم، به لحاظ تئوریک این است که شما اسبی را زین کردید بعدا سوارکاران نابلد سوارش شدند و همان راه را ادامه دادند و زمین خوردند. خود اسب را هم ناکار کردند اما به‌لحاظ روشی یک نکته اینکه می‌شد برای اینها راه‌حل پیدا کرد و این‌جوری غیرممکن نبود، چون آن فضا به‌هرحال فضایی بود که قدرت دولت و حکومت و خود شخص اول مملکت پشت این ماجراها قرار گرفته بود. همین که فیلم «گاو» فیلم خوبی است، یعنی چه؟ این پیام یعنی چه؟ یعنی سینمای هنری را تقویت کنید؛ سینمایی که به اندیشگی نزدیک است وگرنه نمونه‌های دیگر هم خیلی بود و می‌توانستند از آنها هم مثال بزنند و بگویند. نکته بعدی اینکه چرا تعدادی که عشق و حرفه و شغل‌شان این بود، کلاکنار گذاشته شدند؟ برای آن هم می‌شد به مرور راه‌حل پیدا کرد. الان که من نگاه می‌کنم و آن دوره را می‌بینم، واقعا اتفاقی نمی‌افتاد، کما اینکه کارگردانان، نویسندگان و فیلمبرداران توانستند کار کنند فقط بازیگران، آن هم تعداد معدودی؛ کما اینکه ایرج قادری بعدا کار و بازی کرد.

مرحوم فردین هم اگر بازی می‌کرد، هیچ اتفاقی نمی‌افتاد.

هیچ اتفاقی نمی‌افتاد.

من اتفاقا با مرحوم فردین برای مجله‌ام گفت‌وگو کردم. به ایشان گفتم الان اگر بخواهند اجازه دهند بازی کنی، من جای تو باشم بازی نمی‌کنم، گفت چرا؟ گفتم یک فاصله هست. فردینی که مردم قبل از انقلاب روی پرده سینما دیدند، آن قیافه را دارد و خوش‌تیپ و ژیگول است و می‌خواند، یا عارف است یا ایرج و کسانی هم که روی نوار ویدئو شما را دیدند، باز همان است اما فردینی که الان جلوی من نشسته، موهایش یک‌دست سفید است و یک فاصله وجود دارد. اگر فردین در سینما حضور می‌یافت، هیچ اتفاقی نمی‌افتاد.

کما اینکه در ورزش این اتفاق نیفتاد. کار فوتبالیست‌ها و وزنه‌برداران ادامه پیدا کرد. آرام‌آرام نسلی جایگزین شد. پروسه فرهنگ پروسه‌ای تدریجی است. امسال اگر شما می‌گویید ما پررونق‌ترین و پرمخاطب‌ترین هستیم، فردا ممکن است شکل دیگری پیدا کند، برای اینکه تدریج است که در اینجا نتیجه می‌دهد. من بخواهم کلامم را جمع‌بندی کنم، به دوستانی که در دولت یا بالاتر تصمیم‌گیر هستند، می‌گویم شما این آمار رونق اقتصادی در گیشه را صرفا کنار این قرار بدهید که چند درصد از فیلمسازهای حرفه‌ای الان بیکار هستند. بیشترین میزان بیکاری در این ۴۰ ساله الان است. چند درصدشان ممنوع‌الکار هستند؛ از همه نوع شامل بازیگر، کارگردان، نویسنده؟ بیشترین میزان. چند درصد مهاجرت کرده‌اند؟ بیشترین میزان. اینها به شما دارد آلارم می‌دهد و زنگ خطر است. در صنفی که خود من فعالیت دارم که تهیه‌کنندگان و کارگردانان هستند، آمار یک به یک ما گرفتیم و نه آمار کلی، یعنی منشی به همه زنگ زده و دیده ۹۵ درصد اعضای این صنف که معتبرترین فیلم‌های بعد از انقلاب مال اینهاست؛ از فرهادی تا داوودنژاد، پناهی، پوراحمد، حمیدنژاد و... بیش از سه سال است که کاملا بیکار هستند. اگر کسی به فکر حداقل موقعیت مدیریتی خودش هم هست، باید به این آلارم توجه کند. این انعکاس خواهد داشت. این تبعات خواهد داشت. این واکنش‌ها را برخواهد انگیخت. یک آدمی که در جامعه و محله خودش حدودی از اعتبار را دارد، چطور باید زندگی کند؟ این آدم که تنها حرفه و تخصصش همین است و نشان داده که بلد است بیکار است. چرا کسی پیگیر رفتن آقای فرهادی یا بیضائی و امثال اینها نیست؟ اینها کجا و چرا رفتند؟ اینها بخشی از هویت فرهنگی این دوران تاریخی ما هستند. چه آقایان دوست داشته باشند و چه دوست نداشته باشند.

حالا اگر نگوییم هویت، بخشی از کارنامه فرهنگی ما هستند.

من معتقدم حتما هویت هستند. سینمای ایران بدون اینها معنایش چیست؟ یک بخش در خارج است، یک بخش در داخل است، یک بخش هم در هر دو تاست، یعنی فیلمسازانی که هم در خارج و هم در داخل اعتباری داشتند. این اعتبارها شخصی و فردی نیست.

سرمایه ملی است؛ مثلا بهرام بیضایی سرمایه ملی بود و هست.

آفرین و همه در آن نقش دارند. فقط این نیست که یک مدیر اگر پول دستش است، بگوید من به دوستم می‌دهم و به آنهایی که من را قبول ندارند، نمی‌دهم. این جزء اموال عمومی است و اگر کسی می‌خواهد حسابرسی کند، بیاید به این رسیدگی کند.

وقتی تفکر به این سمت می‌رود که با منها کار کنیم، این دایره منها هی روزبه‌روز تنگ‌تر شده و وسیع‌تر نمی‌شود. بواش‌بواش این و آن و آن دیگری منها می‌شوند و در آخر خودمان می‌مانیم و حوض‌مان و الان در آن شرایط خطیر هستیم که شما هم اشاره کردید.

در تمام سال‌های دهه ۶۰ هم در جشنواره فجر همه فیلم‌هایی بودند که فارابی حمایت می‌کرد. اگر می‌خواهند این را بگویند هم من الان پاسخ‌شان را می‌گویم، ولی هر فیلمسازی فیلم خودش را می‌ساخت. آقای مهرجویی اگر کمدی هم می‌ساخت، می‌شد اجاره‌نشین‌ها. دیگر اینهایی که الان هستند، نمی‌شد.

بیضایی «باشو» می‌ساخت، تقوایی «ناخداخورشید» می‌ساخت.

بیضایی «سگ‌کشی» را می‌ساخت فارابی حمایت کرد.

حالا «سگ‌کشی» برای بعد از دهه ۶۰ است، ولی باز هم خودش ساخت. «وقتی همه خوابیم» آخرین فیلمش را هم باز خودش ساخت.

بنابراین اگر ما به این انحصار سینمای پروپاگاندای تبلیغاتی و سینمای عامه‌پسند تبلیغاتی به‌سرعت خاتمه ندهیم، انحصاری خطرناک خواهد بود. من اولین‌بار ۵ سال پیش در نشست مطبوعاتی فیلم آخرم این حرف را زدم و گفتم من ترجیح می‌دهم در چنین شرایطی که این اتفاق دارد می‌افتد، مشارکت نداشته باشم. حالا تازه شروعش بود. گفتم، اعتراضم را این‌طوری بگویم. این خیلی فضای بدی است که نه تهیه‌کنندگی بتوانیم بکنیم و نه کارگردانی و نه محصولی که به‌هرحال مخاطب داشت. شما آمارها را نگاه کنید، بنده و آقای داوودی و داوودنژاد و فخیم‌زاد و مرحوم پوراحمد و بنی‌اعتماد و همه ما مخاطب داشتیم. شما اینها را حذف کردید! آیا مجوزی برای این کار دارید؟

سبد فرهنگی ما را لاغر کردند. جامعه‌ای که سبد فرهنگی‌اش لاغر باشد، ضررهایش در درازمدت خودش را نشان می‌دهد. در کوتاه‌مدت کمترین ضرر را ما می‌توانیم بگوییم اما در درازمدت این لاغرشدن سبد فرهنگی خیلی اثر منفی خواهد داشت، چون به‌سختی دیگر می‌توان آن سبد فرهنگی را احیا کرد، یعنی زمان زیادی می‌برد.

به نظر من آن زمان ممکن است دیگر آن نیروها نباشند یا ممکن است آن فضای اجتماعی نباشد و مردم به سمت چیزهای دیگر گرایش پیدا کرده باشند و از آنها تغذیه فکری و فرهنگی‌شان را بکنند یا در محیط‌هایی که محیط جمعی این‌طوری نیست، در تریاها، پارک‌ها قرار بگیرند.

بعد به سر خودمان بزنیم که چه کاری کردیم! به‌عنوان جمله آخر به نظر شما آقایان باید چه کار کنند؟ البته ما هم خودمان را جزئی از اینها می‌دانیم و خودمان را جدا نمی‌کنیم.

مهم‌ترین عنصری که حتی در تفکر فلسفه معاصر هم خیلی به آن بها می‌دهند، نقد است. اگر نقد اتفاق بیفتد و نقد مصلحانه باشد، حتی تند، ادامه‌اش به گفت‌وگو منجر می‌شود و گفت‌وگو مفیدترین چیز برای جامعه است. الان هیچ گفت‌وگویی میان هنرمندان در تمام شاخه‌ها و مسئولان رده‌بالا مطلقا وجود ندارد. من یک‌بار سخنان وزیر محترم ارشاد را سرچ کردم و یک جمله فرهنگی پیدا نکردم. یک جمله حتی مربوط به شاخصه فرهنگی در نگاه بالاترین مسئول فرهنگی ندیدم. این نشان می‌دهد که احتمالا یا این‌کاره نیستند یا دانشش را ندارند یا اشتباه شده یا هر چیز دیگر، مثلا تیم زیرمجموعه‌اش. شما خاطرتان هست حتی در دوره اول خاتمی که وزیر بود، رئیس سازمان سینمایی وزیر سینما بود و ایشان هم وزیر ارشاد بود. حیدریان وزیر سینما بود و مسجدجامعی وزیر ارشاد؛ حتی شمقدری با همه آن اتفاقاتی که پیش آمد، وزیر سینما بود و حسینی وزیر ارشاد. الان یک مسئولان و مدیرانی را آن بالا می‌گذارند و یک مدیرانی را خودشان می‌گذارند. اینها با هم همگون نیستند و هیچ ایده‌ای ندارند برای اینکه بگویند ایده ما برای رفتن از نقطه آ به نقطه ب چیست و چگونه این مسیر را باید برویم و چه کار می‌خواهیم بکنیم. یک عضو پروانه ساخت ممکن است تئوریسین همه اینها باشد، در پروانه نمایش هم باشد. اشکال ندارد. تئوری شما اگر این است بگویید تا ما نقدش کنیم.

تکلیف ما با شما روشن نیست.

بله. این عدم گفت‌وگو و ارتباط بین نیروهای درون سینما به‌عنوان هنرمندان و بیرون از سینما با مسئولان و مدیران و با جامعه وقتی منقطع شود، به نظر من خطر واقعی آنجاست. امیدوارم دیر نشود و بشود برای آن زودتر یک فکری کرد و این گفت‌وگوها را به‌صورت جمعی با گروه‌های مختلف سازمان‌دهی کرد. با فرهیختگان موسیقی و تئاتر و...

هنر تجسمی و حجمی.

شما نگاه کنید می‌بینید در حوزه کتاب، نوشته و رمان و همه اینها این مساله است.

کتاب بنیاد فرهنگ هم هست.

فقط هم در محدوده وزارت ارشاد خلاصه نمی‌شود. کل چهار وزارتخانه فرهنگی شامل آموزش‌وپرورش، آموزش عالی، میراث فرهنگی و وزارت ارشاد ضعف عجیب و مفرطی در این زمینه دارند که نمی‌توانند با کسانی که اهل هستند و می‌دانند و شناخت و دانش دارند، گفت‌وگو کنند. حداقلش این است که شما در یک رودررویی قرار می‌گیرید و معلوم می‌شود عیارتان چیست. این به جامعه کمک می‌کند که گفت‌وگو را یاد بگیرد. بداند که مسائل از طریق گفت‌وگو حل می‌شوند. اگر به این نتیجه رسید که گفت‌وگو فایده‌ای ندارد، آن‌وقت دیگر انتهای کار است.

امیدوارم مجموعه صحبت‌هایی که اینجا مطرح می‌شود کمک‌کننده باشد. برای آنچه شما فرمودید و من هم در آغاز پخش این برنامه‌ها در یوتیوب و آپارات یک یادداشت نوشتم که در روزنامه «فرهیختگان» هم منتشر شد که قاف متکلم وحده نیست و به گفت‌وگو می‌اندیشد. ما بنا داریم به گفت‌وگو کمک کنیم. قرار نیست کار خیلی بزرگی انجام دهیم اما همین که کمک کنیم و به سهم خودمان در کنار دیگرانی که برای گفت‌وگو تلاش می‌کنند، تلاش کنیم، شاید ان‌شاءالله برکاتی برای جامعه داشته باشد.

من هم امیدوارم این نقدها و گفت‌وگوهای شما با دوستان و همکاران دیگر باعث نشود که دوستان برداشت شخصی کنند. شخصی‌اش نکنند، چون جایی دیدم که گفته بودند اینها با رونق مخالف هستند.

مگر می‌شود خانواده خودش با رونق مخالف باشد.

آفرین. این حرف اصلا با طبیعت ما همخوانی ندارد. ما اصلا حرف می‌زنیم که مخاطب داشته باشیم و به محض اینکه فیلم می‌سازیم، خودمان در معرض نقد قرار می‌گیریم. شما هم خودتان را در معرض نقد قرار داده و مسائل را شخصی نکنید. به هیچ وجه حرف‌های من جنبه شخصی ندارد. من زندگی شخصی‌ام اینقدر هست که بتوانم از نظر اندیشه و مالی آن را رتق‌وفتق کنم. این را یک پلن کلی ببینید.

ادامه از صفحه ۱۲

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

چند نقد بر فیلم سینمایی «آپاراتچی»

نمی‌شود دوستش نداشت

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

«آپاراتچی» فیلمی نیست که کسی بتواند از آن بدش بیاید. حتی اگر این فیلم عده‌ای سینه‌چاک تمام‌عیار نداشته باشد، حتما خیلی‌ها هستند که با فضای نمکین آن ارتباط خوبی پیدا می‌کنند و فیلم را صمیمانه دوست دارند. فیلم به‌وضوح از جذابیت نوستالژی‌ها بهره می‌گیرد اما در روزگاری که فیلم‌های نوستالژیک سینمای ایران بسیار پرتعداد شده آنچه آپاراتچی را متفاوت می‌کند، اولا بخشی از نوستالژی‌های جامعه ایران است که سراغ آن رفته یعنی شهرستان‌ها و روستاهای دور از مرکز و ثانیا نوع نگاهی است که به آن نوستالژی‌ها دارد. فیلم از بعضی مناسبات آن دوران انتقاد می‌کند اما برخلاف نمونه‌هایی که در فضای هم‌عصر آن قصه می‌گویند با نگاه طبقه متوسط امروزی، مناسبات دیروز را قضاوت نمی‌کند و حتی تا آخرین لحظه حرمت نسل پدران را نگه می‌دارد. آپاراتچی یکی از شیرین‌ترین فیلم‌های سینمای ایران است که درباره عشق به خود سینما ساخته شده است.

سینماتوگراف آدم تربیت می‌کند!

ایمان عظیمی
منتقد

بالاخره در پنجمین روز از جشنواره فجر چشم‌مان به جمال فیلمی روشن شد که می‌توان روی کیفیت خوبش به اجماع دست یافت. «آپاراتچی» روایت یک جوان عشق سینماست که می‌خواهد شانس خود را برای ساخت فیلم بلند سینمایی در ابتدای شکل‌گیری حکومت جمهوری اسلامی امتحان کند و با جادوی سینما ره ۱۰۰ ساله را یک شبه به سامان برساند. فیلم موفق می‌شود با هجو مناسبات موجود در بطن اجتماع آن دوران و همین‌طور افراد سرشناس در دستگاه قضای جمهوری اسلامی توقع مخاطب را از تماشای یک اثر موجه و نسبتا خوب برآورده سازد. آپاراتچی به برهه‌ای از زمان اشاره دارد که تکلیف سینمای ایران مشخص نبود و هر دسته و گروهی سعی داشت سازش را در دستگاه خودش کوک کند. عده‌ای با تغییر مضمون فیلم‌هایشان خواستند همان اسلوب فیلمفارسی را به دوران تازه بیاورند و حرف‌شان را به کرسی بنشانند و عده دیگری نیز درصدد صادر کردن نسخه پاراجانف و تارکوفسکی و حقنه آن به ذائقه مخاطب بودند. با فیلمی خوش‌ریتم طرف هستیم که به‌هیچ‌وجه تماشاگرانش را اذیت نمی‌کند و می‌تواند با جلوه‌های صوتی و همین‌طور بازی‌های خوب بازیگرانش تا انتها از مخاطب خنده بگیرد. حرف‌های بیشتر بماند برای اکران عمومی...

با زبان بی‌زبانی تو را می‌جویم

آراز مطلب‌زاده
منتقد

در میان حجم انبوهی از فیلم‌های متبحر ارگانی و فیلم‌های حقیر بیش بها داده شده «آپاراتچی» فیلمی است بی‌ریا، متواضع و تاحدی دلنشین در رثای عشق به سینما. فیلم با لحنی شیرین و خودمانی ـ خواسته یا ناخواسته ـ به بازخوانی دهه ۶۰ پرداخته است. قهرمان فیلم در دل هیاهوهای دهه ۶۰ به دنبال معشوق خود، سینماست و در پی این هدف به هر روشی متوسل می‌شود تا خانواده، جامعه و حاکمیت این عشق را به رسمیت بشناسند. عشقی سحرآمیز که قادر است آدم‌ها، روابط و باورها را دگرگون سازد و گفتمان دگماتیک حاکم بر آن سال‌ها را دستخوش انعطاف کند. فیلم در این مسیر ابدا به ورطه نوستالژی‌پروری نمی‌افتد، ارجاعاتی خوشایند و دقیق به سینمای ایران و جهان دارد و با خلاقیتی کمیاب با مفاهیمی مقدس مثل شهید شوخی می‌کند. البته آپاراتچی خالی از ایراد نیست. ایراد عمده‌اش هم به بحران هویت بومی/زبانی‌اش بازمی‌گردد. فیلم اگر به زبان ترکی ساخته می‌شد و از عناصر جغرافیایی و هویتی آذربایجان بهره‌های بهتری می‌جست، قطعا نتیجه مطلوب‌تر می‌شد. با این حال همچنان هم جزء انگشت‌شمار آثار جشنواره است که مخاطب را آزار نمی‌دهد، به شعورش توهین نمی‌کند و تا پایان در سالن سینما نگهش می‌دارد.

همه‌چیز زیر سر پاراجانف بود

محمد قربانی
منتقد

قصه «آپاراتچی» با پارادیزوبازی و معرفی پسرکی شروع می‌شود که می‌خواهد در سال‌های اول پس از انقلاب، درباره یکی از شهدای ترورشده تبریز فیلم بسازد. اما در پایان، فیلم با مرد چاقوکشی بسته می‌شود که به واسطه بازی در نقش شهید، متحول شده است. علت این تشویش و بلاتکلیفی در روایت را باید در حرفی که از سوی سرمایه‌گذاران فیلم به آن تحمیل شده، جست‌وجو کرد. حضرات به دنبال حل مسائل روز در گذشته هستند و سعی می‌کنند فضا و اتفاقات دهه ۶۰ را با نوستالژی بازی ماستمالی کنند. چند باری به این مساله اشاره می‌شود که شهید مدنظر، در بین مردم به بی‌رحمی معروف است و او را به‌عنوان قاتل می‌شناسند. درحالی‌که هیچ «مردم»ی در فیلم نمی‌بینیم و ارجاع اثر به مردمی است که در سال ۱۴۰۲ فیلم را تماشا می‌کنند. شخصیت‌ها بی‌آنکه چیزی در فیلم ببینیم، مرتب به موانع فیلمسازی اشاره می‌کنند اما تنها نماینده خشکه‌مذهب‌های ضدسینمای دهه ۶۰، یک پیرمرد چلاق سنتی است که پسرش ـ نقش اول فیلم ـ را مرتب از فیلمسازی منع می‌کند. مساله همین‌قدر تقلیل یافته و دم‌دستی شده است. حاکمیت کاملا حذف شده و تنها یک امید روحانی پشت میزنشین داریم که عکس تارکوفسکی و پاراجانف را پشت سرش زده و جلوی فیلم را می‌گیرد. راست می‌گویید: همه چیز زیر سر پاراجانف بود.

درباره فیلم سینمایی «مجنون»

ستاره دنباله‌دار

محمد قربانی
منتقد

«مجنون» با اختلاف بهترین فیلم جشنواره تا امروز است. فیلمنامه تا اواسط پرده دوم آنقدر دقیق است که کمتر ایرادی به آن می‌توان گرفت. در افتتاحیه، دوربین پشت زین‌الدین حرکت می‌کند و چهره‌اش را نمی‌بینیم. زین‌الدین برای ماندن اخراجی‌ها در جمع رزمندگان وساطت می‌کند و پس از این «عمل» است که دوربین اولین بار چهره او را نشان‌مان می‌دهد. این یعنی زین‌الدین قرار است به‌واسطه کنش‌هایش شناسانده شود و اثر می‌خواهد روی پای خودش بایستد و چیزی را به بیرون حواله ندهد. در ادامه نیز با حساسیتی ویژه، زین‌الدین در نسبت با خانواده‌اش، معاونش، برادرش و سربازانش، کنش‌محور و در موقعیت‌هایی حساب‌شده شخصیت‌پردازی می‌شود. دقت کارگردان در پرداخت لحظات اساسی فیلم ـ به‌ویژه در نیمه اول ـ بسیار تحسین‌برانگیز است. برای مثال با کلوزهایی که در لحظه خداحافظی از همسر زین‌الدین می‌گیرد، یک وداع جانانه می‌سازد. یا صحنه فوق‌العاده پریدن رزمنده‌ها در آب که پس از تمردشان و به‌واسطه رفتار و کنشمندی زین‌الدین، اتفاق می‌افتد. اولین عملیات هم عالی کارگردانی شده و به دنبال شخصیت‌پردازی دقیق زین‌الدین، فرودآمدنش در مجنون، فرودآمدن فرماندهی باهوش و مقتدر از آب درمی‌آید که تماشاگر مدیریت و رهبری‌اش را باور کرده است. ما با شخصیتی مواجه‌ایم که از طرفی زمینی است و دلش پیش دختر و همسرش و از سوی دیگر فرمانده جنگی است که همواره با نقشه‌ها و راه‌حل‌هایش، یک قدم از بقیه جلوتر است. فیلمساز در میدان جنگ هم موفق است و تدوین خوب فیلم در صحنه‌های درگیری، به عیار فیلم اضافه کرده است. استفاده دقیق از نقشه در فیلم نیز ابتکار دیگر آن است. به‌واسطه نقشه، جغرافیای عملیات را به‌دقت برای تماشاگر ترسیم می‌کند و بیننده را صاف می‌گذارد کنار رزمندگان و در دل عملیات. از موسیقی و نورپردازی اغلب حساب‌شده فیلم هم نگذریم که لحظاتی از فیلم را بسیار شاعرانه کرده‌اند. صحنه شهادت شهید قمی روی پای اخراجی آذری و مرثیه‌خوانی ترکی او برای شهید ازدست‌رفته در حضور زین‌الدین، با آن نور لطیف و آن موسیقی درست، یکی از بهترین صحنه‌های تاریخ ژانر دفاع مقدس است. میانه فیلم حدود ۲۰ دقیقه اضافه دارد. ۲۰ دقیقه‌ای که از کلیشه‌های ژانر دفاع مقدس به فیلم تحمیل شده و حذف‌شان برای نسخه اکران، مجنون را به فیلمی کم‌نظیر تبدیل خواهد کرد. راه‌رفتن زین‌الدین میان رزمندگان، اسلوموشن‌های طولانی، کلوزهای نابجا از زین‌الدین و... که قصه را هم معطل کرده‌اند، اضافات فیلمند. اما فیلم پس از پرده دوم، مجددا جان می‌گیرد و آن صحنه عالی حرف زدن زین‌الدین با بی‌سیم را می‌بینیم. قبلا رابطه زین‌الدین با رزمندگان و فرماندهی‌اش بر قلب‌های آنها را دیده‌ایم و حالا موفقیت فرماندهی او در میدان، ماحصل همین فرماندهی بر دل‌ها تصویر می‌شود. دوربین در این لحظه از لانگ به زین‌الدین که برگشته و به سمت بی‌سیم نگاه می‌کند، نزدیک می‌شود و این نزدیک شدن، همان ماندن رزمندگان از شهرهای مختلف کشور پشت زین‌الدین است و همچنین لبیک ما به مهدی زین‌الدین. در انتها تصمیم فیلمساز برای نشان ندادن لحظه شهادت زین‌الدین نیز هوشمندانه است. در صحنه آخر ـ شش ماه بعد از ماجرای فیلم ـ تشییع زین‌الدین روی دست مردم را می‌بینیم؛ درحالی‌که باز هم دوربین مثل اولین لحظات فیلم، از زین‌الدین جا می‌ماند. زین‌الدین ستاره دنباله‌داری است که فیلمساز به اندازه همان چند لحظه‌ای که او را در آسمان دیده، تصویرش کرده است و حالا در انتها با رساندن فیلم به تصاویری مستند از تشییع شهید، از او ستاره‌ای دست‌نیافتنی می‌سازد.

داستان یک نبرد هوایی به یاد قهرمان ملی

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

«ستاره غرب»، «ناجی غرب»، «فاتح گردنه‌ها»، «ستاره درخشان جنگ کردستان» و... ازجمله لقب‌هایی است که به او بعد از شهادتش نسبت دادند. به غیر از آن مصاحبه قدیمی که در ابتدای جنگ از تلویزیون پخش شد، اولین آشنایی ما با کاراکتر علی‌اکبر شیرودی با سریال «سیمرغ» بود و حالا محمد عسگری تصویر جدیدی از این خلبان را به پرده سینما آورده است. «آسمان غرب»، روایتش را به روزهای ابتدایی جنگ در کرمانشاه و منطقه بازی دراز برده است. پادگان ابوذر روایتگر داستانی شده که در همه صحنه‌ها مخاطب را پای قصه نگه می‌دارد و نمی‌تواند نگاه از پرده نمایش بردارد. محمد عسگری که سال گذشته با «اتاقک گلی» در جشنواره فیلم فجر همه را شگفت‌زده کرده بود، در تجربه جدیدش دوباره به سراغ یک اکشن رفته که حتما نقطه پررنگی در پرونده سینمایی‌اش می‌شود. صحنه‌های درست و کادربندی صحیح در صحنه‌های پروازی، کار سخت فیلمساز است. این قصه مستعد روایت‌های اینچنین است به‌خصوص در نقاطی که هلی‌کوپترها به پرواز درمی‌آیند تا آن حمله‌های به یادماندنی در تپه‌های بازی دراز که در تاریخ جنگ ایران و عراق به یاد مانده است را تصویر کند. میلاد کی‌مرام، نقش شهید شیرودی را بازی می‌کند و با یک نگاه کلی می‌توان گفت که توانسته از پس این نقش بربیاید، اما باز هم خیلی نمی‌توان کاراکتر علی‌اکبر شیرودی که لقب‌هایش در ابتدای متن آمده را در این بازی پیدا کرد. شیرودی در آن مقطع زمانی به جای اینکه به حرف فرماندهان بالارتبه‌اش گوش دهد، به گفته خودش کنار مردم می‌ماند. این دوگانگی انتخاب بین فرمانبرداری از یک مسئول و تمرد به شرط کنار مردم بودن، در بخش‌هایی از فیلم می‌توانست به شخصیت‌پردازی این کاراکتر در فیلم کمک کند اما فیلم فرصت نزدیک شدن به کاراکتر شهید شیرودی را ندارد. شاید گفته شود این فقط سه روز از اتفاقات متعدد پادگان ابوذر است اما نکته مهم اینجاست که باید کاراکترسازی به‌گونه‌ای صورت بگیرد که مخاطب شناخت کاملی از شخصیت اصلی داشته باشد. مخصوصا که این شخصیت قرار است معرف یک قهرمان ملی باشد. هر چقدر که شخصیت اصلی داستان، از آن حدی که انتظار می‌رود کمی دور شده اما کاراکترهای فرعی دوست‌داشتنی هستند و به پیشبرد قصه کمک می‌کنند. آسمان غرب داستان دارد. همزمان با روایت پادگان ابوذر، عشایری که آنجا هستند و روستاهای اطرافش را پیش می‌برد و این داستان‌گو بودنش و همان کاراکترهای فرعی که در بالا اشاره شد، روایت عسگری را به درستی به مخاطب منتقل می‌کند. حسن دیگر این فیلم رفتن سراغ شخصیت‌های تاریخی جنگ است که کمتر از آنها نام برده می‌شود. شهید حمیدرضا سهیلیان یکی از آن قهرمانان ملی است که در این فیلم، خیلی کوتاه به او پرداخته شده است. شیرودی درباره او می‌گفت: «به‌طور معمول خلبانان هدف را از روبه‌رو منهدم کنند. اما سهیلیان هلیکوپتر را سربالا می‌گرفت و به‌طور منحنی به هدف شلیک می‌کرد. این کار از هر کسی برنمی‌آید و تسلط بسیار بالایی می‌خواهد. تسلط فراوانی بر فنون خلبانی داشت. وقتی از او می‌پرسیدم تو چطور به این شکل به تانک شلیک می‌کنی؟ حمیدرضا هم جواب می‌داد: «کار من نیست، هرچه هست لطف خداست.» در جایی از فیلم بعد از شهادت سهیلیان، یکی از خلبانان می‌گوید: «روزی همه یادشان می‌رود که سهیلیان در این منطقه چه کاری انجام داد؟» آسمان غرب به ما یادآوری می‌کند که چه کسانی توانستند حتی در آسمان‌ها هم مرزهای این کشور را حفظ کنند.

نگاهی گذرا به حضور زنان فیلمساز در سینمای بعد از انقلاب

جای خالی زنان فیلمساز در جشنواره ۴۲

مصطفی قاسمیان
خبرنگار

در فهرست فیلم‌های بخش اصلی رقابتی چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر که شامل ۲۲ فیلم داستانی بلند است، فیلم سینمایی «دست ناپیدا» ساخته انسیه شاه‌حسینی به چشم می‌خورد که به‌نوعی نماینده زنان فیلمساز در بخش سودای سیمرغ امسال محسوب می‌شود. به خلاف حضور تک فیلم او در این دوره، کارگردانان زن در تاریخ جشنواره فیلم فجر حضور درخشان و تاریخ‌سازی داشته‌اند که از جوایز اصلی شامل بهترین فیلم و بهترین کارگردانی، تا تقدیرهای ویژه جشنواره مثل بهترین فیلم از نگاه ملی و جایزه ویژه هیات داوران را دریافت کرده‌اند. تنها با نگاهی به ادوار این جشنواره، می‌توان مطمئن شد که فیلمسازان زن در سینمای ایران جایگاه ویژه‌ای دارند و در هر عرصه‌ای، رد پای آنها دیده می‌شود تا هیچ‌کجای این سینما، کاملا مردانه نباشد؛ از فیلم‌های مهم تاریخ سینما تا پرفروش‌ها و حتی فیلم‌های سخت و پیچیده جنگی و بیگ‌پروداکشن. گویی اگر حضور زنان فیلمساز را بخشی از یک رقابت نانوشته با مردان فیلمساز بدانیم، آنها در هیچ بخش این رقابت، پا پس نکشیده‌اند. این حضور چشمگیر البته با حضور تزئینی زنان در سینمای قبل از انقلاب اسلامی اصلا قابل قیاس نیست.

پیش از انقلاب؛ تزیین سینما با زنان

در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، زنان در سینما جایگاهی عموما حاشیه‌ای داشتند و به ندرت می‌توان پیش از انقلاب فیلمساز زنی را در سینمای ایران یافت. همان دو سه نفری نظیر زنده‌یاد شهلا ریاحی هم که فیلم ساختند، آثار پرشماری در کارنامه کارگردانی خود ثبت نکردند. نگاه به زنان در سینمای پیش از انقلاب اسلامی به‌نوعی تزئینی بود و این امر را از نقش‌های سپرده‌شده به آنان در فیلم‌های سینمایی هم می‌توان دریافت. بسیاری از ستاره‌های زن سینما در آن دوران، نقش‌هایی بیشتر اغواگرانه و حتی عروسک‌گونه داشتند تا هنرمندانه. به عبارت دیگر بیش از آنکه هنر و خلاقیت بازیگر زن مورد استفاده فیلمساز قرار گیرد، جنسیت و ظاهر او بود که مدنظر فیلمساز و کلیت صنعت سینما قرار داشت. اهمیت بسیاری از بازیگران زن نیز در توانایی رقص آنها بود! در این میان نه نقش‌های چالش‌برانگیز و خاصی برای بازیگران زن نوشته می‌شد و نه اغلب هنرپیشه‌های آن دوران که در اثر مسائل دیگری وارد سینما شده بودند، توانایی ایفای آن را داشتند. از همین رو است که می‌توان گفت پیش از انقلاب اسلامی اغلب مشاغل کلیدی و مهم سینما در اختیار مردان بود و زنان همان‌قدر که حضور داشتند، بیشتر به‌عنوان بازیگر و با همان وضعیت تزئینی که ذکر آن آمد، دیده می‌شدند. نکته بسیار پراهمیت آنکه حالا بعد از گذشت بیش از چهار دهه از آن دوران، تبلیغات برخی رسانه‌های فارسی‌زبان طرفدار پهلوی، کاملا متفاوت از واقعیت آن ایام است.

پس از انقلاب؛ نقش‌آفرینی‌های مهم زنان

در مقابل آنچه از سینمای پیش از انقلاب اسلامی خواندید، سینمای پس از انقلاب اسلامی در همان سال‌های نخست، از حضور فیلمسازان زن، نقش‌های چالش‌برانگیز و مهم برای زنان و البته درخشش هنرمندانه بازیگران زن در آنها بهره‌مند شد؛ سینمایی که عوامل جذابیت ظاهری دوران قبل را کنار گذاشته بود، فضای تازه‌ای را برای هنرنمایی زنان سینماگر فراهم کرد و در همین فضا ناگهان زنان هنرمند درخشیدند. پوران درخشنده، مرضیه برومند، تهمینه میلانی، رخشان بنی‌اعتماد و فریال بهزاد پنج کارگردان زنی به شمار می‌روند که در همان سال‌های اول پس از انقلاب پشت دوربین فیلم‌های بلند سینمایی قرار گرفتند و تاریخ سینمای ایران را از نو نوشتند. این زنان فیلمساز و البته جانشینان خلف آنان طی دهه‌های بعد، قله‌هایی را فتح کردند که برای سینماگران زن پیش از انقلاب اساسا تعریف نشده بود. امروزه نگاهی اجمالی به وضعیت زنان در سینمای ایران، حقایق روشنی را پیش چشم هر ناظر منصفی قرار می‌دهد. از خاستگاه‌ها و نحله‌های مختلف اجتماعی و فکری فیلمسازهای زنی برآمده‌اند که در ژانرهای مختلف فعالیت می‌کنند و اتفاقا بسیاری از آنان موفق هستند؛ چهره‌هایی شاخص و بااستعداد که به سینمای مختص خود دست یافته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به نرگس آبیار و آیدا پناهنده اشاره کرد که صاحب‌سبک هستند و دنیای سینمایی آنان دنبال‌کنندگان پرشماری در میان سینمادوستان دارد.

نقش‌آفرینی در تاریخ سینما

برخی از مهم‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران ساخته فیلمسازان زن است که از جمله آنها می‌توان به «روسری آبی» ساخته رخشان بنی‌اعتماد اشاره کرد. این فیلم که به مساله عشق در میان‌سالی می‌پردازد، در آن دوران به اثری تبدیل شد که بحث‌های فراوانی را در جامعه به‌وجود آورد و البته بسیار پرفروش هم شد. فاطمه معتمدآریا هنرپیشه نقش اصلی «روسری آبی» یک فیلم مهم و درخشان دیگر نیز با رخشان بنی‌اعتماد دارد. این اثر با عنوان «گیلانه» که در نیمه دهه ۸۰ ساخته شد، درامی اجتماعی با مضامین دفاع مقدسی است که به‌عنوان یکی از محصولات شاخص سینمای جنگ و مرتبط با جنگ شناخته می‌شود. حداقل یکی دو اثر از پوران درخشنده نیز جایگاهی والا در تاریخ سینمای اجتماعی ایران دارد؛ یکی «بچه‌های ابدی» درباره کودکان دارای عقب‌ماندگی ذهنی و دیگری «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند» با مضمون تعرض جنسی. درخشنده که با دغدغه‌های انسانی و شریف خود شناخته می‌شود، «پرنده کوچک خوشبختی» را با نگاهی به آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت در ایران ساخت. طی دهه ۹۰ نیز حداقل دو فیلم از نرگس آبیار فیلمساز شاخص این دهه که با موضوعات ملی و استراتژیک ساخته شد، در یادها ماند و جریان ساخت: «شیار ۱۴۳» درباره مادران شهدا و «شبی که ماه کامل شد» درباره مقابله ایران با گروه‌های تروریستی.

فاتحان گیشه

اگرچه اغلب فیلم‌های یادشده در بند قبل در نمایش عمومی مورد توجه قرار گرفتند و حتی بعضی پرفروش هم شدند، اما جالب است بدانیم که به‌طور کل، فیلمسازان زن در فهرست فیلم‌های پرفروش تاریخ سینمای ایران و دهه‌های مختلف آن سهم مناسبی دارند. در جریان سینمای کمدی که حالا بر سینمای ایران سلطنت می‌کند، عناوین متعددی به کارگردانی زنان ساخته شده که در گیشه، توفیق چشمگیری یافته‌اند. «آتش‌بس» ساخته تهمینه میلانی سال ۸۵ با جذب حدود دو میلیون تماشاچی که در دهه ۸۰ رقمی قابل توجه محسوب می‌شد، پرفروش‌ترین فیلم سال و یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های این دهه شد. میلانی نویسندگی فیلمنامه این اثر را نیز برعهده داشت. مشابه این اتفاق دو سال بعد برای «دایره زنگی» پریسا بخت‌آور رخ داد که همچنان به‌عنوان اثری دارای استانداردهای کیفی یک فیلم کمدی به یاد می‌آید. فیلم‌های پرفروش و گیشه‌ای غیرکمدی هم البته به کارگردانی فیلمسازان زن ساخته شده است که روسری آبی، نمونه‌ای از آن است. بالاتر از آن می‌توان «دو زن» اثر تهمینه میلانی را ذکر کرد که با بیش از ۳ میلیون نفر تماشاچی، دومین فیلم پرفروش سال ۷۸ لقب گرفت و در مجموع یکی از موفق‌ترین فیلم‌های نیمه‌دوم دهه ۷۰ هم بود. حتی «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند» نیز به نسبت تعداد سینماروهای ایرانی در اوایل دهه ۹۰، با جذب نزدیک به ۹۰۰ هزار تماشاگر، چنین شرایطی یافت. در سینمای عروسکی نیز که پس از سال‌های نخست انقلاب اسلامی با ورود کاراکترهای عروسکی به سینما ایجاد شد، مرضیه برومند فیلمساز شاخص ایرانی دو بار موفق به فتح گیشه شده است؛ یک بار در دهه ۶۰ و یک بار در دهه ۹۰، با دو فیلم «شهر موش‌ها». بی‌تردید او را می‌توان یکی از دو چهره مهم سینمای عروسکی طی این چهار دهه دانست که هم با عروسک‌ها، خاطرات بسیاری برای ما ساخته و هم در گیشه توفیق یافته است.

اجرای فیلم‌های سخت

به خلاف برخی تصورات که توان اجرای زنان را برای هدایت صحنه‌های عظیم، پرهنرور و مملو از زد و خورد، ناکافی می‌داند، کارگردانان زن ایرانی در موارد متعددی فیلم‌های اکشن و جنگی را با پروداکشن بزرگ ساخته‌اند که محصولات درخشانی از آب درآمده. پرچمدار این آثار و این زنان فیلمساز را می‌توان نرگس آبیار دانست که با شبی که ماه کامل شد، قدرت کارگردانی خود را نشان داد. فیلم «دسته دختران» نیز که همین امسال روی پرده سینماها رفت، با وجود انتقادهایی که به آن شد، اثری است که می‌تواند اثباتی بر توان اجرای صحنه‌های عظیم جنگی، توسط یک فیلمساز زن باشد؛ آن هم با فیلم دومش. منیر قیدی البته پیش از آن فیلم دفاع مقدسی موفق‌تر «ویلایی‌ها» را نیز کارگردانی کرده بود که صحنه‌های جنگی کمتری داشت. با این حال هرگونه صحبت از حضور زنان کارگردان در سینمای دفاع مقدس، بدون ذکر نام یک نفر ناقص است؛ انسیه شاه‌حسینی. او که تنها کارگردان زن این دوره از جشنواره فیلم فجر است، با فیلم «دست ناپیدا» در این دوره از جشنواره حضور یافته است. بعد از تماشای این فیلم خیلی دوست دارم از او بپرسم کجای دنیای فیلمسازی قرار گرفته است که پس از سال‌ها تجربه کار و هنرورزی در سینما هنوز نتوانسته به جایگاه قابل قبولی دست پیدا کند. فیلم اگرچه با دغدغه‌های شریف ساخته شده است، اما نتیجه تلاش‌ها برای ساخت آن، به اثری غیرقابل دفاع انجامیده است.

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

باشگاه پرسپولیس تحت‌الشعاع شایعه برکناری درویش

آشتی بیرانوند و امیری بعد از بازی با ژاپن

جذب مهاجم برزیلی فعلا منتفی است

حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

پرسپولیس دور جدید تمرینات خود را در تهران از عصر دیروز در ورزشگاه شهید کاظمی آغاز کرد. در روزهایی که سرخپوشان در دبی به سر می‌بردند چمن این ورزشگاه ترمیم شد و فعلا شرایط این زمین برای برگزاری تمرینات شاگردان اوسمار مناسب است. سرخپوشان قرار است تا شروع مسابقات لیگ بیشتر تمرینات تاکتیکی را به مانند تمرین روز گذشته در برنامه‌های خود داشته باشند و به‌دنبال حریف تدارکاتی نیز هستند. این در شرایطی است که بازیکنان پرسپولیس از هر لحاظ آماده بازی با نفت و گاز گچساران در جام حذفی نیز بودند اما بنا به صلاحدید رضا درویش و اوسمار درخواست لغو این بازی برای سازمان لیگ ارسال شد و مورد موافقت نیز قرار گرفت.

پشت‌پرده جدایی دستیاران یحیی

همان‌طور که پیش از این در خبرها داشتیم دستیاران یحیی گل‌محمدی بعد از بازگشت تیم‌شان به تهران تصمیم گرفتند با پرسپولیس قطع همکاری کنند. البته انتظار می‌رفت خانبان به‌عنوان آنالیزور در کنار تیم بماند، اما از قرار معلوم شرایطی که در دبی وجود داشت کار را به جایی رساند که هر دو دستیار مورد اعتماد یحیی خودشان تصمیم به کناره‌گیری بگیرند. اتفاقی که برخی از مسئولان باشگاه انتظارش را می‌کشیدند. البته اگر فکر کنیم دلیل جدایی این دو مربی از کادرفنی سرخپوشان فقط جنبه فنی داشته یا خواسته اوسمار بوده سخت در اشتباه بوده‌ایم، از این جهت که ارتباط نزدیک این دو مربی مخصوصا محمد عسگری با یحیی عمده‌ترین دلیل برای ایجاد فضایی برای آنها بود که خودشان تصمیم به جدایی گرفته و مجبور شوند بخشی از قراردادشان را نیز به باشگاه ببخشند.

شاهرودی گزینه پیشنهادی پیروانی

با جدایی مهرداد خانبان و محمد عسگری در حال حاضر فقط سید جلال حسینی از کادر ایرانی یحیی در پرسپولیس باقی مانده است که او قطعا به کارش ادامه خواهد داد. در این میان نیز افشین پیروانی به باشگاه درخواست داده که یک دستیار ایرانی دیگر به کادرفنی سرخپوشان اضافه شود. در این میان او رضا شاهرودی را به رضا درویش پیشنهاد داده است. موردی که با استقبال او نیز مواجه شده و اگر اتفاق خاصی رخ ندهد و اوسمار مخالفت نکند به‌زودی نهایی خواهد شد. ناگفته نماند که شاهرودی در مصاحبه اخیرش نیز رسما خودش را به پرسپولیس پیشنهاد داد؛ هر چند او می‌دانست پیروانی توصیه‌اش را به مدیریت این باشگاه کرده است.

مربی گلرها به همراه آنالیزور در کادرفنی

از قرار معلوم شرایط مالی بد پرسپولیس باعث شده مسئولان این باشگاه تصمیم بگیرند برای پست مربی دروازه‌بان‌ها قید مربی خارجی را زده و به یک مربی داخلی اعتماد کنند. در این میان نظر علیرضا بیرانوند هم خیلی مهم است. هفته گذشته اشاره داشتیم به اینکه داود فنایی و محسن سیدی که هر دو سابقه کار کردن در پرسپولیس را دارند از گزینه‌های داخلی این باشگاه برای مربی دروازه‌بان‌ها هستند. در همین راستا نیز با خبر شدیم خود بیرو علاقه‌مند به کار کردن با سیدی است و اگر اتفاق خاصی رخ ندهد این مربی به‌زودی در کنار اوسمار مشغول به کار خواهد شد. سیدی سال‌ها مربی نفت تهران بود و دروازه‌بان‌های جوان زیادی از جمله سوشا مکانی، حامد فلاح‌زاده، وحید شیخ‌ویسی، علیرضا بیرانوند و... زیر نظر او چهره شدند. او در زمان سرمربیگری کالدرون در پرسپولیس نیز مربی دروازه‌بان‌های این تیم بود.

شایعه برکناری درویش

کارمندان باشگاه پرسپولیس بیشتر از یک سالی می‌شود که بعضا حقوق‌های خود را نامنظم دریافت می‌کنند و بابت برخی اتفاقاتی که در باشگاه‌شان رخ می‌دهد از رضا درویش چندان دلخوشی ندارند. در همین راستا برخی از آنها از خبرنگاران، بیشتر از وزارت ورزش پیگیر ماندن یا رفتن درویش می‌شوند. از این رو روز گذشته در مورد برکناری درویش در پرسپولیس حرف و حدیث زیاد بود و برخی اعتقاد داشتند او حتی ممکن است قبل از مجمع باشگاه که روز بیست‌وچهارم بهمن‌ماه خواهد بود از سمتش برکنار شود؛ هر چند اگر قرار بود وزارت ورزش در این مورد تصمیم‌گیرنده نهایی باشد، درویش خیلی زودتر از اینها جایش را به مدیر دیگری داده بود.

مهاجم برزیلی فعلا منتفی است

باشگاه پرسپولیس اواخر هفته گذشته اقدامات اولیه را برای جذب ویلن موتا انجام داد و حتی قرار شد برای این مهاجم برزیلی ویزا و بلیت سفر به تهران را تهیه کند که به یکباره این تلاش‌ها متوقف شد. گویا این موضوع چند دلیل داشته است؛ اول اینکه اوضاع مالی باشگاه پرسپولیس اصلا مساعد نیست و چه بسا اگر قرار بود درویش برای خرید این بازیکن اقدام می‌کرد، سرخپوشان به‌خاطر عدم دریافت حق و حقوق عقب‌افتاده خود اعتصاب می‌کردند. جذب عبدالکریم و مربی برزیلی خودش کلی حرف و حدیث بین بازیکنان ایجاد کرد که اگر پول در باشگاه هست چرا به آنها پرداخت نمی‌شود! مساله بعدی این است که گویا یک سری اخبار حاشیه‌ای پیرامون این بازیکن در تایلند است تا حدی که گفته می‌شود که او در این کشور بیش از حد به تفریحات اهمیت می‌دهد و از این رو خیلی نمی‌توانند روی او به عنوان بازیکن حرفه‌ای حساب کنند. در هر صورت فعلا باشگاه پرسپولیس از هرگونه اقدامی برای جذب موتا عقب‌نشینی کرده و باید دید در روزهای آتی چه اتفاقی در این زمینه رخ خواهد داد.

سرخپوشان فعلا کوتاه آمدند

بازیکنان پرسپولیس از شرایط مالی خود رضایت ندارند و در روزهای اخیر بارها این موضوع را از طرق مختلف به اطلاع مدیریت باشگاه رسانده‌اند. در همین راستا نیز بعد از بازگشت تیم از امارات، درویش صحبت‌هایی را با سروش رفیعی داشته و به وی قول داده ظرف چند روز آینده با دریافت قسط دوم ایرانسل ۱۰ تا ۱۵ درصد از قرارداد اعضای تیم را پرداخت خواهد کرد. از این رو سرخپوشان قرار شد فعلا به جای اعتصاب روی تمرینات تمرکز کرده و اگر این بار هم وعده درویش عملی نشد، تصمیم به اعتصاب بگیرند. ناگفته نماند باشگاه پرسپولیس بعد از دریافت پول از ایرانسل باید بخش قابل توجهی از آن را برای پرداخت مالیات رادوشویچ هزینه کند تا بتواند پنجره نقل‌وانتقالاتی خود را باز کند. ضمن اینکه عبدالکریم حسن هم هنوز پیش‌قسط خود را دریافت نکرده است و زمان پرداختی به او نیز فرا رسیده است.

آشتی بیرو و امیری

چند روز پیش خبر دادیم بعد از بازی ایران و سوریه، وحید امیری با استوری عکس بیرانوند از او تقدیر می‌کند اما با کم‌محلی این دروازه‌بان مواجه می‌شود. ناراحتی بیرو از دوست صمیمی‌اش نیز به عدم حمایت او از موضع مثبتش در مورد اوسمار برمی‌گشت. به‌هرحال با رسانه‌ای شدن اختلاف بیرو و امیری نزدیکان آنها حسابی تعجب کرده و پیگیر ماجرا شدند. در همین راستا بیرو بعد از بازی ایران و ژاپن که خیلی خوشحال بوده با امیری تماس گرفته و کدورت‌ها را برطرف می‌کند. این دو سال‌هاست که در فوتبال ایران همبازی هستند و همشهری نیز به حساب می‌آیند. به‌خاطر همین مساله هم اختلاف به وجود آمده بین آنها برای خیلی‌ها عجیب بود.

اخبار کوتاه

فرمول جدید مدیریت خطیر

ترس صندلی، ماشاریپوف را استقلالی کرد

باشگاه استقلال در روزهای اخیر با حواشی زیادی روبه‌رو بوده و اختلافات بین سرمربی و مدیریت باشگاه همانند روزهای ابتدای فصل دوباره علنی شده است. مصاحبه اخیر نکونام در واکنش به بیانیه باشگاه درباره علت لغو اردوی این تیم در دبی نشان داد که اوضاع برای آبی‌ها چندان خوب نیست و در این شرایط هواداران باشگاه هم سخت به دنبال این هستند تا تیم برای نیم‌فصل دوم تقویت شده و نفرات جدیدی که در لیست خرید سرمربی تیم قرار دارند به جمع آبی‌ها اضافه شوند. با این حال سرانجام روز یکشنبه کانال رسمی باشگاه استقلال خبر داد که جلال‌الدین ماشاریپوف، کاپیتان تیم ملی ازبکستان به جمع بازیکنان این تیم اضافه شده است و او پس از سیلوا، دومین خرید زمستانی باشگاه محسوب می‌شود. این اتفاق درحالی رخ داد که در روزهای اخیر خبرهایی درباره احتمال کنار رفتن خطیر از صندلی مدیریت باشگاه شنیده می‌شد و حالا به نظر می‌رسد این اخبار باعث شده تا مدیرعامل آبی‌ها به سرعت دست به کار شده و برای اینکه صندلی مدیریتی خود را حفظ کند در نقل و انتقالات از انفعال خارج شده است. این احتمالا فرمول جدید برای مدیریت باشگاه استقلال و علی خطیر است تا صدرنشین کنونی لیگ بتواند در ادامه فصل با رقبای خود رقابتی نزدیک و شانه به شانه داشته باشد.

چرا مطالبات قرمزها پرداخت نشد؟

نگرانی درویش از پرداختی ۵ درصدی

باشگاه پرسپولیس روز گذشته در نظر داشت برای جلوگیری از اعتصاب بازیکنان تیمش ۵ درصد از قرارداد آنها را پرداخت کند که از این کار صرف نظر کرد. گویا برخی از سرخپوشان مانع این امر شده‌اند، از این جهت که آنها اعتقاد دارند پرداخت فقط ۵ درصد از قرارداد بیشتر از آنکه اعضای تیم را خوشحال کند موجب اعتراض آنها خواهد شد. به هر شکل درویش فعلا به دنبال این است تا از منابع دیگری برای اعضای تیمش پول جور کند یا اینکه ممکن است باز هم تعدادی از بازیکنان بزرگ‌تر پرسپولیس فعلا دریافتی نداشته باشند تا به بقیه نفرات پول بیشتری برسد. اتفاقی که قبل از دربی هم در اردوی پرسپولیس رخ داد و کاپیتان‌های این تیم با از خودگذشتگی مانع به‌هم ریختن جو تیم شدند.

فولاد؛ رکورددار جابه‌جایی بازیکن

مارتینز همچنان به دنبال جذب بازیکن خارجی

خوان ایگناسیو مارتینز، سرمربی اسپانیایی فولاد مانند خیلی از مربیان خارجی دیگری که وارد فوتبال ایران می‌شوند به دنبال این است تا چند بازیکن خارجی به تیمش اضافه کند. او که خوب می‌داند فولاد با مشکل پربودن سقف قرارداد و لیست بزرگسالانش مواجه است، خواستار خروج چند بازیکن شده تا جا برای جذب نفرات خارجی مدنظرش باز شود. در همین راستا باخبر شدیم که نفراتی چون منشا، لوکاس و واسعی بعد از علی شجاعی در خطر خروج از لیست فولاد قرار دارند. البته همه این نفرات تحت قرارداد باشگاه فولاد هستند و تا زمانی که همه حق و حقوق خود را نگیرند حاضر به جدایی نخواهند شد. در کل باشگاه فولاد در چند سال اخیر بیشترین جابه‌جایی بازیکن را داشته و در این زمینه در فوتبال ایران رکورددار محسوب می‌شود.

احمد صافی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: لیگ ایران به خاطر مشکلات اقتصادی از ظرفیت گنج‌زاده، عسگری و خدابخشی در این فصل محروم است

به دنبال بازپس‌گیری قهرمانی و هشتمین جام هستیم

دانشگاه آزاد به ظرفیت کاراته ایران اضافه کرده است

مهدی منصرف
خبرنگار

فصل جدید رقابت‌های سوپر لیگ کاراته کشور از روز چهارشنبه ۱۸ بهمن آغاز خواهد شد و ۷ تیم حاضر در رقابت‌های این دوره به رقابت خواهند پرداخت. دانشگاه آزاد به عنوان یکی از قدیمی‌ترین باشگاه‌های سوپر لیگ کاراته کشور در شرایطی در رقابت‌های امسال حاضر خواهد شد که بعد از پاره شدن روند هت‌تریک قهرمانی این تیم در دوره گذشته، امسال به دنبال هشتمین قهرمانی خود خواهد بود. احمد صافی، سرمربی تیم دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» در خصوص شرایط این تیم در آستانه مسابقات صحبت کرد که در ادامه می‌خوانید.

شرایط تیم دانشگاه آزاد در آستانه فصل جدید رقابت‌های سوپر لیگ چگونه است؟

اول از همه خوشحال هستم که دانشگاه آزاد در شرایطی که ۲۰ تیم در رشته‌های مختلف ورزشی دارد، امسال نیز کاراته را جزء رشته‌های اصلی خود قرار داد. خوشبختانه ما نیز تیم را تکمیل کردیم و از ۱۴ بازیکن در بخش کومیته و ۴ بازیکن در کاتا استفاده خواهیم کرد. کادرفنی ما نیز نسبت به سال گذشته تغییری نکرده است. البته از یک طرف از اینکه نتوانستیم تعدادی از بازیکنان خوب کاراته را در ترکیب تیم خود و حتی تیم‌های دیگر در رقابت‌های این فصل داشته باشیم، ناراحت هستم. لیگ ایران در رقابت‌های فصل جاری از حضور ستاره‌هایی چون سجاد گنج‌زاده، بهمن عسگری و مهدی خدابخشی محروم است.

از لحاظ بازیکن با چه شرایطی در مسابقات حاضر خواهید شد؟

خوشبختانه کاپیتان تیم ملی، ذبیح‌الله پورشیب را به عنوان یکی از قدیمی‌ترین، باوفاترین و باتعصب‌ترین بازیکنان باشگاهی در کنار خود داریم. پورشیب ۱۶ فصل در ترکیب ما حضور داشته است و تنها در مقطعی برای پشت سر گذاشتن خدمت مقدس سربازی و در یک دوره نیز به دلایلی در کنار ما نبود. پورشیب در تمامی این سال‌ها یکی از موثرترین بازیکنان ما بوده است و امسال نیز از تجربه و توانایی فنی‌اش استفاده می‌کنیم. در کنار او در سبک وزن از علی مسکینی و پوریا اقدسی به عنوان ملی‌پوش و بازیکن ملی استفاده خواهیم کرد. در کنار این بازیکنان از حضور رضا بشارتی، سیدعلی کریمی، رضا عنایتی، عبدالله ولدی، سامان عدالتی، امیرحسین فداکار، ابراهیم حسن‌بیگی، علی‌اکبر دستجانی، رضا پورمحمد، اسماعیل معتمدی و علی کرمی نیز بهره خواهیم برد. در بخش کاتا نیز همچنان تنها تیم کاتای ایران که در مسابقات جهانی موفق به کسب مدال شده است، یعنی تیم استان مرکزی متشکل از ابوالفضل شهرجردی، علی زند و میلاد فرازمهر با مربیگری قاسم شهرجردی را خواهیم داشت. در کنار این نفرات از حضور یکی از نخبه‌های آینده کاتا به نام جاوید بهمن‌جاه که در آخرین انتخابی کاتا به مقام دوم رسید نیز استفاده خواهیم کرد. فکر می‌کنم با بودن سرپرست خوبی مثل حسن‌زاده و مربیانی مانند مهدی احمدی، حمیدرضا فرهادی و ایمان گل‌محمدی تیم خوبی بسته شده باشد و همچنان یکی از مدعیان باشیم. هر چند کاراته ورزش لحظه‌ای و سخت است، اما قطعا خودمان و تیم‌های دیگر می‌دانند که دانشگاه آزاد را نباید دست‌کم گرفت.

دانشگاه آزاد در رشته کاراته همیشه نقش پررنگی داشته است و تقریبا تمام ستاره‌های ارزشمند کاراته ایران در این سال‌ها در این تیم حضور داشتند.

دانشگاه آزاد یا به ظرفیت کاراته ایران اضافه کرده است یا از ظرفیت‌های آن خوب استفاده کرده است. از مهدی عموزاده به عنوان اولین دارنده طلای جهان تا حسین روحانی، جاسم ویشگاهی و حتی سجاد گنج‌زاده به عنوان تنها طلایی المپیک کاراته استفاده کردیم.

به عدم استفاده کاراته ایران از ظرفیت قهرمانانی مانند گنج‌زاده، عسگری و خدابخشی در لیگ اشاره کردید. این نفرات به دلایل شرایط مالی قصد حضور در لیگ را ندارند؟

متاسفانه یکی از ضعف‌های باشگاه صنعتی کشور تنها پرداختن به رشته فوتبال است و از طرفی متاسفانه مدیران عالی رتبه ورزش نیز با اینکه که از اهمیت ورزش‌های انفرادی مانند کاراته، کشتی، تکواندو و جودو در رنکینگ کاروان ورزش کشور در بازی‌های آسیایی، کشورهای اسلامی و المپیک آگاه هستند و از نقش موثر این رشته‌ها اطلاع دارند، اما اراده‌ای برای تقویت این بخش‌ها نداشتند؛ موضوعی که باعث شده است همچنان شاهد ضعف اقتصادی ورزشکارانی باشیم که در تاریخ ورزش ایران نقش برجسته داشتند؛ ضعفی که با مدیریت استراتژیک و صحبت با مدیران ذوب‌آهن، سپاهان، مس کرمان، گل‌گهر و نساجی قابل حل است. شاید یکی از اهداف سازمان لیگ باید این باشد که گروهی را برای مکاتبه و دعوت مدیران صنعتی ایجاد کند. فدراسیون نیز اگر به دنبال حفظ و دوام حضور ورزشکاران مستعد در این رشته است، باید با جذب اسپانسرها بتواند بخشی از مشکلات اقتصادی ورزشکاران را حل کند و آنها را دلگرم‌تر کنند.

این نفرات به دلیل شرایط مالی با تیمی به توافق نرسیدند؟

درخواست مالی این نفرات غیرمنطقی نبود، اما نسبت به بودجه باشگاه‌ها بالاتر بود و باشگاهی نمی‌توانست با هزینه جذب سه بازیکن، یکی از این نفرات را به خدمت بگیرد.

این نفرات سال گذشته در بیمه تعاون حضور داشتند. با توجه به این شرایط یعنی در فصل جاری مسابقات هیچ تیمی را همراهی نخواهند کرد؟

متاسفانه بیمه تعاون نیز امکان جذب گنج‌زاده، عسگری و خدابخشی به عنوان نفرات شاخص و تاثیرگذار در کاراته را نداشت.

پیشنهاد مالی این نفرات چقدر بوده است که هیچ تیمی توان پرداخت آن را نداشت؟

خواسته‌های این نفرات بالا نبود. پورشیب نیز یکی از بازیکنانی است که روی تیم خود تعصب دارد و می‌توانست پیشنهاد ما را نپذیرد، اما با این حال با حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون گران‌ترین بازیکن لیگ است. خواسته نفراتی مانند گنج‌زاده، عسگری و خدابخشی نیز بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون بود که واقعا دریافت آن حق‌شان و حتی بیشتر است. اما وقتی یک بودجه‌ای برای ۲۰ تا ۳۰ نفر تقسیم می‌شود، پرداخت این مبالغ به یک بازیکن، تیم‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. البته باید از باشگاهی مانند دانشگاه آزاد به خاطر سالیان سال حمایت تشکر کرد، اما یک جا دیگر یک دست صدا ندارد و دانشگاه نمی‌تواند همه مشکلات ورزش ایران را به تنهایی پوشش دهد.

به نظر شما حضور ۷ تیم در رقابت‌های سوپر لیگ حالت خوشی دارد؟ بهتر نبود با تعطیلی یک‌ساله و تلاش برای جذب اسپانسرها تلاش کرد مسابقات سال آینده با تعداد بیشتر تیم برگزار شود؟

با تعطیلی لیگ مخالف هستم، چراکه با چنگ و دندان این روزنه‌های امید را نگه داشته‌ایم. از اولین مربیان حاضر در سوپرلیگ هستم و حتی سه سال ابتدایی پول نمی‌گرفتیم و از سال چهارم پول گرفتیم. در همین شرایط تیمی مانند آوای رزم از بازیکنان مستعد به این امید استفاده کرده است تا این نفرات ملی‌پوش شوند و تعطیلی مسابقات به ضرر این بازیکنان مستعد خواهد بود. باید صورت مساله را به گونه دیگری طرح و حل کرد. اگر ورزش ایران در آینده به دنبال موفقیت در قهرمانی جهان، بازی‌های آسیایی و بازی‌های المپیک است باید بخشی از تامین هزینه‌ها را در بخش باشگاهی برای ورزشکاران درست کند تا ورزشکار هم از لحاظ فنی پیشرفت کند و هم ورزشکار حداقل با پایین‌ترین حقوقی که یک فرد می‌تواند امرار معاش کند در این رشته دوام بیاورد.

چقدر امیدوار هستید بعد از قهرمانی فصل گذشته بیمه تعاون در فصل جاری این عنوان را از تیم بازپس‌گیرید؟

تعاون دو بازیکن المپیکی در فصل گذشته داشت و دو برابر ما سرمایه‌گذاری کرد و ساختار تیمی آن بر اساس توجه به اقتصاد تیم و نفرات ستاره بسته شد. با این حال به این تیم ۱۵-۱۳ باختیم و شاید اگر پورشیب آسیب ندیده بود این اتفاقات رقم نخورده بود. با این حال معتقد هستم حق تیمی که بهتر بسته شده و سرمایه‌گذاری بیشتری کرده است، موفقیت است. ما امسال تیم جوانی داریم و حتی نمی‌توانم بگویم بیمه تعاون می‌تواند قهرمان مطلق شود. حضور تنها دو بازیکن ملی‌پوش در ترکیب کومیته و کاتا یک فرصت برای بازیکنان جویای نام است تا هم تیم خود را نجات بدهند و هم نام خود را سر زبان بیندازند. با این حال تا لیگ شروع نشود نمی‌توان از مدعیان قهرمانی صحبت کرد، اما صد درصد به دنبال هشتمین قهرمانی هستیم. سیاست ما برای تشکیل تیم پس گرفتن عنوان قهرمانی است و می‌دانیم کار راحتی نیست و امیدواریم با تلاش بچه‌ها و کادرفنی و حمایت دانشگاه آزاد قهرمان شویم و فاصله خود را در تاریخ کاراته ایران با باشگاه‌های دیگر بیشتر کنیم.

چرا سیاستگذار ایرانی باید ماجرای تورم ترکیه را پیگیری کند

درس زلزله اقتصادی ترکیه؛ «با دقت بخوانید»

پانیذ رحیمی
خبرنگار

اوایل ژوئن ۲۰۲۳ حفیظه غایه ارکان با حکم ریاست‌جمهوری ترکیه به ریاست بانک مرکزی منصوب شد. این انتصاب پایانی خوشی برای رئیس بانک مرکزی ترکیه نداشت و سرانجام تنها هشت ماه پس از تصدی سکان ریاست این بانک، اولین زن رئیس بانک مرکزی ترکیه در روزهای گذشته از این سمت استعفا داد یا کنار گذاشته شد. کارشناسان اقتصادی می‌گویند ارکان، قربانی سیاست‌های متناقض اقتصادی ترکیه و شخص اردوغان شده است. به عبارتی درحالی بانک مرکزی این کشور یکی از شدیدترین سیاست‌های انقباضی را اجرا می‌کند، اما در سمت دیگر اردوغان برای اهداف سیاسی و به روش‌های پوپولیستی اقدام به پول‌پاشی می‌کند که به‌راحتی می‌تواند اثر آن سیاست‌های انقباضی را خنثی کند. اینکه چرا سیاست نرخ بهره که با استقبال بسیاری از اقتصاددانان در ترکیه و حتی در کشورمان مواجه شد، در این کشور جواب نداد و ارکان را قربانی خود کرد، موضوعی است که دو اقتصاددان به آن پاسخ می‌دهند.

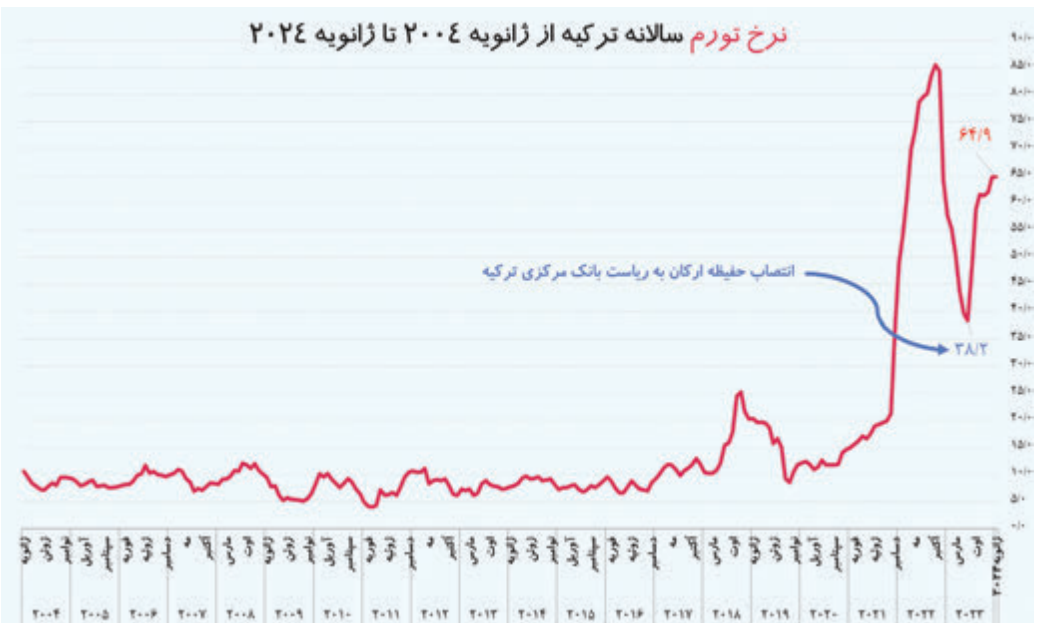

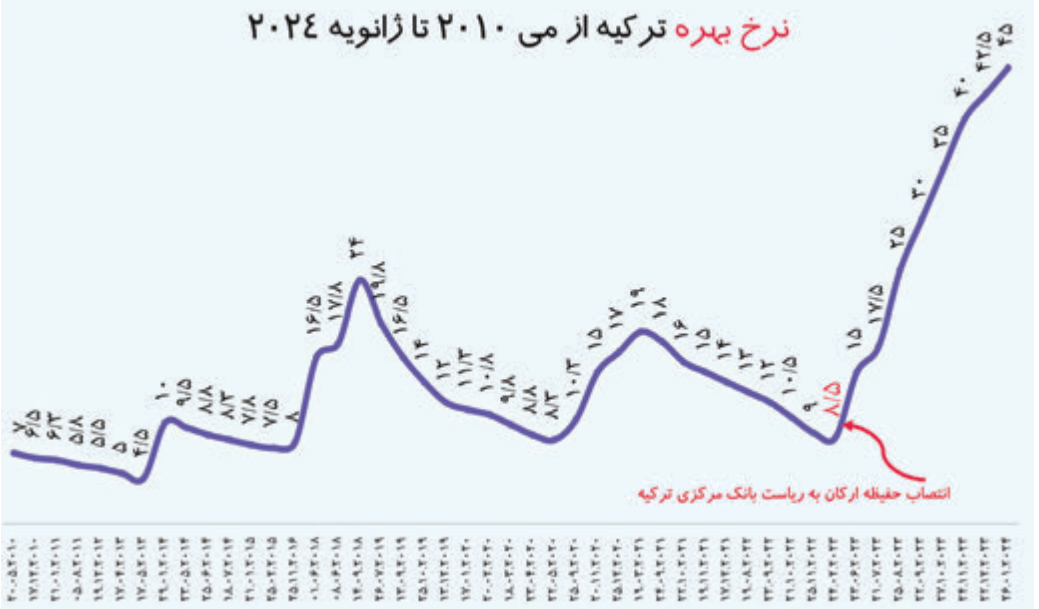

سندرم استعفای بی‌قرار در بانک مرکزی ترکیه

زهرا فتوره‌چی، عضو هیات‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه اردبیل که فارغ‌التحصیل دانشگاه حاجت تپه ترکیه نیز هست، در گفت‌وگویی در صفحه مجازی یوتیوب خود در تشریح دلایل اتفاقات اخیر در بانک مرکزی ترکیه اظهار داشت: «دلیل ظاهری کناره‌گیری رئیس بانک مرکزی ترکیه این بود که کمپینی با هدف اعتبارزدایی علیه حفیظه ارکان تشکیل شد. او درباره کناره‌گیری خود گفت نمی‌خواهد خانواده و فرزند یک‌ونیم ساله‌اش تحت تاثیر این کمپین قرار بگیرد. او همچنین در بیانیه خود اشاره کرد در طول این مدت که ریاست بانک مرکزی را برعهده داشته تلاش کرده ثبات و استقرار قیمت را به اقتصاد ترکیه بازگرداند و امیدوار است میوه‌های سیاست پولی انقباضی یا افزایش نرخ بهره در آینده بتواند به اقتصاد ترکیه بازگردانده شود. پس از آن مهمت شیمشک، وزیر مالی خزانه ترکیه در بیانیه خود اشاره کرد که برنامه اقتصادی دولت جدید که تحت کنترل اردوغان است ادامه خواهد یافت. پیشینه و ساختار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دینی و حتی ژئوپلیتیکی یک کشور می‌تواند بر تاثیرگذاری نتیجه یک سیاست موثر باشد. ممکن است یک سیاست مثل سیاست پولی انقباضی در آمریکا نتیجه‌بخش باشد اما در ایران و ترکیه نتیجه‌بخش نباشد. متاسفانه سیاستگذاران کشورها این ابعاد را در سیاستگذاری در نظر نمی‌گیرند.» فتوره‌چی در ادامه می‌گوید: «به نظر می‌رسد سندرم استعفای روسای بانک مرکزی در ترکیه رخ داده اما مساله این است که دلیل روسای بانک مرکزی قبلی و قبل از دوره حفیظه ارکان این بود که آنها می‌خواستند سیاست انقباض پولی در ترکیه را اجرا کنند اما در مقابل، سیاست تحمیلی اردوغان به روسای بانک مرکزی، سیاست انبساطی بود. اردوغان تصمیم می‌گرفت ذخایر بانک مرکزی آزاد شود، نرخ بهره کاهش پیدا کند و روسای بانک مرکزی به صورت مستقل عمل نمی‌کردند. در زمان حفیظه ارکان سیاست‌های اقتصادی ترکیه ۱۸۰ درجه از سیاست انبساطی به سمت سیاست انقباضی تغییر جهت داد اما درنهایت حفیظه ارکان هم مثل روسای بانک مرکزی سابق استعفا داد. این روند و تغییرات پی‌درپی روسای بانک مرکزی وجهه سیاسی و اقتصادی ترکیه را در عرصه بین‌الملل خدشه‌دار می‌کند و منجر به سلب اعتماد به سیستم پولی ترکیه می‌شود.»

تحویل تورم ۶۵ درصدی

آمارها نشان می‌دهد از تاریخ ۸ ژوئن که حفیظه ارکان رئیس بانک مرکزی ترکیه شد تا زمان استعفای وی، بی‌رحم‌ترین و شدیدترین افزایش نرخ بهره رقم خورد و این عدد از ۸٫۵ به ۴۵ درصد رسید و این در شرایطی است که بنا بود تورم مهار شود. افزایش نرخ بهره مترادف افزایش هزینه استقراض مردم، شرکت‌های تولیدی، خصوصی و دولتی است. مردم چه انتظاری داشتند؟ نرخ تورم کاهش پیدا کند. نرخ تورم در زمان قبول مسئولیت توسط وی حدود ۴۰ درصد بود. آخرین داده‌ها نشان می‌دهد نرخ تورم در زمان پایان ریاست وی در بانک مرکزی به حدود ۶۵ درصد رسید. ارزش هر دلار در ابتدای اعمال سیاست‌های حفیظه ارکان ۲۳٫۴ لیر بود و آخرین داده‌ها نشان می‌دهد ارزش لیر کاهش یافته و قیمت هر دلار به ۳۰٫۵ لیر رسیده است. هدف از اعمال این سیاست افزایش ارزش لیر بود که موفق عمل نکرد. همچنین انتظار می‌رفت نرخ تورم کاهش پیدا کند اما این اتفاق هم نیفتاد. مردم عادی با نوع سیاست کاری ندارند بلکه با نتیجه سیاست کار دارند. مردم ترکیه می‌بینند که سفره آنها کوچک شده و نمی‌توانند با نرخ بهره کمتر وام بگیرند و از طرف دیگر نرخ تورم نیز افزایش یافته و ارزش پول نیز کاهش یافته است.

حفیظه ارکان قربانی ریخت‌وپاش اردوغان

فتوره‌چی ادامه داد: «مشکل اصلی اقتصاد ترکیه افزایش نرخ تورم نیست بلکه کسری تراز پرداخت‌هاست. یعنی واردات آن بیشتر از صادرات و خروج سرمایه بیشتر از ورود سرمایه است. وقتی حساب تجاری یا حساب تراز پرداخت یک کشور دچار کسری می‌شود باید به آن اندازه بدهی داشته باشد. یعنی یا باید از کشورهای دیگر قرض بگیرد یا باید صادرات و ورود ارز به کشور را افزایش دهد. از آنجایی‌که ترکیه نمی‌توانست ورود سرمایه و صادرات را افزایش دهد مجبور بود بدهی خود را افزایش دهد. مهمت شیمشک به قصد جذب سرمایه خارجی از سوی دولت و شرکت‌های خصوصی به کشورهای حوزه خلیج‌فارس رفت اما سرمایه‌گذاران این کشورها زیاده‌خواه و تمامیت‌خواه هستند. از زمانی که شیمشک مسئولیت وزارت مالی و خزانه‌داری را برعهده گرفت در جذب سرمایه موفق عمل نکرد. اکنون در ذهن مردم ترکیه این تفکر وجود دارد که سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول به‌طور پنهان در اقتصاد ترکیه اجرا می‌شود، سیاست‌های سیستم سرمایه‌داری، لیبرالی و نئولیبرالی در اقتصاد ترکیه اجرا می‌شود و می‌خواهند ارزش پول و اقتصاد ترکیه نابود شود. مردم مخالف سیاست‌های نئولیبرالی هستند. اردوغان سیستمی را براساس نفع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی خود و حزبش ایجاد کرده است. ارکان در این سیستم لیز خورده و سقوط کرده است. نه‌تنها تغییر سیاست غیرممکن است بلکه با سردرگمی سیاست‌های پولی و مالی در این کشور روبه‌رو هستیم. از یک‌سو سیاست‌های پولی انقباضی اعمال می‌شود و از سوی دیگر اردوغان دستمزدها را افزایش می‌دهد. در آستانه انتخابات شهرداری هستیم و اردوغان برای برنده شدن افراد منتسب به حزب خودش هزینه می‌کند.»

چرا نرخ بهره در ترکیه کار نکرد؟

این اقتصاددان فارغ‌التحصیل دانشگاه حاجت تپه ترکیه درخصوص اینکه چرا نرخ بهره در ترکیه کار نکرد، می‌گوید: «در راستای ریشه‌یابی مسائل اقتصادی موجود در ترکیه و در پاسخ به این سوال که چرا سیاست‌های اقتصادی که در بلوک غرب موفق عمل کرده در ترکیه موثر نبوده، گفت: «رشد اقتصادی ترکیه وابسته به تقاضای داخلی و بخش داخلی بود. اردوغان می‌خواست رشد را وابسته به بخش خارجی کند و صادرات را افزایش دهد، بنابراین تصمیم گرفت الگوی رشد اقتصادی وابسته به صادرات را اعمال کند. اقتصاددانان برای اینکار راهکار یافتند. اقتصاددانان ترکیه گفتند باید به صورت مصنوعی ارزش لیر را در مقابل ارزش دلار و سایر ارزهای رایج دنیا کاهش دهیم تا صادرات افزایش پیدا کند تا کالاهای ترکیه با قیمت‌های ارزان‌تر صادر شود و قدرت رقابت با کالای جایگزین داشته باشد. برای این کار از ابزار سیاست پولی انبساطی یعنی کاهش نرخ بهره استفاده کردند. وقتی نرخ بهره کاهش پیدا می‌کند یعنی هزینه استقراض کاهش پیدا می‌کند، درنتیجه مردم و شرکت‌ها با بهره کمتر وام گرفتند و تقاضا افزایش پیدا کرد و با توجه به تئوری‌های اقتصادی وقتی تقاضا افزایش پیدا می‌کند، تورم هم افزایشی می‌شود. تولید هم روند رو به رشدی داشت اما رشد آن کمتر از تورم بود. این سیاست نتیجه‌بخش نبود؛ چراکه بیش از ۶۰ درصد از صادرات ترکیه به واردات مواد اولیه وابسته است. ۹۰ درصد انرژی، ۵۰ درصد کود شیمیایی و... در این کشور از طریق واردات تامین می‌شود. درنتیجه قیمت واردات افزایش یافت و تورم فشار وارداتی نیز به اقتصاد ترکیه تحمیل شد.»

دلایل تورم در ترکیه

فتوره‌چی در ادامه عنوان کرد: «درنتیجه شرایط شاهد دو ریشه تورم بودیم؛ یک تورم نشأت گرفته از کاهش مصنوعی ارزش لیر در مقابل ارزش دلار بود و یکی وابسته به تورم وارداتی بود که این تورم وابسته به ارزش لیر در مقابل ارزش دلار بود. انتخابات و افزایش هزینه اردوغان برای مخارج دولتی و زلزله و... نیز به افزایش نرخ تورم دامن زد. از سوی دیگر نیز برای اینکه از سقوط لیر جلوگیری کنند، ذخایر بانک مرکزی به بازار تزریق شد. دولت جدید اردوغان در این دوره تصمیم گرفت سیاست‌های متعارف جهان را اعمال کند، یعنی سیاست‌های ارتودکسی را اعمال کند. اعمال این سیاست‌ها در کشورهای بلوک غرب جواب داد و تورم مهار شد. تولید حقیقی ترکیه درون‌زا نبود، یعنی صادرات این محصول وابسته به واردات بود. تولید حقیقی آن چیزی است که تولید می‌شود، واقعی و قابل لمس و مبادله است. واردات بیش از صادرات و خروج سرمایه بیش از ورود سرمایه بود. این عوامل از تاثیرگذاری سیاست‌های پولی انقباضی جلوگیری و اثرات آن را خنثی می‌کنند. در آن دوره ذخایر ارزی ترکیه در حال کاهش بود. وقتی نرخ بهره به ۴۵ درصد رسید، سرمایه‌گذاری خارجی راضی نبود اوراق خزانه ترکیه را خریداری کند. معیار فقط نرخ اوراق قرضه نیست بلکه سایر شاخص‌های اقتصادی هم مهم است. اقتصاد ترکیه به‌شدت به تقاضای داخلی وابسته است و با سیاست‌های پولی انقباضی تقاضای داخل و رشد اقتصاد کاهش پیدا خواهد کرد. حتی اگر وضعیت اقتصاد جهان بهتر شود، ترکیه رقبای قوی مثل چین دارد.»

همراهی نکردن ۳ ابزار با نرخ بهره ترکیه

مجید شاکری، پژوهشگر در زمینه مالیه حکمرانی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درخصوص تغییرات اخیر در بانک مرکزی ترکیه گفت: «مدت‌هاست که وانمود می‌شود رویکرد حفیظه ارکان برای افزایش نرخ بهره به لحاظ علمی یک پکیج صحیح برای کنترل تورم‌های بالا در ترکیه بوده است. چند مساله در این‌باره وجود دارد. توفیق نسبی ترکیه در دهه اول قرن جاری در کنترل تورم باعث شد تا حد زیادی ابزار هدف‌گذاری نرخ تورم با استفاده از ابزار نرخ بهره کوتاه‌مدت توسط بانک مرکزی ترکیه ابزار توانمندی باشد. عملا پایین نگه داشتن قابل توجه نرخ بهره در زمانی که بازار در دوره زمانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹ انتظار افزایش نرخ بهره را داشت باعث شد تا حد زیادی نقش این ابزار در کنترل انتظارات تورمی تضعیف شود و بازار تا حد زیادی به تغییرات تراز پرداخت‌های ترکیه و نیاز آن به مداخلات بانک مرکزی حساس شود. به‌طور کلی حتی صندوق بین‌المللی پول هم که پیش از این بر چهارچوب‌های راست‌گرایانه در کنترل نرخ ارز که شامل شناور کردن نرخ ارز، توجه به افزایش نرخ بهره و امثال اینها تاکید داشت، بعد از شکست نرخ بهره آرژانتین در سال ۲۰۱۸ نگاه خود را تغییر داد و گفت برای اینکه بتوانیم یک بسته مناسب برای کنترل تورم ارائه دهیم (به‌خصوص وقتی که نرخ ارز یک بازیگر مهم است) باید چهار ابزار را در کنار هم استفاده کنیم؛ در نتیجه دیگر بسته‌های IMF به این ادبیات گرایش دارد. بر این اساس هدف‌گذاری تورم و استفاده از نرخ بهره برای هدف‌گذار تورم نقش مهمی داشته و مداخله، اعمال کنترل‌های حساب سرمایه هم بر ورود و هم بر خروج سرمایه و اقدامات احتیاطی مثل کنترل ترازنامه نیز توصیه می‌شود، یعنی می‌خواهم بگویم عملا انتظار کاهش نرخ تورم صرفا با افزایش نرخ بهره آن هم به‌صورت تهاجمی خیلی معقول نبود.»

کمک ۳۵ میلیارد دلاری IMF نرسید

شاکری در ادامه درخصوص نقش بسته ۳۵ میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول در شکست سیاست‌های رئیس سابق بانک مرکزی ترکیه نیز توضیح داد: «برای ترکیه که نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی آن بسیار بالاست نقش کمکی بسته ۳۵ میلیارد دلاری IMF بسیار حیاتی بود، این بسته به ترکیه کمک می‌کرد تا بتواند بخشی از بدهی‌های خود را بغلتاند. با توجه به اینکه ترکیه به‌شدت به تامین مالی کسری حساب جاری از محل ورود سرمایه وابستگی دارد، محدودیت در ورود و خروج سرمایه یا رفتن به سراغ رفتارهای غیرمتعارف در حوزه اقتصاد کلان یک حرکت انقلابی محسوب می‌شود. حفیظه ارکان بیشتر از ابزار نرخ بهره استفاده کرد در نتیجه با وجود تخریب سابق و همچنین عدم پشتیبانی نرخ بهره، شانسی برای ادامه مسیر در جایگاه رئیس بانک مرکزی ترکیه نداشت. ممکن است در ادامه مشخص شود که یک درگیری سیاسی با اردوغان یا چیزی شبیه به این پیش آمده است اما درنهایت اگر او می‌ماند هم نمی‌توانست بدون بسته کمکی IMF به نقشه راه تورمی که تقریبا شش ماه قبل منتشر کرده بود و یک چشم‌انداز از نرخ تورم و نرخ برابری لیر به دلار در طی چند سال آینده داده بود را محقق کند. موضوع استعفا، فارغ از انتقادات نسبت به زندگی وی در آمریکا که می‌تواند به بحث صندوق مربوط باشد یا حرف و حدیث‌ها درباره منزل مسکونی وی بهترین گزینه برای استعفای او به شمار می‌رفت.»

شاکری در پایان گفت: «اردوغان بعد از اینکه برنده انتخابات ریاست‌جمهوری شد تمام رفتارهای خود را در جهتی تنظیم کرد که این بسته ۳۵ میلیارد دلاری را از صندوق بین‌المللی پول دریافت کند. آوردن تیم ارتودکسی با پس‌زمینه آمریکایی به بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و تلاش برای کاهش تنش با اسرائیل از جمله اقدامات رئیس‌جمهور ترکیه برای تحقق این بسته حمایتی بود. اما این بسته فعلا وجود ندارد و تا آمریکایی‌ها نخواهند متولد نخواهد شد. تحلیل‌هایی وجود دارد که این موضوع را به طوفان الاقصی مربوط می‌کند و می‌توان این تحلیل‌ها را جدی گرفت.»

رئیس سازمان امور مالیاتی در نشست خبری با خبرنگاران تشریح کرد

مالیات ۱۷۰۰ میلیارد تومانی نهادهای انقلاب

عصر روز گذشته محمدهادی سبحانیان، رئیس سازمان امور مالیاتی در نشست خبری این سازمان با خبرنگاران با اشاره به اینکه مهم‌ترین راهبرد فعلی در نظام مالیاتی کشور عدالت است، گفت: «یکی دیگر از راهبردهای ما برای گسترش عدالت مالیاتی وصول مالیات حقه دولت است. بنابراین در نظام مالیات ستانی هیچ تبعیضی وجود ندارد.» سبحانیان در پاسخ به سوال خبرنگار «فرهیختگان» درباره حجم پرونده‌های وارد شده به فرآیند دادرسی گفت: «معمولا ۳۰ درصد از پرونده‌ها وارد فرآیند دادرسی می‌شوند که البته این میزان در پایه‌های جدید مالیاتی بیشتر است.»

سبحانیان در پاسخ به سوال «فرهیختگان» درخصوص میزان پرداخت مالیات از سوی نهادهای انقلابی اظهار داشت: «هر آن کس که در نظام اقتصادی کشور درآمد داشته باشد، مکلف است مالیات پرداخت کند. البته قانونگذار برای برخی از نهادها و مراکزی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، مثل خیریه‌ها، مشوق‌هایی درنظر گرفته است.

بنابراین اگر نهادی از پرداخت مالیات معاف است، به دلیل ارائه خدمات عمومی است و اگر فعالیت اقتصادی دارد، قطعا باید مالیات پرداخت کند. شرکت‌ها، نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی همه مالیات می‌دهند و در ۱۰ ماهه ابتدای امسال بالغ بر ۱۷۰۰ میلیارد تومان مالیات از نهادهای وابسته به بنیادهای انقلاب اسلامی اخذ کردیم.»

افزایش ۳ برابری معافیت مالیاتی اصناف و مشاغل

رئیس کل سازمان امورمالیاتی درباره نگرانی‌ها از مالیات اصناف در سال آینده گفت: «ما اصناف را رتبه‌بندی می‌کنیم. قدم اول این است که تعامل مثبتی با مودیان از جمله اشخاص حقیقی داشته باشیم. هیچ موقع تا این حد سطح تعامل بین سازمان امور مالیاتی و اصناف گسترده نبوده است. قانون‌گذار در پی آن است که دایره شمول افرادی که به سامانه مودیان متصل می‌شوند، افزایش دهد اما قصد نداریم کسانی که علاقه‌مند به انجام تکالیف خود هستند را جریمه کنیم. اطلاع‌رسانی را هم در دستورکار داریم. البته برای برخی صنوف مثل پزشکان و طلافروشان استدعا کردیم که از این ابزارهای نوین مالیاتی استفاده کنید.»

سبحانیان یادآور شد: «از اشخاص و مشاغل برای کسری بودجه دولت کیسه ندوختیم.

ما فقط ۳۵ تا ۳۶ هزار میلیارد تومان مالیات برای مشاغل درنظر گرفتیم. حدود ۹۰ درصد مالیات‌ها زیر ۲۰ میلیون تومان است. کسی که توانایی پرداخت مالیات بیشتری دارد، باید مالیات بیشتری بدهد تا بر مردم فشاری وارد نشود و این مساله در راستای اجرای عدالت است.»

سبحانیان در ادامه این نشست خبری با بیان اینکه در مدت زمان ۹ ماه که در سازمان امور مالیاتی هستم، تلاش همکاران ما استقرار یک نظام مالیاتی مبتنی‌برعدالت و فاصله گرفتن از یک نظام سنتی مالیات ستانی و رفتن به سمت یک نظام مبتنی‌بر داده است، گفت: «یکی از مصادیق بارز عدالت و راهبرد جدی سازمان امور مالیاتی تمرکز نظام مالیاتی بر دانه درشت‌ها و شخصیت‌هایی است که از حجم بیشتری از فعالیت‌های اقتصادی استفاده می‌کنند و درعین‌حال کاهش بار مالیاتی از گرده مودیان کوچک است.» وی درخصوص لایحه بودجه ۱۴۰۳ گفت: «با پیگیری‌های سازمان امور مالیاتی، سقف معافیت مالیاتی اصناف و مشاغل سال آینده با افزایش ۳ برابری از ۴۷ میلیون تومان به حدود ۱۴۴ میلیون تومان در سال افزایش پیدا کرد.»

شناسایی ۱۵۰ هزار نفر با گردش حساب ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان

سبحانیان با اشاره به اینکه قرار نیست سازمان امور مالیاتی به حساب‌های شخصی افراد ورود کند، گفت: «فعالان اقتصادی از حساب‌های تجاری استفاده می‌کنند؛ اما اندک مودیان برای فرار مالیاتی از حساب‌های شخصی به جای تجاری استفاده می‌کنند.» رئیس سازمان امور مالیاتی ادامه داد: «اگر مبلغ و تعداد واریزی به حساب‌ها از اعلامی شورای پول و اعتبار بانک مرکزی بیشتر باشد حساب تجاری است، به‌عنوان مثال از این رو اگر کسی بیش از ۱۰۰ واریزی به حساب داشته باشد این حساب شخصی نیست.» وی تاکید کرد: «به‌دنبال مالیات ستانی از خرده‌ها نیستیم، بلکه از دانه درشت‌ها هستیم.

اکنون ۱۵۰ هزار نفر شناسایی شده که گردش حساب آن هزاران هزار میلیارد تومان است. براساس اعلام قانون‌گذار مبلغ و تعداد واریزی را شورای پول و اعتبار تعیین خواهد کرد.»

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم